













## اطلاعات

رئیس‌جمهوری: **شر داعشی با مجاهدت‌های منطقه بر داشته شد**
کشاورزان، امنیت غذایی را برای کشور فراهم می‌کنند و آرامش جامعه ما در سایه تلاش و بازوان قدرتمند آنها است.
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری دیروز در پنجمین کنگره سراسری خانه کشاورز در مجموعه فرهنگی شهید باهنر در تهران با بیان این مطلب گفت: اگر کشور روزی برای تأمین مواد غذایی خود دچار اضطراب و نگرانی باشد، اوضاع ناآرامی‌های پیش خواهد آمد. وی همچنین کنده شدن بنیان و اساس گروهک تروریستی داعش از سوریه را به رهبر معظم انقلاب، نیروهای سپاه، ارتش، نیروی سپاه قدس و بویژه سردار سلیمانی فرمانده سپاه قدس و همچنین دیپلمات‌های ابائی تبریک گفت و اظهار داشت: باید از همه رزمندگان اسلام، دیپلمات‌های کشور، دولت، ملت و رهبری معظم انقلاب، نیروهای مسلح و ملت عراق و سوریه به خاطر پایان گروهِی که جز شر، نکیبت، ویرانی و آدم کشی و توحش چیزی را به همراه نداشتند، تشکر کنم.

رئیس‌جمهوری افزود:داعش گروهک تروریستی است که توسط قدرت‌های بزرگ و برخی کشورهای مرتجع منطقه ارتزاق و مسلح شده و با جانیات‌های خود روزی جانیکاران نابود را سفید کرد. وی با بیان اینکه داعش ششصد بنیان و اساس گروهک تروریستی داعش از سوریه یک خبر خوش برای مردم ایران و منطقه است، گفت: کار اصلی را مردم و ارتش سوریه، عراق و لبنان انجام دادند و ما براساس وظیفه دینی و اسلامی خود به آنان کمک کردیم.

دکتر روحانی با بیان اینکه گروهک تروریستی داعش توسط قدرت‌های بزرگ کشورهای مرتجع منطقه حمایت شده و کمک‌های مالی به آنها داده می‌شد، گفت: آنچه آنها از موزه‌های عراق و سوریه به تاراج بردند، توسط همین قدرت‌ها به بازارها فروخته شد و این کاش به کسب اکتفا می‌کردند، اما این وختران و جانیات را هم در بازارها فروخته‌اند و جانیات را به انجام رسانده‌اند که روزی همه جانیکاران تاریخ را سفید کنند.او بهترین جانیکار منطقه را که کجا بود و امروز که ظلمی آشکار نسبت به مردم فلسطین روا داشته می‌شود، این اتحادیه عرب کجا است؟

دکتر روحانی افزود: جایی تأسیف است، عدای که خود را مسلمان و عرب می‌نامند، از اینکه یک ملت مظلوم توانسته

نماینندگان دولت و مجلس شورای اسلامی دیشب در نشست مشترک راه‌های سرعت دادن به تخصیص وام‌های اشتغال‌زایی برای مناطق روستایی و عشایری کشور را بررسی کردند.

دکتر سیّد ابوالفضل رضوی، معاون توسعه مناطق روستایی رئیس‌جمهور، در این جلسه با اشاره به صدور مجوز استفاده از ۱/۵ میلیارد دلار منابع صندوق مورد تأمین برای افزایش اشتغال در مناطق روستایی و عشایری گفت: علاوه بر این از پارسیال با همکاری بنیاد مستضعفان ۱۶۰۰ میلیارد تومان وام به‌عالمیت بانک سیپا برای رونق اشتغال در مناطق روستایی تخصیص یافته است.

وی گفت: ۵ درصد از کارمزد این وام توسط بنیاد مستضعفان و ۵ درصد دیگر هم از محل کمک‌های فنی و اعتباری معاونت توسعه روستایی ریس‌جمهوری تأمین می‌شود و عملاً روستائیان برای دریافت این وام فقط ۸ درصد کارمزد می‌پردازند.

به گفته وی، بر اساس سه‌پیمانی صورت گرفته در تمامی استان‌ها سهم هیچ‌کدام از استان‌ها زیر ۲۰ میلیارد تومان نیست مستضعفان با همکاری طرف یک سال گذشته حتی ۵ میلیارد

میزان فرسایش خاک در هر هکتار به ۱۶/۵ تن می‌رسد
ایران دارای بیشترین فرسایش خاک در دنیا است به طوری که در هر هکتار ۱۶/۵ تن فرسایش خاک وجود دارد که ۷/۵ برابر متوسط جهانی است.
محمّدعلی طهماسبی معاون امور باغبانی وزیر جهاد کشاورزی در حاشیه آیین افتتاح نمایشگاه بین‌المللی باغبانی، گلخانه و جانمایی کشاورزی که در بوستان گفتگوی تهران برگزار شده است، در پاسخ به سوال خبرنگار ما درباره آخرین وضع احداث باغ در اراضی شیب دار و پجست آب مورد نیاز آن با توجه به محدودیت‌های این کشور، گفت: در برنامه ششم توسعه احداث ۱۰ هزار هکتار باغات در اراضی شیب‌دار مصوب شده است با تونیم گیاهان ثمر و اقتصادی در درختان میوه، درختچه‌ها و گیاهان دارویی را در دستور کار قرار دهیم.

وی افزود: حدود ۸۰۰ هزار هکتار از اراضی شیب‌دار کشور بالای ۳۰۰ مبی‌تر بازندگی دارد و مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که بیشترین فرسایش خاک در ایران مربوط به اراضی شیب‌دار است که کشت درخت در این اراضی می‌توانیم فرسایش را کاهش دهیم. طهماسبی با اشاره به دیگر مزایای کشت گیاهان و درختان در اراضی شیب‌دار گفت: این اراضی با استفاده از آب باران یا به عبارتی آب سبزی آبیاری می‌شوند، تنه‌ها تکنیکی‌های گاشت خاص خود را دارند که باید به‌کار گرفته شود.

وی در زمینه نگرانی برخی اراک‌ها در مورد مصرف آب در ایسن اراضی گفت: اصلاً منبع جدید آبی برای این اراضی تخصیص داده نمی‌شود که عدای به آن حساسیت پیدا کنند، چرا که ما با توجه به آب و هوای هر منطقه گیاه مختص آن را کشت می‌کنیم، به عنوان

### مدیریت حمل و نقل نیازمند ۲۸۰ هزار میلیارد تومان سرمایه گذاری در ۱۰ سال آینده

در حالی که آمار تلفات سوانح رانندگی در ایران ظرف ۱۰ سال اخیر با تلاش مقامی دستگاه‌های مسئول از ۲۷ هزار نفر در سال به ۱۶ هزار نفر در سال تقلیل یافته است، اما تحقیقات کارشناسی نشان می‌دهد که درصورت نبود سرمایه لازم برای بهبود مدیریت حمل و نقل قلمه این موج آوارگی‌ها و تصادفات رانندگی به سرعت برگشت خواهد کرد.
بر اساس سرمایه گذاری مدّی است که در تصادفات سوانح رانندگی ما از هر نفر در سال کمتر شود.



به دشمنی‌هایی که علیه مردم روا داشته می‌شود، پاسخی ندان شکن بعدله ابراز تأسف می‌کنند و می‌گویند که چرا مردم و ارتش یمن توانسته اند با موسکی که مال آنها بوده این اقدام را انجام دهند.

وی همچنین با تجلیل از ابرار و فداکاری ملت بزرگ ایران بویژه مردم غیور و پهلوان استان کرمانشاه در دو حادثه زلزله شدید و غمبار غرب کشور در کنار یکدیگر مصیبت‌دیده کرمانشاه برطرف شود.
مهندس محمود جلیلی وزیر جهاد کشاورزی هم در این مراسم گفت: از ابتدای سال تاکنون ۹۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی تحت پوشش روش‌های نوین آبیاری قرار گرفته و رکورد توسعه این طرح شکسته شد. همچنین براساس برنامه ریزی‌های انجام شده تا پایان امسال ۱۵۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی تحت پوشش روش‌های نوین آبیاری قرار می‌گیرد.

وی همچنین از اختصاص ۳۰۰ میلیون دلار تسهیلات برای اجرای روش‌های مدیریت آب خیر داد و گفت: این بوجه علاوه بر مردم دچار سشدانه به فکر ایجاد تفاوت تروریست‌ها بودند، این اتحادیه برای کجا بود و امروز که ظلمی آشکار نسبت به مردم فلسطین روا داشته می‌شود، این اتحادیه عرب کجا است؟

دکتر روحانی افزود: جایی تأسیف است، عدای که خود را مسلمان و عرب می‌نامند، از اینکه یک ملت مظلوم توانسته

### را‌زینی دولت و مجلس برای تسریع در تخصیص تسهیلات اشتغال‌زایی روستائیان

استان، بهبود ابزار اطلاع‌رسانی در مناطق روستایی، تقویت نظارت بر نحوه تخصیص و استفاده از تسهیلات، پرداخت تسهیلات بر مبنای آمایش سرزمین، تشکیل تعاونی‌های جنبی برای بازاریارسانی محصولات تولیدی مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در پایان این جلسه قرار شد نشست مشترک نمایندگان دولت و مجلس برای ارزیابی نحوه تخصیص تسهیلات مذکور هر سه ماه یک بار در ریاست جمهوری برگزار شود. ضمن این که با تشکیل یک گروه مشاوره، کارگروه تعیین بازار

و کارگروه آموزش اشتغال در تمامی استان‌ها موافقت شد.

دکتر رضوی معاون رئیس‌جمهوری در خصوص این نشست گفت: در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای

مناطق روستایی، تقویت نظارت بر نحوه تخصیص و استفاده از تسهیلات، پرداخت تسهیلات بر مبنای آمایش سرزمین، تشکیل تعاونی‌های جنبی برای بازاریارسانی محصولات تولیدی مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در پایان این جلسه قرار شد نشست مشترک نمایندگان دولت و مجلس برای ارزیابی نحوه تخصیص تسهیلات مذکور هر سه ماه یک بار در ریاست جمهوری برگزار شود. ضمن این که با تشکیل یک گروه مشاوره، کارگروه تعیین بازار و کارگروه آموزش اشتغال در تمامی استان‌ها موافقت شد.

دکتر رضوی معاون رئیس‌جمهوری در خصوص این نشست گفت: در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای

مناطق روستایی، تقویت نظارت بر نحوه تخصیص و استفاده از تسهیلات، پرداخت تسهیلات بر مبنای آمایش سرزمین، تشکیل تعاونی‌های جنبی برای بازاریارسانی محصولات تولیدی مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در پایان این جلسه قرار شد نشست مشترک نمایندگان دولت و مجلس برای ارزیابی نحوه تخصیص تسهیلات مذکور هر سه ماه یک بار در ریاست جمهوری برگزار شود. ضمن این که با تشکیل یک گروه مشاوره، کارگروه تعیین بازار و کارگروه آموزش اشتغال در تمامی استان‌ها موافقت شد.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

#### اخبار داخلی



به دشمنی‌هایی که علیه مردم روا داشته می‌شود، پاسخی ندان شکن بعدله ابراز تأسف می‌کنند و می‌گویند که چرا مردم و ارتش یمن توانسته اند با نمابندگی از مردم در آنها بوده این اقدام را انجام دهند.

وی همچنین با تجلیل از ابرار و فداکاری ملت بزرگ ایران بویژه مردم غیور و پهلوان استان کرمانشاه در دو حادثه زلزله شدید و غمبار غرب کشور در کنار یکدیگر مصیبت‌دیده کرمانشاه برطرف شود.
مهندس محمود جلیلی وزیر جهاد کشاورزی هم در این مراسم گفت: از ابتدای سال تاکنون ۹۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی تحت پوشش روش‌های نوین آبیاری قرار گرفته و رکورد توسعه این طرح شکسته شد. همچنین براساس برنامه ریزی‌های انجام شده تا پایان امسال ۱۵۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی تحت پوشش روش‌های نوین آبیاری قرار می‌گیرد.

وی همچنین از اختصاص ۳۰۰ میلیون دلار تسهیلات برای اجرای روش‌های مدیریت آب خیر داد و گفت: این بوجه علاوه بر مردم دچار سشدانه به فکر ایجاد تفاوت تروریست‌ها بودند، این اتحادیه برای کجا بود و امروز که ظلمی آشکار نسبت به مردم فلسطین روا داشته می‌شود، این اتحادیه عرب کجا است؟

دکتر روحانی افزود: جایی تأسیف است، عدای که خود را مسلمان و عرب می‌نامند، از اینکه یک ملت مظلوم توانسته

### برای حضور موثر در بازارها باید کیفیت کالا و خدمات افزایش یابد

یکدیگر برای مدیریت آب و ساخت مسئله راهکارهای مشترک تدوین کنیم تا شاهد از دست دادن هزینه‌های سنگین در بخش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نباشیم.
غذایی باید برای رفع مشکلات این بخش قدم برداریم.

وزیر راه و شهرسازی هم در این نشست از ناچیز بودن سهم محصولات کشاورزی در حمل و نقل ریلی خبر داد و گفت: اگرچه تنگناهای مالی زیادی برای دولت وجود دارد، اما پروژه‌های بزرگی برای توسعه حمل و نقل در دستور کار است که اصلی‌ترین آن حرکت به سمت استفاده بیشتر از خطوط ریلی است.

عباس اخوندی با اشاره به اینکه باید شبکه ریلی تا بندر توسعه پیدا کند، بیان کرد: متأسفانه اکنون سهم کالای کشاورزی از حمل و نقل ریلی صفر است، در حالی که طبق برآوردها سالانه ۴۰ میلیون تن محصولات مختلف (حدود ۱۰ درصد) از طریق حمل و نقل ریلی در کشور جابه‌جا می‌شود، البته در مقایسه با ۲۵ میلیون تنی حمل و نقل جاده‌ای عدد بسیار کوچکی به‌شمار می‌رود. به گفته وی، برای توسعه شبکه ران‌کالای، نیازمندی‌ها و فناوری در ریل و راه‌آهن باید حدود ۲۸ میلیارد دلار در برنامه ششم سرمایه‌گذاری شود.وزیر راه و شهرسازی افزود: میزان مصرف سوخت و انرژی در خطوط ریلی یک‌ششم تا یک‌هفتم حمل و نقل جاده‌ای است. بنابراین از این جهت توسعه خطوط راه‌آهن می‌تواند گامی مؤثر برای بهبود محیط زیست باشد.

وی یکی از دلایل پایین بودن سهم کشاورزی در استفاده از خطوط ریلی را فقدان پایانه تخصصی برای این عرصه دانست و افزود: از آنجا که بیشتر کالاهای کشاورزی فسفودیپتری بلایی دارد، بنابراین به پایانه‌های مجاری احتیاج داریم که هم امکانات سرانه‌ای و هم آب‌آبر داشته باشد و بتوان محصولات مختلف را در آنجا جهت توسعه خطوط راه‌آهن می‌تواند گامی مؤثر برای بهبود محیط زیست باشد.

وی با اشاره به سرمایه‌گذاری‌ها در بخش محصولات کشاورزی، مدیر رتفن سرمایه‌های پشمار می‌رود، تجهیزات حمل و نقل استفاده‌شده در خطوط ریلی و برخورداری از پایانه‌های تخصصی کشاورزی تأثیر چشمگیری در کاهش ضایعات دارد و در مجموع رتف بهره‌وری کشاورزی کشور را افزایش خواهد داد.

به گفته اخوندی، از آنجا که ضایعات ۴۰ درصدی در محصولات کشاورزی، هدر رفتن سرمایه‌های پشمار می‌رود، تجهیز حمل و نقل استفاده‌شده در خطوط ریلی و برخورداری از پایانه‌های تخصصی کشاورزی تأثیر چشمگیری در کاهش ضایعات دارد و در مجموع رتف بهره‌وری کشاورزی کشور را افزایش خواهد داد.

### برای حضور موثر در بازارها باید کیفیت کالا و خدمات افزایش یابد

شریعتمداری با تأکید بر اینکه فشار بر ارتقای کیفیت مناسب است، اما در کنار آن باید نوسازی صنعتی در اولویت قرار بگیرد، گفت: بسیاری از واحدهای صنعتی ما با هدف جایگزینی واردات ایجاد شده است اما متأسفانه به این هدف نرسیدیم .

خاتم‌مهندس نیره پیروزیخت معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان ملی استاندارد ایران هم در این نشست گفت: نقص‌های زیادی در مقوله کیفیت ساخت و سزایهای کشور داریم که عموماً به نحوه آموزش‌های ارائه شده باز می‌گردد. وی با تکذیب برخی ادعاهای درباره بی‌کیفیت بودن مصالح ساختمانی موجود در بازار از کیفیت لازم برخوردارید اما همه مولفه‌های موثر در حوزه ساختمان‌بوهی منابع انسانی نیازمند ارتقای کیفیت هستند.شاید بزرگ‌ا است: در این مراسم از شرکت‌های برتر در حوزه ارتقای کیفیت تولید کالا و خدمات تقدیر شد.

### وزیر کار: برنامه جدید برای رفع فقر تدوین خواهد شد

رئیس‌جمهوری در نشست مشترک با اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های تابعه خود گفت: در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

| فقت ، طلا ، سکه و ارز                      |                |
|--|----------------|
| ▽ بازار جهانی                              |                |
| <b>هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست کک‌زاس)</b> | ۵۶/۵۶ دلار     |
| <b>هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)</b>       | ۶۲/۲۳ دلار     |
| <b>هر اونس سبب نفت کشورهای اوپک</b>        | ۶۰/۳۳ دلار     |
| <b>موتوس (۳۱/۱ طلا</b>                     | ۱۲۸۲/۳۰ دلار   |
| ▽ بازار داخلی                              |                |
| <b>سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۳ گرم)</b>   | ۱۳۶۰۰۰۰ تومان  |
| <b>سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۳ گرم)</b>   | ۱۴۲۰۰۰۰ تومان  |
| <b>نیم سکه طلا (به وزن ۴/۱۶ گرم)</b>       | ۷۱۵۰۰۰ تومان   |
| <b>ربع سکه طلا (به وزن ۲/۳ گرم)</b>        | ۳۰۰۰۰۰ تومان   |
| <b>سکه یک گرمی</b>                         | ۲۷۰۰۰۰ تومان   |
| <b>هر گرم طلا ۱۸ عیار (بدون مژد ساخت)</b>  | ۱۲۴۱/۶۸۰ تومان |
| <b>دلار آمریکا (نرخ بانکی)</b>             | ۲۵۲۱ تومان     |
| <b>دلار آمریکا (نرخ آزاد)</b>              | ۳۰۹۸ تومان     |
| <b>یورو (نرخ بانکی)</b>                    | ۲۱۶۶ تومان     |
| <b>یورو (نرخ آزاد)</b>                     | ۲۲۸۰ تومان     |
| <b>پوند انگلستان (نرخ بانکی)</b>           | ۴۶۶۸ تومان     |
| <b>پوند انگلستان (نرخ آزاد)</b>            | ۵۵۱۵ تومان     |
| <b>درهم امارات (نرخ بانکی)</b>             | ۹۵۹ تومان      |
| <b>درهم امارات (نرخ آزاد)</b>              | ۱۱۲۸ تومان     |

### فاز نخست بندر چابهار با حضور روسای جمهوری کشورهای همسایه افتتاح می‌شود

فاز نخست توسعه بندر شهیدبشتی چابهار ظرف دو هفته آینده با حضور دکتر روحانی رئیس‌جمهوری و سران کشورهای همسایه و وزیر راه و نقل ۲۷ کشور افتتاح می‌شود.

محمد رحمانداده معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل سازمان بندر دریا نوردی دیروز با بیان این خبر گفت: برای آماده سازی و تجهیزات فاز نخست بندر شهیدبشتی چابهار در مجموع یک میلیارد دلار هزینه می‌رسد که در نهایت ظرفیت این بندر به ۸۲ میلیون تن خواهد رسید. وی افزود: روند تأیامه رسمی خرید ۱۵ میلیون مترمکعب لاریوبی، ۲۰۲ هکتار استحصال اراضی جدید و هزار و ۶۵۰ طول موج‌شکن ایجاد شده و عمق خوضجه آن ۱۶/۵ مترمربع است.

وی گفت: کشتی‌های ۱۰۰ هزار تنی قابلیت پهلوگیری دارند و این مهم می‌تواند نقش بسزایی در واردات و صادرات کالاهای اساسی و عمومی داشته باشد. مدیرعامل سازمان بندر و دریا نوردی گفت: چهار فاز دیگر بندر شهیدبشتی چابهار هم در آینده تکمیل و به بهره‌برداری می‌رسد که در نهایت ظرفیت این بندر به ۸۲ میلیون تن خواهد رسید. وی افزود: روند تأیامه رسمی خرید ۱۵ میلیون مترمکعب لاریوبی، ۲۰۲ هکتار استحصال اراضی جدید و هزار و ۶۵۰ طول موج‌شکن ایجاد شده و عمق خوضجه آن ۱۶/۵ مترمربع است.

وی با اشاره به سرمایه‌گذاری‌ها در بخش محصولات کشاورزی، مدیر رتفن سرمایه‌های پشمار می‌رود، تجهیزات حمل و نقل استفاده‌شده در خطوط ریلی و برخورداری از پایانه‌های تخصصی کشاورزی تأثیر چشمگیری در کاهش ضایعات دارد و در مجموع رتف بهره‌وری کشاورزی کشور را افزایش خواهد داد.

### بر پایي نمايشگاه بين المللي صنعت خودرو در هفته آینده

نمایشگاه بین المللی خودرو با حضور شمار زیادی از برندهای معتبر تولیدی در این حوزه از ۶ آذر در مجموعه نمایشگاهی شهر آفتاب تهران برپا خواهد شد.

به گزارش خبرنگار ما توانمندی گروه صنعتی ایران خودرو، گروه خودروسازی سایپا، شرکت‌های اتریوا (تویوتا) (لکسوس)، کن خودرو (رنو)، کرمان موتور(هیوندای)، آرم‌ان موتورکوپر(لکسوسن) در کنار شرکت خارجی از کره جنوبی، ژاپن، چین، ترکیه، فرانسه، آلمان، انگلیس، اسپانیا، ایتالیا و تایوان در این عرصه به نمایش گذاشته خواهد شد. این نمایشگاه تا ۱۰ آذر همه روزها ساعت ۸ صبح تا ۶ بعدازظهر آماده بازدید علاقمندان به پیشرفت صنایع خودروسازی است.

### وزیر کار: برنامه جدید برای رفع فقر تدوین خواهد شد

رئیس‌جمهوری در نشست مشترک با اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های تابعه خود گفت: در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.

در صورت امکان، تسهیلات را به‌صورت فوری در بازارهای مناطق روستایی، استفاده از کمک خیران محلی برای افزایش اعتبارات منطقه‌ای و در نهایت ایجاد زنجیره ارزش افزوده در استان‌ها از محل تخصیص تسهیلات مذکور می‌شود.













مسعود فاضل: مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی ارگ جدید

سألهاست که مناطق آزاد و ویژه صادراتی با پستی بلندی‌های فراوانی دست و پنجه نرم می‌کنند، از زمانی که دولت‌مردان و برنامه‌ریزان ایرانی دریافتند که تنها با اتکا به درآمدهای نفتی نمی‌توان هدف‌های پیش‌بینی شده برای توسعه کشور را محقق کنند، مدت طولانی می‌گذرد. بر همین اساس در کنار تقویت مالیات ستانی، دولت‌ها توسعه صادرات غیرنفتی را به عنوان ابزاری مهم برای دستیابی به توسعه در دست‌خور کار خود قرار دادند. در این دوره طولانی برنامه‌ها و طرح‌های متفاوتی برای توسعه صادرات غیرنفتی تدوین و اجرا شد و گاه دولت به عنوان متولی، تسهیلاتی در اختیار صادر کنندگان قرار داده است.

در این راستا صادرات غیرنفتی برای اقتصاده‌های نفتی مانند ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و باعث ایجاد تنوع در صادرات و رهایی از اقتصاد تک محصولی خواهد شد که مناطق آزاد می‌توانند نقش به سزایی در این مورد ایفا کنند، که به دلیل معایفت‌های گمرکی نقش به سزایی در توسعه صادرات غیرنفتی خواهد داشت.

همان‌طور که پیش‌تر به آن اشاره شد، یکی از ارکان اصلی یا به بیان دیگر وظایف اصلی مناطق آزاد ویژه اقتصادی صادرات است. براساس آمار ارائه شده در شش ماهه اول سال، از مجموع ۸۱۳ میلیون دلار صادرات مناطق، ۳۴۱ میلیون دلار صادرات کالا و خدمات و ۴۷۲ میلیون دلار سهم صادرات مجدد است. چندی پیش دبیر شوراییعلی مناطق آزاد ویژه اقتصادی پیش‌بینی کرد که میزان صادرات کالا از مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در سال ۹۶ به یک میلیارد دلار افزایش یابد.

مجموع سرمایه‌گذاری داخلی بخش غیردولتی در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در سال ۹۵ هم معادل ۱۶۱۹ میلیارد ریال و مجموع سرمایه‌گذاری خارجی این مناطق معادل ۳۱۰۳میلیون دلار بوده است. اما همچنان روند صادرات در این مناطق آنگونه که باید و شاید نیست. در میان گزاره‌های مورد اتفاق سیاست‌گذاران اقتصادی، ارشد و توسعه

صادرات غیرنفتی، همواره یک گزاره تکراری و مورد توجه بوده است. با این حال بررسی آمار بین‌المللی تجارت نشان می‌دهد که کشورهای توسعه‌یافته، به ویژه کشورهایی که در موقعیت اقتصادی ایران بوده‌اند، با سرعت بیشتری این هدف را محقق کرده‌اند، این در حالی است که سهم ما از صادرات جهانی در مقایسه با این کشورهایی که با ما کار را شروع کرده‌اند سال به سال کمتر شده است.

این تحول، در سالیانه ورود مباحثی بنیادین همچون «نهاده‌ا»، «حاکمیت قانون» و «حکمرانی خوب» در چارچوب تحلیلی اقتصادی ایجاد شده است.

بدین ترتیب، تحلیل عملکرد اقتصادی در چارچوب نهادی قادر است با ایجاد پیوند میان دو علم اقتصاد و حقوق، راهکارهای مقتضی برای تیل به «توسعه» و رشد اقتصادی، را ارائه کند.

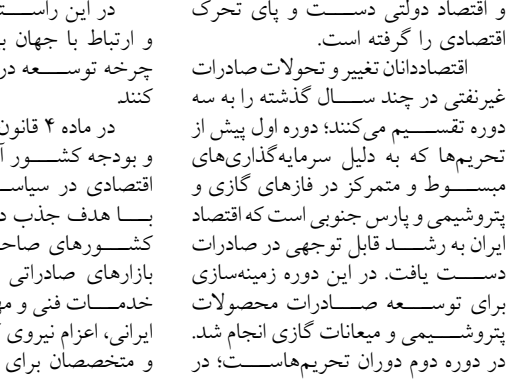
براساس این گزارش، توسعه در قالب یک کلیت، تلفیقی از توسعه در عرصه‌های مجزای اقتصادی، حقوقی، سیاسی و اجتماعی است؛ لذا توسعه حقوقی به اندازه توسعه اقتصادی حائز اهمیت محسوب می‌شود. مطالعات انجام شده درخصوص شناسایی رابطه متقابل میان «رشد و توسعه اقتصادی» و «نهاده‌ها» نشان می‌دهد که دولت به عنوان متولی، حضور «نهاده‌ای با کیفیت» در جامعه و وجود کارآییی در اعمال «حاکمیت قانون» و به تبع آن تضمین «امنیت» در حقوق مالکیت خصوصی» به عنوان یکی از اجزای انکارناپذیر حاکمیت قانون بر رشد و توسعه اقتصادی اثرگذار است.

ایمن اثرگذاری عمدتاً از طریق تحریک انگیزه‌های اقتصادی و ایجاد بهبود در شرایط کارآفرینی؛ افزایش سطوح سرمایه‌گذاری، ارتقای سطح رفاه و گسترش سطح رقابت‌پذیری جهانی تحقق پذیرفته و در نهایت، در قالب بهبود شاخص درآمد سرانه و ارتقای معیارهای رفاهی منعکس می‌شود.

در این راستا توجه و تاکید بیشتری بر صادرات غیرنفتی شده است. به‌طوری‌که طبق قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰ - ۱۳۹۶) دولت موظف به صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی، اصلاح نظام درآمدی دولت و همچنین قطع وابستگی بودجه به نفت تا پایان اجرای قانون برنامه ششم است.

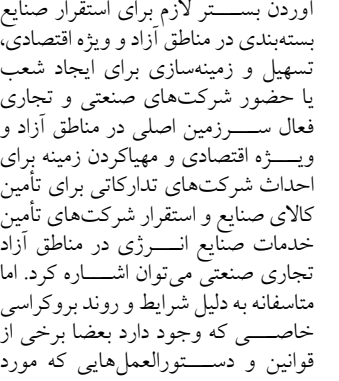
واقعیت این است که سهم ایران از صادرات بدون لحاظ‌کردن صادرات انرژی و نفت و مشتقات آن چندان بالا نیست. این ناکامی مربوط به این دولت نیست؛ از ۱۳ دهه پیش تمام برنامه‌هایی که برای توسعه صادرات غیرنفتی اجراهی شده، ناکام مانده و به نتایج مطلوبی نرسیده است. همچنان نفت بخش بزرگی از درآمدهای کشور را تشکیل می‌دهد

و اقتصاد دولتی دست و پای تحرک اقتصادی را گرفته است. اقتصاددانان تغییر و تحولات صادرات غیرنفتی در چند سال گذشته را به سه دوره تقسیم می‌کنند: دوره اول پیش از تحریم‌ها که به دلیل سرمایه‌گذاری‌های مسبوط و متمرکز در فازهای گازی و پتروشیمی و پارس جنوبی است که اقتصاد ایران به رشد قابل توجهی در صادرات دست یافت. در این دوره زمینه‌سازی برای توسعه صادرات محصولات پتروشیمی و میعانات گازی انجام شد. در دوره دوم دوران تحریم‌هاست؛ در



در این راستا با کسب تکنولوژی و ارتباط با جهان بین‌الملل می‌توانند به چرخه توسعه در کشور کمک شایانی کنند

در ماده ۴ قانون شش ساله برنامه و بودجه کشور آمده است که اولویت اقتصادی در سیاست خارجی کشور با هدف جذب دانش و نوآوری از کشورهای صاحب فناوری و توسعه بازاریهای صادراتی (کالایی و کشوری) خدمات فنی و مهندسی و کالاهای ایرانی، اعزام نیروی کار؛ جذب اسانید و متخصصان برای آموزش و انتقال فن



و فنسآوری (تکنولوژی) برای نیروهای ایرانی است. با رشد و توسعه و جذب دانش و تکنولوژی‌های بین‌المللی می‌توان بر میزان تولید، توسعه اقتصادی می‌توان اقدام به ایجاد اشتغال سالم و مولد و همچنین تنظیم بازار کار و کالا پرداخت. بر اساس آمارها، میزان اشتغالزایی مستقیم در واحدهای تولیدی و صنعتی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در سال ۹۵، بیش از ۲۱ هزار نفر می‌رسد که در مقایسه با سال ۱۳۹۴، رشد ۱۱ درصدی طی سال گذشته را نشان می‌دهند و این نشان از تلاش مناطق در ایجاد اشتغالزایی و کاهش بهرمیت‌زدایی دارد.

در ایمن زمینه وظایف و احکامی مستقیم در بسته رونق تولید و اشتغال که از سوی دولت ابلاغ شده است که از آن جمله می‌توان به تأمین مستقیم مواد اولیه از مبادی اصلی در صنایع اولویت‌دار، اولویت توسعه صنایع بسته‌بندی و فراهم

# گذری بر جایگاه مناطق آزاد در تولید

دیرینه‌خانه بعد از نهاد ریاست جمهوری به زیر مجموعه وزارت دارایی نه تنها در دستیابی به اهداف تعیین شده کمکی نمی‌کند بلکه موجب عدم کارایی حداقل عملکرد مناطق می‌گردد. البته از نظر سازمان این ابهام وجود دارد که مشاور رئیس جمهوری چگونه در زیرمجموعه یک وزارتخانه می‌تواند جایگاه خود را داشته باشد. همچنین زمانی که این همه سازمان‌های زیرمجموعه وزارت اقتصاد عملکرد موثری نداشته‌اند، چه توجیهی دارد که مناطق آزاد به زیرمجموعه این وزارتخانه ببینند و تغییر در نوع عملکردش رخ دهد؟ اگر دولت بخواهد نهادی را ایجاد کند، باید ابتدا امکان‌های انجام تکالیف از سوی آن نهاد را هم در اختیارش بگذارد.

نمی‌شود که امکانات وجود نداشته باشد، اما انتظارهایی کران باشد. این مناطق در ۲۳ سال گذشته در سه دولت سازندگی، اصلاحات و دولت آقای احمدی‌نژاد فراز و فرودهای بسیار داشته‌اند، چرا که نگاه دولت‌ها به این مناطق بسیار متفاوت بوده است. در همین دولت هم بخشی از دولت معتقد است که مناطق آزاد محل قاچاق کالا است. به گمان من، بهتر است به جای تغییر نهاد مرجع، امکانات لازم را در اختیار این مناطق بگذاریم. زمانی که اقدام به شکل‌گیری مناطق آزاد و ویژه اقتصادی شد، هدف کاهش قوانین دست و پاگیری بود که مانع جذب سرمایه‌گذاری می‌شد.

فالبین اقتصاد می‌معتقدند که همه دستگاه‌ها باید کمک کنند تا ماسیابل بوروکراتیک به حداقل برسند تا سرمایه‌گذاران بتوانند امکان سرمایه‌گذاری آسان‌تری به لحاظ پرداخت مالیات‌ها و رفت و آمدها و امور گمرکی و عوارض در غیر داشته باشند و بتوانند فعالیت‌شان را توسعه دهند. واگذاری دیرینه‌خانه مناطق آزاد به وزارت امور اقتصاد و دارایی منطقی به نظر نمی‌رسد. زیرا وزارت اقتصاد و دارایی به دلیل این که مسئول مالی و دارایی را کنترل می‌کند علی‌القاعده مسئول اداری‌اش نیست به خیلی از نهادهای دیگر بوروکراتیک و گسترده‌تر است و مسائل اداری در آنجا پیچیده‌تر و زمان‌بر خواهد بود. به گمان من که قوانین آزادتر شود نباید به سببی حرکت کنیم که دیرینه‌خانه را به سخت‌ترین دستگاه به لحاظ بوروکراسی واگذار شود.

ششم توسعه تمامی وظایف، اختیارات، ساختار و تشکیلات دیرینه‌خانه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با حفظ شخصیت حقوقی مستقل و با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه به وزارت امور اقتصادی و دارایی منتقل شد و وزیر اقتصاد مسئول اجرای قوانین مرتبط به حوزه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی است.

تأکید مجدد بر ایمن که اتصال

توافق قرار گرفته است به دلیل سلیقه‌های رفتار کردن و اختلاف نظر برخی از مدیران

مسئله مهم دیگری که وجود دارد و بر میزان توسعه و تولید تاثیرگذار است، بوروکراسی اداری است. یکی از موضوعات اساسی که از سال گذشته بسطیاری از مناطق آزاد و ویژه اقتصادی را با خود درگیر ساخته بحث الحاق مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به وزارت اقتصاد است.

بر اساس تصوره ماده ۲۳ قانون برنامه ششم توسعه تمامی وظایف، اختیارات، ساختار و تشکیلات دیرینه‌خانه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با حفظ شخصیت حقوقی مستقل و با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه به وزارت امور اقتصادی و دارایی منتقل شد و وزیر اقتصاد مسئول اجرای قوانین مرتبط به حوزه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی است.

تأکید مجدد بر ایمن که اتصال

فقط به پیگیری و رسیدگی صرف به برخورد احتمالی و نیم بند به آن پرداخته ایم.

ویاحت مرتبط با این موضوع هم از گسترده‌گی و تنوع زیادی برخوردار شده و با توجه به میزان توسعه عدم توسعه یافتگی جوامع این قانونمندی و رعایت ضوابط هم از اهمیت و اعتبار بیشتری برخوردار خواهد شد.

در حوزه رسیدگی به شکایات مطرح‌وه در حوزه بازار نشان می‌دهد که نهادهای مختلفی برای هدایت، مدیریت، نظارت و کنترل بازار ایجاد شده‌اند ولی به علل و دلایلی بهره‌وری مناسبی از آنها در حوزه کاهش زمینه‌های وقوع و رعایت قانون در سطح بازار مشاهده نمی‌شود.

در حوزه رسیدگی به شکایات صنعتی در حال حاضر امکان ارائه شکایت به چندین ساختار و نهاد دولتی و غیر دولتی بصورت مستقیم و غیر مستقیم فراهم شده است و در خصوص یک تخلف می‌توان یک شکایت را در مراکز مختلفی مانند واحدهای بازرسی و نظارت اصناف، سازمان های صنعت، معدن و تجارت، اتحادیه صنفی، تعزیرات حکومتی، سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان،انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف کنندگان و احتمالاً برخی نهادهای تخصصی مانند معاونت غذا و دارو و وزارت بهداشت، سازمان ملی استاندارد... مطرح کرد و هر یک از این دستگاه‌ها هم بخش های عریض و طولی مانند ستاد خبری، واحد بررسی رسیدگی به شکایات و ... را برای رسیدگی به این شکایات ها طراحی کرده‌اند؛ این درحالی است که ماهیت کار بسیاری از این ساختارها اصلا نباید ورود به موضوع رسیدگی به شکایات تلقی شود، ولی به دلایلی هم اکنون به این کار مشغولند.

نتیجه این تعدد مراکز الزاماً به معنای کاهش وقوع تخلف نیست بلکه این نهادهای تحت مقرانی و با عناوین مختلفی تحت عنوان رسیدگی تخصصی، مرتبط ، تفویض امور بازرسی و ... هم اکنون فعالیت می‌کنند.

واقع امر این است که رسیدگی به شکایات مردم و احقاق حقوق آنها یک وظیفه حاکمیتی است و فقط در حوزه صلاحیت حاکمیت قرارداد و اینکه مردم امکانی برای ارائه شکایات خود داشته باشند در بدو امر شاید یک موضوع مثبت تلقی شود ولی با نگاهی به پراکندگی عملکردهای این نهاد و عدم یازدارندگی احکام صادره، حاکم در بازه زمان‌های طولانی و عدم اثر بخشی جزای تخلف در زمان و مکان وقوع تخلف، عدم کاهش زمینه‌های تخلفات حوزه بازار را حتی رشد برخی از شاخص‌های تخلف مانند گرگرفتگی ... نشان می‌دهد که نتیجه دریافتی با توجه به امکانات اختصاص یافته به موضوع هیچگونه نتایجی ندارد.

حتی اگر این نهادهای مدعی باشند که در حوزه نظارت و کنترل بازار به صورت مستمر روزی درحال فعالیت هستند،چراکه علیرغم همه این کارها زمینه‌ای ارتکاب تخلفات حوزه بازار کاهش نیافته و در مواردی شاهد اوجافات بیشتری هم ازسوی برخی افراد فرصت طلب به جامعه هستیم، لذا اگر به جای وجود مراکز متعدد دریافت و رسیدگی کننده به شکایات حوزه بازار فقط یک مرکز منظم و منسجم برای رسیدگی به تظلمات مصرف کننده وجود داشت می‌توانست نسبت به دریافت و رسیدگی شکایت اقدام کند، بنسب مناسب‌تر از ده‌ها مرکز بود که بصورت غیر موثرتر در این بخش فعالیت می‌کنند، چرا که ما بجای استفاده از یک نگاه و بینش کارشناسی و علمی به موضوع تخلفات رایج در بازار کار

توجه به موضوع تخلفات رایج در بازار کار می‌تواند در ساعات اداری روزهای شنبه و یکشنبه مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۱ و ۱۳۹۶/۹/۱۲ به امور سهام شرکت صادره واقع در تهران- خیابان شهید استاد مطهری- انتهای خیابان کوئونر- پلاک ۲۴- طبقه اول با همراه داشتن اسامی کارت ملی جهت دریافت کارت ورود به مجمع مراجعه و با یا تلفن:۰۲۱-۸۸۷۴۷۰۳۲ تماس حاصل فرمائید.
**دستور جلسه:**
۱- انتخاب حسابرس و بازرس قانونی اسامی، علی‌البدل و حق‌الزحمه.
۲- انتخاب اعضای هیئت مدیره.
۳- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد.
**هیئت مدیره شرکت شاهد**

**آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت شاهد (سهامی عام) شماره ثبت: ۵۳۵۵۸ شناسه ملی: ۰۱۰۰۹۸۶۸۰۰**
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت شاهد (سهامی عام) و با نمایندگن قانونی آنان دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت که رأس ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۳ در تهران- خیابان شهید استاد مطهری- انتهای خیابان کوئونر- پلاک ۲۲- برگزار می‌گردد حضور به هم رسانند.

سهامداران محترم و با کلاهی قانونی آنان می‌توانند در ساعات اداری روزهای شنبه و یکشنبه مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۱ و ۱۳۹۶/۹/۱۲ به امور سهام شرکت صادره واقع در تهران- خیابان شهید استاد مطهری- انتهای خیابان کوئونر- پلاک ۲۴- طبقه اول با همراه داشتن اسامی کارت ملی جهت دریافت کارت ورود به مجمع مراجعه و با یا تلفن:۰۲۱-۸۸۷۴۷۰۳۲ تماس حاصل فرمائید.
**دستور جلسه:**
۱- انتخاب حسابرس و بازرس قانونی اسامی، علی‌البدل و حق‌الزحمه.
۲- انتخاب اعضای هیئت مدیره.
۳- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد.
**هیئت مدیره شرکت شاهد**

**آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت شاهد (سهامی عام) شماره ثبت: ۵۳۵۵۸ شناسه ملی: ۰۱۰۰۹۸۶۸۰۰**
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت شاهد (سهامی عام) و با نمایندگن قانونی آنان دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت که رأس ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۳ در تهران- خیابان شهید استاد مطهری- انتهای خیابان کوئونر- پلاک ۲۲- برگزار می‌گردد حضور به هم رسانند.

سهامداران محترم و با کلاهی قانونی آنان می‌توانند در ساعات اداری روزهای شنبه و یکشنبه مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۱ و ۱۳۹۶/۹/۱۲ به امور سهام شرکت صادره واقع در تهران- خیابان شهید استاد مطهری- انتهای خیابان کوئونر- پلاک ۲۴- طبقه اول با همراه داشتن اسامی کارت ملی جهت دریافت کارت ورود به مجمع مراجعه و با یا تلفن:۰۲۱-۸۸۷۴۷۰۳۲ تماس حاصل فرمائید.
**دستور جلسه:**
۱- انتخاب حسابرس و بازرس قانونی اسامی، علی‌البدل و حق‌الزحمه.
۲- انتخاب اعضای هیئت مدیره.
۳- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد.
**هیئت مدیره شرکت شاهد**

**آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت شاهد (سهامی عام) شماره ثبت: ۵۳۵۵۸ شناسه ملی: ۰۱۰۰۹۸۶۸۰۰**
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت شاهد (سهامی عام) و با نمایندگن قانونی آنان دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت که رأس ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۳ در تهران- خیابان شهید استاد مطهری- انتهای خیابان کوئونر- پلاک ۲۲- برگزار می‌گردد حضور به هم رسانند.

سهامداران محترم و با کلاهی قانونی آنان می‌توانند در ساعات اداری روزهای شنبه و یکشنبه مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۱ و ۱۳۹۶/۹/۱۲ به امور سهام شرکت صادره واقع در تهران- خیابان شهید استاد مطهری- انتهای خیابان کوئونر- پلاک ۲۴- طبقه اول با همراه داشتن اسامی کارت ملی جهت دریافت کارت ورود به مجمع مراجعه و با یا تلفن:۰۲۱-۸۸۷۴۷۰۳۲ تماس حاصل فرمائید.
**دستور جلسه:**
۱- انتخاب حسابرس و بازرس قانونی اسامی، علی‌البدل و حق‌الزحمه.
۲- انتخاب اعضای هیئت مدیره.
۳- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد.
**هیئت مدیره شرکت شاهد**

**آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت شاهد (سهامی عام) شماره ثبت: ۵۳۵۵۸ شناسه ملی: ۰۱۰۰۹۸۶۸۰۰**
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت شاهد (سهامی عام) و با نمایندگن قانونی آنان دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت که رأس ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۳ در تهران- خیابان شهید استاد مطهری- انتهای خیابان کوئونر- پلاک ۲۲- برگزار می‌گردد حضور به هم رسانند.

سهامداران محترم و با کلاهی قانونی آنان می‌توانند در ساعات اداری روزهای شنبه و یکشنبه مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۱ و ۱۳۹۶/۹/۱۲ به امور سهام شرکت صادره واقع در تهران- خیابان شهید استاد مطهری- انتهای خیابان کوئونر- پلاک ۲۴- طبقه اول با همراه داشتن اسامی کارت ملی جهت دریافت کارت ورود به مجمع مراجعه و با یا تلفن:۰۲۱-۸۸۷۴۷۰۳۲ تماس حاصل فرمائید.
**دستور جلسه:**
۱- انتخاب حسابرس و بازرس قانونی اسامی، علی‌البدل و حق‌الزحمه.
۲- انتخاب اعضای هیئت مدیره.
۳- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد.
**هیئت مدیره شرکت شاهد**

تأکید مجدد بر ایمن که اتصال

تأکید مجدد بر ایمن که اتصال

##### آگهی مزایده محدود

یک موسسه خبریه در نظر دارد قسمتی از یک مجموعه پذیرایی اقامتی و گردشگری را در قالب سرمایه‌گذاری جهت بازسازی، تکمیل و بهره‌برداری از منافع برای مدت محدود از طریق مزایده به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط واگذار نماید. لذا متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر، بازدید و دریافت اسناد مزایده از تاریخ این آگهی طرف مدت سه روز کاری به نشانی: خوابان، گلکار، روبروی بانک شهر، ساختمان شهند، طبقه ۹ مراجعه نمایند.

##### آگهی مناقصه عمومی شماره ۹۶۱۰۹۰ نوبت اول

فرماندهی پشتیبانی منطقه ۳ ذوالفقار نزاجا در نظر دارد اقلام مشروحه ذیل را برابر شرایط و مشخصات موجود از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید.

متقاضیان ضمن در دست داشتن اصل فیش واریزی به مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ ریال به حساب ۰۱۵۸۰۰۶۰۱۵۸۸۰۰ بانک سپه به نام وجوه مشخص پشتیبانی منطقه ۳ بابت هزینه اوراق هر یک از مناقصه‌های موصوف و با ارائه معرفی‌نامه کتبی، از تاریخ درج آگهی به مدت ده روز می‌توانند با مراجعه به مدیریت خرید و پیمان‌واقع در جاده قدیم کرج، سه‌راهی شهریار، بعد از ریل راه‌آهن، پشتیبانیی منطقه ۳ ذوالفقار نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند. متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۰۶۶۲۸۳۶۸۹ و نمابر ۰۷۴۶۸۰۴۴۹ تماس حاصل نمایند.

| ردیف | نوع جنس | مقدار   | واحد    | نوع مناقصه              |
|------|---------|---------|---------|-------------------------|
| ۱    | تخم مرغ | ۳۳۰/۰۰۰ | کیلوگرم | دور مرحله‌ای            |
| ۲    | خرما    | ۲۳۰/۰۰۰ | کیلوگرم | یک دور مرحله‌ای (تجدید) |

فرماندهی پشتیبانی منطقه ۳ ذوالفقار نزاجا

## آگهی عرضه سهام

## شرکت دشت مرغاب(سهامی عام)

بدینوسیله به اطلاع عموم میرساند شرکت سرمایه گذاری گروه توسعه ملی (سهامی عام) در نظر دارد سهام تحت تملک خود در شرکت دشت مرغاب را به شرح جدول ذیل ، به صورت بلوکی ، یکجا به صورت نقد و اقساط (طبق شرایط اعلامی ) و از طریق بورس اوراق بهادار تهران عرضه نماید.

| نام شرکت  | تعداد سهام | درصدواگذاری | قیمت پایه(ریال) | مبلغ پایه (میلیون ریال) | تاریخ عرضه |
|-----------|------------|-------------|-----------------|-------------------------|------------|
| دشت مرغاب | ۸,۶۹۳,۱۲۳  | ۱۵/۸۹       | ۸,۴۵۰           | ۷۱,۷۶۲                  | ۱۳۹۶/۰۹/۱۲ |

##### شرایط معامله:

۱- قیمت فوق، قیمت پایه برای عرضه می‌باشد و بدیهی است که بالاترین قیمت پیشنهادی مبنای ثمن معامله خواهد بود.
۲- کارگزار خریدار میبایست ۳ درصد مبلغ کل پایه را به عنوان سپرده شرکت در مزاییده بورس به صورت نقد و یا ضمانت نامه بانکی از خریدار دریافت و به حساب شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه واریز/ ارائه نماید.
۳- در صورت انجام معامله مبلغ ۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال ( معادل ده میلیارد ریال ) به صورت نقد طی ۹ روز کاری پس از انجام معامله و مابقی طی ۶ قسط مساوی با فواصل ۲ ماهه به سه موجب ۶ فقره چک و حداکثر طی یکسال تسویه گردد . سررسید اولین قسط ۲ ماه پس از قطعیت معامله خواهد بود .
۴- قطعیت معامله ظرف مدت ۹ روز کاری پس از انجام معامله و منوط به پرداخت حصة نقدی از سوی خریدار و ارائه سند تسویه خارج از پایایی خواهد بود.
۵- با توجه به خرید شرایطی، تا زمان تسویه کامل ثمن معامله، سهام به نفع فروشنده توقیف و هزینه توقیف بر عهده خریدار خواهد بود و خریدار ملزم به ارائه واکالت بلاعزل فروش میباشد.

**شرکت سرمایه گذاری گروه توسعه ملی"سهامی عام"**

##### آگهی تغییرات شرکت ساختمانی ساید بتن سهامی خاص به شماره ثبت ۶۶۴۱۱ شناسه ملی ۰۱۰۱۹۱۹۱۹۰۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۵/۹/۰۱ تصمصبات ذیل اتخاذ شد:
آقای علی سراج به شماره ملی ۰۰۲۲۱۵۵۱۸ به عنوان بازرس اصلی و آقای حسن محمدیان مترافقم به شماره ملی ۰۰۲۸۴۸۲۶۲۱ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال انتخاب گردید.
روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت پراشر آگهی‌های شرکت تعیین شد.

**سازمان ثبت اسنادواملاک گور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۰۰۹۶۲)**















## خاطره یک شیرزن از اعزام همسر مجروحش به تهران

فاطمه عمادپور از تکسین‌های پیش‌اتاق عمل بیمارستان رازی اهواز در دوران دفاع مقدس است. او در خاطره‌ای از شب آرامی سخن می‌گوید که زلزله او را از خواب پرانده است. عمادپور می‌گوید: «وقتی جنگ شروع شد مثل همه مردم نه می‌دانستم جنگ چیست و نه از پیامدهای آن خبر داشتم. یک شب همه چیز بهم ریخت.

اما در هر وضعی زندگی جاری بود. زیر بمباران‌ها ازدواج می‌کردیم، بچه‌هایمان را به دنیا می‌آوردیم و آرزوهایمان رنگ می‌گرفت. بی‌محبا اشک می‌ریختم و کم نبود لحظه‌هایی که برای خندیدن غنیمت می‌شمریدم.

وقتی جنگ شدن من دختری مجرد و پر شور بودم که هرگز تصور نمی‌کردم روزی برای ازدواجم مجبور شوم به شهر دیگری بروم چرا که در اهواز هیچ حضرداری وجود نداشت که عقد ما را ثبت کند. اسفند سال ۵۵هـ همان گِیرو داری که اهواز عملاً تخلیه شده بود من و شوهرم به تهران آمدم و بدون هیچ مراسم و لباس غروسی و جشن و محضر رفتیم و عقد کردیم و یک هفته بعد هم به اهواز برگشتیم و به کار مشغول شدیم.

شهر پر بود از نیروهای نظامی و ما شب‌ایزد از معدود زن‌هایی بودیم که در شهر زندگی می‌کردیم. دوتا بچه‌ایم در جنگ به دنیا آمدند و در حالی که کار طاقت فرسای بیمارستان را لحظه‌ای ترک نکردم، بچه‌هایم را زیر هجوم بمباران‌ها و خمپاره‌ها بزرگ کردم. یکی از جالب‌ترین خاطراتم برمی‌گردد به سفر کوتاهی که به تهران برای درمان مشکل شدید تنفسی شوهرم داشتم. طبق روال هر روز بیماران را بعد از درمان‌های سس‌ریایی آماده اعزام به شهرهای دیگر می‌کردیم.

هر روز یکی از پرسنل بیمارستان موظف بود مجروحان را به فرودگاه ببرد. آن روز نوبت من بود. شوهرم را هم همراه خودم بردم تا به تهران اعزامش کنم.

وقتی مجروحان را سوار هواپیما کردم خلبان و مسئولان پرواز را سوار شدن من و شوهرم معانت کردند. با دلخوری به آن‌ها گفتم: «از روز اول جنگ تا حالا شب و روز کار کردم، نه مرخصی رفتم و نه استراحتی داشتم حالا که شوهرم را می‌خواهم برای درمان به تهران ببرم شما مانع می‌شوید؟!

بحث‌مان بالا گرفت. خلبان می‌گفت که جای اضافه برای شما نداریم. در همین هنگام صدای مردی از پشت سرم آمد که گفت:«اینجا چه خبر است؟» برگشتم. دیدم یک مرد روحانی پشت سر من ایستاده است. خلبان مشکل را توضیح داد من هم با دلخوری گفتم: بعد از آن همه کار شبانه روزی می‌گویند چرا این نیست. مرد روحانی سپس به مسئولان پرواز گفت: این خانم را ببرید جلو هواپیما و جای من را به او بدیهد.

آن لحظه نمی‌دانستم چه کسی دارد یا در میانی می‌کند و به احترام گفته چه شخصی مرا در هواپیما جا دادند. هنگام پرواز می‌شنیدم که آن مرد روحانی را «آقای خاتم‌الصفای» صدا می‌زنند.

وضع پروازها خیلی سخت و دشوار بود. چند ساعتی در هواپیما ۳۳۰ت نشستم تا بالاخره اجازه برخاز گرفتیم و از آن طرف جنگنده‌های دشمن لحظه‌ای آسمان اهواز را خالی نمی‌کردند. بالاخره ساعت ۱۰شب به فرودگاه قلعه مرع تهران رسیدیم. دکتر آقایی که چند وقتی بود در بیمارستان رازی با ما کار می‌کرد به اصرار، من و همسرم را با خودش به خانمش برد. تقریباً دی ماه بود و برف شدیدی می‌آمد. دکتر اجازه نداد آن موقع شب در سرما و برف ما به دنبال هتل بگردیم.

آن شب وقتی در اتاقی آرام و بدون صدای انفجار خوابیدم باورم نمی‌شد که می‌شود شبی را بدون اضطراب به صبح رساند. از نیمه شب گذشته بود.

تخت فزنی که روی آن خوابیده بودم لرزید و من با وحشت پردلم و گفتم: «چی شده؟ کجا را زده‌اند؟» شوهرم آرام کرد و می‌تکرار می‌کرد: هیچی نیست.آرام باش. اینجا اهواز نیست .

صبح که بیدار شدم مادر دکترآقایی گفت که شب قبل زلزله آمده بود.

شوهرم لیخنای در و گفت: ززم فکر کرد بمباران شده. بهش نگفتمم زلزله آمده. حقتن بود بعد از این همه سختی یک شب را با آرامش به صبح برساند.

فرمانده معظم کل قوا در آذرماه ۱۳۸۷ (سخت‌رانی ایشان در جمع اسفـران نداجا در مراسـمی به مناسبت سالروز نیروی دریای در بیت معظمه) فرمودند: «حالا ماجرای ناوچه تاجران در عملیات مرابرد خلیجی‌ها می‌دانند، اما ماجرای حفاظت از کشتی‌های تجاری را خیلی‌ها

نمی‌دانند. آن زمانی که اقتصاد ما بسته به صادرات نفت بود در هر درصـد درصـد بود تا صادرات نفت ما را قطع کنـد، آنسـگاه بود که نیروی دریایی جـوهره خود را نشان داد»

بدلیل نوع ساختار جغرافیایی دریای عمان و خلیج‌فارس و همچنین طرح‌های توسعه بنادر و اسکله‌های جنوبی کشور و راهمای زمینی منتهی به آنها در دهه ۵۰ شمسی، عمده ورودی و جشن و محضر رفتیم و عقد کردیم و یک هفته بعد هم به اهواز برگشتیم و به کار مشغول شدیم.
شهر پر بود از نیروهای نظامی و ما شب‌ایزد از معدود زن‌هایی بودیم که در شهر زندگی می‌کردیم. دوتا بچه‌ایم در جنگ به دنیا آمدند و در حالی که کار طاقت فرسای بیمارستان را لحظه‌ای ترک نکردم، بچه‌هایم را زیر هجوم بمباران‌ها و خمپاره‌ها بزرگ کردم. یکی از جالب‌ترین خاطراتم برمی‌گردد به سفر کوتاهی که به تهران برای درمان مشکل شدید تنفسی شوهرم داشتم. طبق روال هر روز بیماران را بعد از درمان‌های سس‌ریایی آماده اعزام به شهرهای دیگر می‌کردیم.

هر روز یکی از پرسنل بیمارستان موظف بود مجروحان را به فرودگاه ببرد. آن روز نوبت من بود. شوهرم را هم همراه خودم بردم تا به تهران اعزامش کنم. وقتی مجروحان را سوار هواپیما کردم خلبان و مسئولان پرواز را سوار شدن من و شوهرم معانت کردند. با دلخوری به آن‌ها گفتم: «از روز اول جنگ تا حالا شب و روز کار کردم، نه مرخصی رفتم و نه استراحتی داشتم حالا که شوهرم را می‌خواهم برای درمان به تهران ببرم شما مانع می‌شوید؟!

بحث‌مان بالا گرفت. خلبان می‌گفت که جای اضافه برای شما نداریم. در همین هنگام صدای مردی از پشت سرم آمد که گفت:«اینجا چه خبر است؟» برگشتم. دیدم یک مرد روحانی پشت سر من ایستاده است. خلبان مشکل را توضیح داد من هم با دلخوری گفتم: بعد از آن همه کار شبانه روزی می‌گویند چرا این نیست. مرد روحانی سپس به مسئولان پرواز گفت: این خانم را ببرید جلو هواپیما و جای من را به او بدیهد.

آن لحظه نمی‌دانستم چه کسی دارد یا در میانی می‌کند و به احترام گفته چه شخصی مرا در هواپیما جا دادند. هنگام پرواز می‌شنیدم که آن مرد روحانی را «آقای خاتم‌الصفای» صدا می‌زنند.

وضع پروازها خیلی سخت و دشوار بود. چند ساعتی در هواپیما ۳۳۰ت نشستم تا بالاخره اجازه پرواز گرفتیم و از آن طرف جنگنده‌های دشمن لحظه‌ای آسمان اهواز را خالی نمی‌کردند. بالاخره ساعت ۱۰شب به فرودگاه قلعه مرع تهران رسیدیم. دکتر آقایی که چند وقتی بود در بیمارستان رازی با ما کار می‌کرد به اصرار، من و همسرم را با خودش به خانمش برد. تقریباً دی ماه بود و برف شدیدی می‌آمد. دکتر اجازه نداد آن موقع شب در سرما و برف ما

به دنبال هتل بگردیم. آن شب وقتی در اتاقی آرام و بدون صدای انفجار خوابیدم باورم نمی‌شد که می‌شود شبی را بدون اضطراب به صبح رساند. از نیمه شب گذشته بود.

تخت فزنی که روی آن خوابیده بودم لرزید و من با وحشت پردلم و گفتم: «چی شده؟ کجا را زده‌اند؟» شوهرم آرام کرد و می‌تکرار می‌کرد: هیچی نیست.آرام باش. اینجا اهواز نیست .

صبح که بیدار شدم مادر دکترآقایی گفت که شب قبل زلزله آمده بود.

شوهرم لیخنای در و گفت: ززم فکر کرد بمباران شده. بهش نگفتمم زلزله آمده. حقتن بود بعد از این همه سختی یک شب را با آرامش به صبح برساند.

فرمانده معظم کل قوا در آذرماه ۱۳۸۷ (سخت‌رانی ایشان در جمع اسفـران نداجا در مراسـمی به مناسبت سالروز نیروی دریای در بیت معظمه) فرمودند: «حالا ماجرای ناوچه تاجران در عملیات مرابرد خلیجی‌ها می‌دانند، اما ماجرای حفاظت از کشتی‌های تجاری را خیلی‌ها

نمی‌دانند. آن زمانی که اقتصاد ما بسته به صادرات نفت بود در هر درصـد درصـد بود تا صادرات نفت ما را قطع کنـد، آنسـگاه بود که نیروی دریایی جـوهره خود را نشان داد»

بدلیل نوع ساختار جغرافیایی دریای عمان و خلیج‌فارس و همچنین طرح‌های توسعه بنادر و اسکله‌های جنوبی کشور و راهمای زمینی منتهی به آنها در دهه ۵۰ شمسی، عمده ورودی و جشن و محضر رفتیم و عقد کردیم و یک هفته بعد هم به اهواز برگشتیم و به کار مشغول شدیم.
شهر پر بود از نیروهای نظامی و ما شب‌ایزد از معدود زن‌هایی بودیم که در شهر زندگی می‌کردیم. دوتا بچه‌ایم در جنگ به دنیا آمدند و در حالی که کار طاقت فرسای بیمارستان را لحظه‌ای ترک نکردم، بچه‌هایم را زیر هجوم بمباران‌ها و خمپاره‌ها بزرگ کردم. یکی از جالب‌ترین خاطراتم برمی‌گردد به سفر کوتاهی که به تهران برای درمان مشکل شدید تنفسی شوهرم داشتم. طبق روال هر روز بیماران را بعد از درمان‌های سس‌ریایی آماده اعزام به شهرهای دیگر می‌کردیم.

# نیروی دریایی، حافظ اقتصاد کشور در دفاع مقدس

ناخدایکم ستاد غلامرضا طحانی



جنگ جهانی دوم (بر اثر حملات نیروی دریایی‌ها در اقصی نقاط بی حفاظ جهان به وقوع پیوست) آمار بسیار خوبی است

اسکورت کاروان‌ها از زمان آغاز جنگ تا خاتمه آن ادامه داشت و در حقیقت یک مأموریت کلان و مستمر محسوب می‌شد که بیش از ۱۰۰ عملیات دریایی تا پایان جنگ برای ادامه داشت به نوبی همه یگان‌های شاور، پروازی، تفنگدار و… نلجا را در بر گرفت.

اهمیت اقتصادی مقابله با تهدایر دشمن در قطع خطوط مواصلاتی در ابعاد مختلف به‌ویژه اداره جنگ، تأمین نیازمندی‌های عمومی و حفظ امنیت ملی کشور مهم و بار ارزشی بود که دشمن همه سعی و تلاش خود را برآی مقابله با آن صرف می‌کرد. در دوران جنگ تحمیلی در مجموع ۱۰ هزار فرزند کشتی تجارتی و تفکثن توسط ناوهای نیروی دریایی اسکورت و همراهی شدند. حدود

آبراه، علاوه بر ایجاد محدودیت تردد در این کانال راهبردی و قطع خطوط مواصلاتی دریای خودی می‌توانست دشمن مختلف نظامی، سیاسی و به‌ویژه در اداره امور جنگ و امنیت ملی کشور تأثیر فوق‌العاده‌ای بگذارد و کشور با بحران کمبود مایحتاج عمومی شود، این موضوع برای دشمن یعنی

چنان اهمیت داشت که در طول جنگ تحمیلی همواره همه سعی و تلاش خود را در شمال خلیج فارس به این مسأله معطوف کرده بود، به گونه‌ای که در این زمینه طی‌مسال جنگ تحمیلی با شلیک بیش‌از ۱۱۰۰۰ فرزند موشک و استفاده از صدها فرزند شناور در دریا سعی در ایجاد اختلال در خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران مؤید این موضوع است.

۱- بساز نگه‌داشتن خطوط مواصلاتی دریایی کشور.
۲- جلوگیری از قطع صادرات و واردات کالاهای مورد نیاز کشور.
۳- مقابله با افزایش نرخ بیمه کشتی‌ها در منطقه و افزایش هزینه جنگ.
۴- به حداقل رساندن آسیب‌پذیری کشتی‌های تجاری و تفکثن

در طول عملیات اسکورت کاروان‌های تجاری و تفکثن، حملات هوایی مکرری از سوی دشمن متجاوز شکل می‌گرفت که هویشاری کارکان یگان‌های شاور اسکورت کننده و تیم‌های عملیات ویژه تکاوران مستقر در کشتی‌های اسکورت شونده و همچنین استفاده از سامانه‌های جنگ الکترونیکی و انواع تاکتیک‌های دیگر فریب شامل طراحی و ساخت هدف‌های کانب، علاوه بر انهدام تعدادی از هواپیماها و شناورهای دشمن، موجب انحراف صدها فرزند از موشک‌ها دشمن شد. به‌طوری‌که در طول این عملیات‌های گسترده و اسکورت بیش‌از ۱۰هزار کشتی تعداد ۵۵۹ فرزند کشتی مورد اصابت قرار گرفت که از این تعداد ۲۰ فرزند دچار صدمات جدی شدند و بقیه با توجه به تأمین قسمت هایت شدند. که این آمار در مقایسه با حجم تلاش‌های دشمن در وارد کردن خسارات و لطعات به منابع حیاتی جمهوری اسلامی ایران موفقیت بسیار ناچیزی را برای رژیم بعثی پندبال داشت و همانند سایر صحنه‌های نبرد برای دشمن تاکامی بزرگی به‌حساب می‌آید.

**عملیات اسکورت کشتی‌ها با ویژه**
سلسله عملیات اسکورت کشتی‌های در محموله ویژه به لحاظ شکلی و حوزه جغرافیایی و نوع تهدیدات با عملیات اسکورت کاروان‌ها تجاری متفاوت بود. نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با هماهنگی سازمان بنادر و ترابزوردی، وزارتخانه‌های دفاع، بازرگانی و سایر ارگان‌های ذیربط حفاظت کشتی‌های که محموله‌های گشت و ضروری کشور و جنگ در آن بنادر مبداء بارگیری می کردند در برنامه‌های خسود گزار می داد و از زمانی که این کشتی‌ها به شمال اقیانوس هند وارد می شدند، حمایت اسکورت آن‌ها را با بندر مقصد که عمدتاً بندرعباس بود با قدرت هرچه تمامتر انجام می داد.

عملیات از زمان تجهیز دشمن یعنی به هواپیماها و جنگنده‌های دریای موشک هوا به سطح پشرفته اگروست، از حساسیت و اهمیت بیش‌تر برخوردار شد.
**\* عضو هیات علمی و رئیس گروه دریایی دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران**

**آگهی دعوت مجمع عمومی عادی شرکت سیمان خلخال (سهامی عام ثبت شده به شماره ۱۷۲)**

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت سیمان خلخال دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی شرکت که رأس ساعت چهار بعدازظهر آدماه ۱۳۹۶ در محل مجلس شرکت که در آدرس خیابان وحید دستگردی، پلاک ۳۲۸، طبقه همکف تشکیل می‌گردد حضور یابند.
**دستور جلسه:** -استماع گزارش هیات مدیره -انتخاب اعضای هیات‌مدیره ۳-انتخاب بارزسان ۴-انتخاب روزنامه گردیدند کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌ها

۱-انتخاب کارگز شغلکرده هیئت مدیره و بازرسان
۲-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۳-انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت مدیره و بازرسان

۴-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.
اعضای محترم چنانچه نمی‌توانند در تاریخ مذکور در جلسه حضور یابند می‌توانند فرامه و آگهی از دفتر تعاونی تحویل گرفته و حداکثر یک تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی نماینده تام‌الاجتار خود را به دفتر تعاونی نمایند تا بر گفته محض در مجمع به نام نماینده ایشان مدار گردد.

۵-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۶-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۷-اعضای محترم چنانچه نمی‌توانند در تاریخ مذکور در جلسه حضور یابند می‌توانند فرامه و آگهی از دفتر تعاونی تحویل گرفته و حداکثر یک تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی نماینده تام‌الاجتار خود را به دفتر تعاونی نمایند تا بر گفته محض در مجمع به نام نماینده ایشان مدار گردد.

۸-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۹-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۱۰-اعضای محترم چنانچه نمی‌توانند در تاریخ مذکور در جلسه حضور یابند می‌توانند فرامه و آگهی از دفتر تعاونی تحویل گرفته و حداکثر یک تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی نماینده تام‌الاجتار خود را به دفتر تعاونی نمایند تا بر گفته محض در مجمع به نام نماینده ایشان مدار گردد.

۱۱-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۱۲-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۱۳-اعضای محترم چنانچه نمی‌توانند در تاریخ مذکور در جلسه حضور یابند می‌توانند فرامه و آگهی از دفتر تعاونی تحویل گرفته و حداکثر یک تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی نماینده تام‌الاجتار خود را به دفتر تعاونی نمایند تا بر گفته محض در مجمع به نام نماینده ایشان مدار گردد.

۱۴-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۱۵-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۱۶-اعضای محترم چنانچه نمی‌توانند در تاریخ مذکور در جلسه حضور یابند می‌توانند فرامه و آگهی از دفتر تعاونی تحویل گرفته و حداکثر یک تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی نماینده تام‌الاجتار خود را به دفتر تعاونی نمایند تا بر گفته محض در مجمع به نام نماینده ایشان مدار گردد.

۱۷-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۱۸-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۱۹-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۲۰-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

**آگهی دعوت مجمع عمومی عادی نوبت اول شرکت تعاونی مصرف کارکنان معاونت آموزش وزارت آموزش و پرورش به شماره ثبت ۱۶۲۷ و شماره ملی ۱۰۱۰۲۰۵۴۲۶۴**

بدینوسیله از کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی دعوت می‌نماید در جلسه مجمع عمومی عادی نوبت اول که رأس ساعت ۱۴ روز شنبه ۹۵/۰۹/۲۵ در محل ترازنامه ساختمان معاونت آموزش متوسطه تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.

**دستور جلسه:**
۱-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۲-انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت مدیره و بازرسان

۳-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.
اعضای محترم چنانچه نمی‌توانند در تاریخ مذکور در جلسه حضور یابند می‌توانند فرامه و آگهی از دفتر تعاونی تحویل گرفته و حداکثر یک تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی نماینده تام‌الاجتار خود را به دفتر تعاونی نمایند تا بر گفته محض در مجمع به نام نماینده ایشان مدار گردد.

۴-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۵-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۶-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۷-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۸-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۹-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۱۰-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۱۱-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۱۲-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۱۳-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۱۴-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۱۵-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۱۶-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۱۷-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۱۸-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۱۹-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۲۰-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۲۱-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۲۲-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۲۳-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۲۴-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۲۵-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۲۶-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۲۷-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۲۸-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۲۹-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۳۰-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

## حماسه پایداری

۱- بساز نگه‌داشتن خطوط مواصلاتی دریایی کشور.
۲- جلوگیری از قطع صادرات و واردات کالاهای مورد نیاز کشور.
۳- مقابله با افزایش نرخ بیمه کشتی‌ها در منطقه و افزایش هزینه جنگ.
۴- به حداقل رساندن آسیب‌پذیری کشتی‌های تجاری و تفکثن

در طول عملیات اسکورت کاروان‌های تجاری و تفکثن، حملات هوایی مکرری از سوی دشمن متجاوز شکل می‌گرفت که هویشاری کارکان یگان‌های شاور اسکورت کننده و تیم‌های عملیات ویژه تکاوران مستقر در کشتی‌های اسکورت شونده و همچنین استفاده از سامانه‌های جنگ الکترونیکی و انواع تاکتیک‌های دیگر فریب شامل طراحی و ساخت هدف‌های کانب، علاوه بر انهدام تعدادی از هواپیماها و شناورهای دشمن، موجب انحراف صدها فرزند از موشک‌ها دشمن شد. به‌طوری‌که در طول این عملیات‌های گسترده و اسکورت بیش‌از ۱۰هزار کشتی تعداد ۵۵۹ فرزند کشتی مورد اصابت قرار گرفت که از این تعداد ۲۰ فرزند دچار صدمات جدی شدند و بقیه با توجه به تأمین قسمت هایت شدند. که این آمار در مقایسه با حجم تلاش‌های دشمن در وارد کردن خسارات و لطعات به منابع حیاتی جمهوری اسلامی ایران موفقیت بسیار ناچیزی را برای رژیم بعثی پندبال داشت و همانند سایر صحنه‌های نبرد برای دشمن تاکامی بزرگی به‌حساب می‌آید.

**عملیات اسکورت کشتی‌ها با ویژه**
سلسله عملیات اسکورت کشتی‌های در محموله ویژه به لحاظ شکلی و حوزه جغرافیایی و نوع تهدیدات با عملیات اسکورت کاروان‌ها تجاری متفاوت بود. نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با هماهنگی سازمان بنادر و ترابزوردی، وزارتخانه‌های دفاع، بازرگانی و سایر ارگان‌های ذیربط حفاظت کشتی‌های که محموله‌های گشت و ضروری کشور و جنگ در آن بنادر مبداء بارگیری می کردند در برنامه‌های خسود گزار می داد و از زمانی که این کشتی‌ها به شمال اقیانوس هند وارد می شدند، حمایت اسکورت آن‌ها را با بندر مقصد که عمدتاً بندرعباس بود با قدرت هرچه تمامتر انجام می داد.

عملیات از زمان تجهیز دشمن یعنی به هواپیماها و جنگنده‌های دریای موشک هوا به سطح پشرفته اگروست، از حساسیت و اهمیت بیش‌تر برخوردار شد.
**\* عضو هیات علمی و رئیس گروه دریایی دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران**

**آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت رکت آگ و گلد کشتی و هیدرا تل ترسان (سهامی خاص)**

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی شرکت که رأس ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۱۳۹۶/۰۹/۱۴ در محل قانونی شرکت خرم‌آباد خیابان انقلاب خیابان منتی، نشین ریخته، شماره ۱۳۳ تشکیل خواهد شد جهت تصویب در خصوص موارد ذیل حضور یابند.
**دستور جلسه:** -استماع گزارش بارزسان قانونی و هیات‌مدیره ۲-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی ۳-انتخاب بارزسان و حسابرس قانونی ۴-انتخاب و هیئت‌مدست مدیره و بازرس ۵-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۶-انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت مدیره و بازرس

۷-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۸-اعضای محترم چنانچه نمی‌توانند در تاریخ مذکور در جلسه حضور یابند می‌توانند فرامه و آگهی از دفتر تعاونی تحویل گرفته و حداکثر یک تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی نماینده تام‌الاجتار خود را به دفتر تعاونی نمایند تا بر گفته محض در مجمع به نام نماینده ایشان مدار گردد.

۹-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۱۰-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۱۱-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۱۲-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت می‌باشند می‌بایست در خواست‌کشی شرکت خود را پیش‌تیم حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ مجمع عمومی به دفتر تعاونی تحویل و رسید نمایند.

۱۳-تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی سال‌های منتهی به ۹۵ و ۹۴ و آئین‌نامه داخلی

۱۴-اعضای محترم که داوطلب هیئت‌مدست مدیره و بازرس شرکت

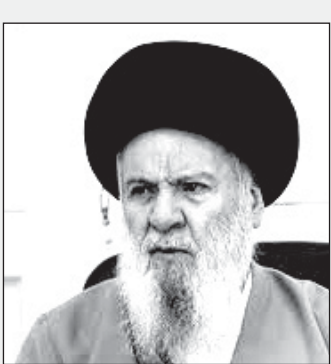






**مراسم بزرگداشت آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی**

**برگزار می‌شود**



سرویس شهرستان‌ها: همایش بزرگداشت و بررسی اندیشه‌های علمی مرحوم آیت‌الله‌العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی در نخستین سالگرد ارتحال این مرجع عالیقدر فردا در قم برگزار می‌شود.

ایسن همایش، در دانشگاه مفید آغاز می‌شود و با برگزاری میز گرد و رونمایی از ۷ جلد کتاب در موضوعات زندگی این مرجع عالیقدر، استاد ساواک و مجموعه رسائل فقهی ایشان به کار خود پایان می‌دهد.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی موسوی اردبیلی فرزند این مرجع مفید گفت: مراسم عمومی ویژه خواهران هم از ساعت ۱۵ تا ۱۷ حرسینیه آیت‌الله موسوی اردبیلی در صفاتیه قم، کورچه ممتاز و همچنین پس از نماز مغرب و عشا مراسمی در مسجد اعظم برگزار خواهد شد.

## وزیر اطلاعات: امنیت و سلامت اقتصادی رکن تحقق

### اقتصاد مقاومتی است

بندرعباس - خبرنگار اطلاعات: امنیت و سلامت اقتصادی رکن تحقق اقتصاد مقاومتی، و برقراری امنیت، مسئولیت حاکمیت است. حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود علوی وزیر اطلاعات در نشست شورای اداری استان هرمزگان با بیان این مطلب، افزود: همه وظیفه داریم در دستگاه‌های امنیتی و انتظامی، امنیت پایدار و با ثبات را در بخش‌های مختلف برقرار و حفظ کنیم.

وی با بیان این که در مشیی حکومتی موظف به اعمال روش دین و سیره ائمه اطهار(ع) و آیات قرآن هستیم، اضافه کرد: در این صورت است که می‌توان از مشکلات مردم گره گشایی کرد. وزیر اطلاعات افزود: اختلاف بین مردم و مسئولان موجب زمینگیر شدن و از بین رفتن ابهت و صلابت می‌شود و از این که انسان‌ها در دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی باشند انرژی و توان خود را صرف اختلاف می‌کنند دلگیر می‌شوم.

او ادامه داد: باید به مسئولیت به عنوان امانت نگریمست و آن را در جهت اجرای عدالت و گره گشایی از مشکلات مردم به کار بست.

وزیر اطلاعات اختلاف را می‌پایه هاکلت دانست و افزود: در شرایطی که آمریکا، رژیم صهیونیستی و دشمنان منطقه‌ای به دنبال تخریب ایران هستند، باید وحدت داشت چرا که ملت متحد، شکست ناپذیری می‌باشد.

وی شکر نعمت مسئولیت در حکومت اسلامی را خدمتگواری به مردم دانست و گفت: خدمات مسئولان نظام باید شامل همه مردم شود تا افرادی که دل درگرو نظام ندارند نیز از عدالت و برکت‌های نظام بهره مند شوند.

وزیر اطلاعات گفت: مسئولان باید دل‌های خود را سرشار از مهر و محبت مردم کنند و توجه به طبقات پایین جامعه را در راس برنامه‌ها و فعالیت‌هاشان قرار دهند.

وی اضافه کرد: از آنجا که مردم صاحب اصلی حکومت و انقلاب هستند، باید بدون مت و با نهایت دلسوزی به آن‌ها خدمت کرد.

## گردو غبار مدارس ۴ شهر خوزستان را تعطیل کرد

سرویس شهرستان‌ها: مدیرکل مدیریت بحران استانداری خوزستان گفت: ۴ شهر استان به دلیل گرد و غبار تعطیل شد.

کیامرث حاجی‌زاده افزود: به دلیل گرد و غبار دیروز محلی مدارس شهرهای اهواز، حمیدیه، باوی و کارون تعطیل شد. وی متشاه این کرد و غبار را از کانون‌های داخلی اعلام کرد.

## اتحادیه اروپا: امکان مذاکره مجدد درباره برجام وجود ندارد

اصفهان - خبرنگاراطلاعات: معاون هماهنگ کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا گفت: به عنوان نماینده خاتم موگرتی که از طرف اتحادیه اروپا مأمور پیگیری سند برجام است به طور واضح می‌گویم که امکان مذاکره مجدد برجام وجود ندارد.

خاتم‌هاگاکاشمید در دومین سمینار همکاری‌های هسته ای، پیشرفت‌ها و چشم‌اندازها که در اصفهان برگزار شد، افزود: این گفتگوها به عنوان گفتگوهای سطح بالای ایران و اتحادیه اروپا در زمینه مسائل هسته‌ای همکاری‌های بین دو طرف را پوشش می‌دهد و در عین حال نشان دهنده اهمیت همکاری‌های دو طرف است.

سرویس اروپا اقدام خارجی اتحادیه اروپا با بیان این که ما کاملاً متعهد هستیم که روابطمان را با ایران گسترش دهیم، اضافه کرد: برگزاری سمینار به خودی خود نشان دهنده همین امر است؛ روندی را که از دورهٔ اِسمال در بروکسل شروع کردیم، ادامه می‌دهیم.

اشمید با اشاره به این که آژانس بین المللی انرژی اتمی ۹ بار پایبندی جمهوری اسلامی ایران به تعهداتش در برجام را تأیید کرده است، گفت: در مذاکراتی که ما با کشورهای دیگر داریم همه آن‌ها از برجام حمایت می‌کنند. برجام نشان دهنده فرهنگ همکاری است برای این که از انرژی هسته‌ای استفاده صلح‌آمیز شود. این نشان دهنده فرهنگ همکاری در سطح بین‌المللی است.

وی ادامه داد: باینه مشترک کمیسیون اروپایی و سازمان انرژی اتمی ایران آوریل ۲۰۱۶ که بعد از سفر خاتم موگرتی به ایران صادر شده است بر توسعه همکاری‌ها تأکید دارد.

اشمید با اشاره به افزایش همکاری‌های هسته‌ای ایران و اتحادیه اروپا پس از برجام اظهار داشت: برجام سبب شفافیت و گسترش فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران شده و به نحوی که دانشمندان ایرانی می‌توانند آزادانه با دانشمندان بین المللی تبادل نظر کنند.

اشمید، پیوست شماره ۳ برجام را زمینه ساز افزایش شفافیت اعلام کرد و گفت: این پیوست زمینه‌ساز همکاری‌های هسته‌ای و بالاترین استانداردها برای ارتقای ایمنی هسته‌ای است.

وی اضافه کرد: این سمینار در اصفهان ادامه سمینار ماه فوریه اسمال است و ما با این سمینار این پیام را می‌دهیم که استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای امکان‌پذیر است.

معاون هماهنگ کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا افزود: خوشحالیم که ایران به کنسولس‌های بیشتری می‌پیوندد و روندهای قانونگذاری در داخل کشور هم طی می‌شود.

اشمید گفت: بعد از شصت و دومین نشست آژانس، آق‌اسی دکتر صالحی گفت که در مورد ایمنی و مدیریت پس‌اندازهای رادیواکتیو سازمان انرژی اتمی پیشنهادی در مجلسی داده است و این یک کام رو به جلو است و ما آن را به فال نیک می‌گیریم.

معاون هماهنگ کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا اظهار داشت: این اقدامات بین می‌شود ایران به کنسولسیون‌های هسته‌ای دیگر هم پیوندد.

گفت: داشتن حمایت قانونی در داخل باعث شود همکاری‌های هسته‌ای ایران گسترش یابد.

اشمید با اشاره به پروژه‌های مشترک ایران و اتحادیه اروپا اظهار داشت: اتحادیه اروپا متعهد به اجرای پروژه‌های مختلفی از جمله ابرزهای ایمنی هسته‌ای با رگلاتوری ایرانی، همکاری در نیروگاه موشهر، مطالعه مرکز ایستاده در برجام است و این پروژه‌ها در حال بررسی است و پروژه‌های دیگری هم برای همکاری‌های مشترک تعریف خواهد شد.

وی همکاری در پروژه اراک را گلمی رو به جلو در اجرای برجام اعلام کرد و ادامه داد:علاوه بر این تبدیل فردو به یک مرکز تحقیقاتی و همچنین همکاری روسیه

## اخبار داخلی

# اتحادیه اروپا: امکان مذاکره مجدد درباره برجام وجود ندارد

در حوزه زیروتوپ‌ها در این مرکز از جمله اقدامات ایران به شمار می‌رود و ما در این زمینه از همکاری‌های روسیه هم قدرانی می‌کنیم.

اشمید با بیان این که باید پروژه‌های دیگری هم اجرا شود افزود: اتحادیه اروپا در اجرای این پروژه‌ها به ایران کمک می‌کند.

وی یادآور شد: برجام توافق بین المللی است و همه طرفین ملزم به اجرای تعهدات خود از جمله در پیوست ۳



هستند و همه طرفین باید برجام را اجرا کنند. ما در برجام نشان دادیم که دیپلماسی می‌تواند چه دستاوردهایی داشته باشد و همه در آن ذیفع هستند.

اشمید گفت: اتحادیه اروپا متعهد به تعهدات خود در برجام است و ما از طرف‌های دیگر می‌خواهیم به تعهدات خود عمل کنند و برجام استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را برای ایران مهیا کند و گفت: این پیوست زمینه‌ساز همکاری‌های هسته‌ای و بالاترین استانداردها برای ارتقای ایمنی هسته‌ای است.

وی اضافه کرد: این سمینار در اصفهان ادامه سمینار ماه فوریه اسمال است و ما با این سمینار این پیام را می‌دهیم که استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای امکان‌پذیر است. معاون هماهنگ کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا افزود: خوشحالیم که ایران به کنسولس‌های بیشتری می‌پیوندد و روندهای قانونگذاری در داخل کشور هم طی می‌شود.

اشمید گفت: بعد از شصت و دومین نشست آژانس، آق‌اسی دکتر صالحی گفت که در مورد ایمنی و مدیریت پس‌اندازهای رادیواکتیو سازمان انرژی اتمی پیشنهادی در مجلسی داده است و این یک کام رو به جلو است و ما آن را به فال نیک می‌گیریم.

معاون هماهنگ کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا اظهار داشت: این اقدامات بین می‌شود ایران به کنسولسیون‌های هسته‌ای دیگر هم پیوندد.

گفت: داشتن حمایت قانونی در داخل باعث شود همکاری‌های هسته‌ای ایران گسترش یابد.

اشمید با اشاره به پروژه‌های مشترک ایران و اتحادیه اروپا اظهار داشت: اتحادیه اروپا متعهد به اجرای پروژه‌های مختلفی از جمله ابرزهای ایمنی هسته‌ای با رگلاتوری ایرانی، همکاری در نیروگاه موشهر، مطالعه مرکز ایستاده در برجام است و این پروژه‌ها در حال بررسی است و پروژه‌های دیگری هم برای همکاری‌های مشترک تعریف خواهد شد.

وی همکاری در پروژه اراک را گلمی رو به جلو در اجرای برجام اعلام کرد و ادامه داد:علاوه بر این تبدیل فردو به یک مرکز تحقیقاتی و همچنین همکاری روسیه

## اخبار داخلی

# اتحادیه اروپا: امکان مذاکره مجدد درباره برجام وجود ندارد

همکاری‌های ایران و اتحادیه اروپا حمایت می‌کنیم. عراقی بسا قدردانی از مواضع اروپایی‌ها به خاطر حمایت از برجام و تلاش‌های مهمشان در این زمینه، اظهار امیدواری کرد که با همکاری با یکدیگر بتوانیم از نتایج این توافق سود ببریم.

معاون وزیر امور خارجه اضافه کرد: بسیار مهم است که همه طرف‌ها به تعهدات خود پایبند باشند.

**سراغز فصل‌های جدید علمی**



استاندار اصفهان هم دراین سمینار گفت: با گشایش اقی‌های جدید پس از اجرایی شدن برجام که یک سند بین المللی و توافق تعهدآور است، می‌توان سرفضل‌های جدیدی در علم و دانش با همکاری‌های بین اتحادیه اروپا و ایران گشود.

محسن مهرعلیزاده، ابراز امیدواری کرد اهداف این سمینار در رسیدن به دستاوردهای علمی در همکاری با اتحادیه اروپا پس از اجرایی شدن سند برجام، بیش از پیش محقق شود.

وی اظهارداشت: برگزاری این سمینار علمی در اصفهان که‌قطب هسته‌ای ایران به‌شمار می‌رود و تأسیسات زیربنایی این فناوری از جمله فراوری اورانیوم (۱۰cf) و تأسیسات هسته‌ای نظیر در اس منقتر است، گواه دیگری از نوبخ دانشمندان هسته‌ای ایران زمین است.

### حمایت ازفعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز

مدیرکل انرژی کمیسیون اتحادیه اروپا هم گفت: این اتحادیه از فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران حمایت می‌کند و مصمم به افزایش همکاری در زمینه انرژی با کشورمان است.

دومینگو ریس‌توری افزود: عزم جهانی بر این است که از ایران حمایت کند و ما مصمم هستیم همکاری‌های خود را در زمینه انرژی هسته‌ای و سایر انرژی‌ها با ایران افزایش دهیم.

وی گفت: دستمایه به بالاترین استانداردها اولویت ماست و کشورها موظفند بالاترین استانداردها را در صنعت هسته‌ای خود رعایت کنند.

او گفت: خوشحالم که در عمل کار کرده است.

رئیس کمیته هسته‌ای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی هم درادامه این سمینار گفت: بهترین راه برای افزایش همکاری‌های هسته‌ای ایران و اتحادیه اروپا این است که اتحادیه اروپا در طرح‌های هسته‌ای ایران مشارکت داشته باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین مجتبی ذوالنوری افزود: این

## اخبار داخلی

# اتحادیه اروپا: امکان مذاکره مجدد درباره برجام وجود ندارد

مشارکت، اشراف اطلاعاتی ایجاد می‌کند و موجب برطرف شدن سوء تفاهم‌ها می‌شود.

وی ی‌با بیان این که ما چرخه کامل انرژی هسته‌ای را در اختیار داریم، افزود: ما فقط به بحث غنی سازی اکتفا نداریم و می‌خواهیم انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را در صنعت، پزشکی، کشاورزی و سایر فناوری‌های صلح‌آمیز استفاده کنیم.

### چشم‌انداز همکاری ایمنیش

سنخنگری سازمان انرژی اتمی ایران در این سمینار تأکید کرد: همه طرف‌ها به برجام وفادار و متعهد بمانند، چشم انداز همکاری امید بخش خواهد بود. با این همه، کار سخت و زحمت زیادی برای حفاظت از این توافق و پیشبرد همکاری در سطوحی طراحی شده لازم است.

بهروز کمالوندی، افزود: انتظار داریم که در تعاملات و مشورت‌های ۲ روز یی، همکاران ما بر موضوعات مهم و مورد علاقه طرفین تمرکز داشته باشند.

وی ادامه داد: علاوه بر همکاری‌هایمان با اتحادیه اروپا، همکاری‌های دو جانبه و بین المللی خود‌با شرکای متفاوت را

در طیف گستره ای از موضوعات آغاز کرده‌ایم مانند تأمین تجهیزات و حمایت فنی از نخستین واحد نیروگاه هسته ای موشهر، ساخت ۲ واحد تازه و مدرن در سایت بوشهر، و نیز تولید ایزوتوپ‌های پایدار در تأسیسات فردو در همکاری با دوست‌تانمان در فدراسیون روسیه، طراحی مجدد راکتور پژوهشی خنتاب و راکتورهای دیگری را اندازهای متفاوت

در همکاری نزدیک با جمهوری خلق چین، و همچنین در (شکافت) فیسئون، گداخت) فزونیون، ایمنی و امنیت هسته‌ای، پادمان‌ها، مدیریت پسماندها، ظرفیت‌سازی و تعمیر و نگهداری با کشورهای متفاوت اروپایی و آسیایی.

او اظهارداشت: بدون اشاره به جزئیات فراتر این همکاری، که به طور عمده اخیراً آغاز شده است، علاوه مند تکرار کنم که نخستین و مهم ترین اولویت هر یک از طرفین باید بر ماندگاری برجام تمرکز داشته باشد.

وی افزود: تا به حال اتحادیه اروپا تعهدی مقدماً اما جدی در استقرار چارچوبی معنادار برای پیشقدمی در یک همکاری موفق برای ایفای نقش و اجرای این تعهدات در همسویی با پیوست ۳ برجام از خود نشان داده‌است. برای تأکید بر گام‌های مقتضی و عمده برداشته‌شده، علاوه مند سپس و دربرنای این ایجاد دو کارگروه در زمینه‌های ایمنی و پژوهش و توسعه را اعلام کند.

کمالوندی گفت: یک حوزه دیگر همکاری‌های طرفین که ایجاد شده و به رسمیت شناخته شده مینتی بر بخش پژوهش و توسعه کاربردهای صلح‌آمیز انرژی هسته ای است.

او اضافه کرد: ما، تا زمانی که تمام طرف‌ها خود را به متن و روح برجام متعهد بدانند، به آن پایبند خواهیم ماند؛ همانگونه که تا به حال هم به آن متعهد مانده‌ایم، به کرات از سوی تنها هیأت و پیکر مرتبط به موضوع، یعنی آژانس بین المللی انرژی اتمی تأیید و اذعان شده است.

کمالوندی افزود: دولت جدید آمریکای‌جاش با جامعه بین‌الملل برخاسته و آشکارا سیاست‌های یک‌جانبه انگاز در زمینه مسئولیت‌ها و تعهدات خود را در پیش گرفته است. در نتیجه امتناع از سر نهادن به قوانین بین المللی، از جمله اصل مسئولیت بین المللی دولتها، در حال پدیدآوردن سروشی شوم است که بعدها به شرایطی آشفته و ناسامان می‌انجامد که دست‌آختر بحران فعلی جهان را بدتر می‌کند.

لازم است به این مسأله هر چه زودتر رسیدگی شود و به فوریت به آن پایان داده شود.

او گفت: لازم است قدردانی خود را ذکر و ابراز کنم برای کوشش‌های ارزشمندو عالی سرکار علیه‌خاتم‌موگرتی، نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور خارجی و سیاست امنیتی، و معاون محترمان سرکار علیه خاتم هلکا ماریا اشمید، و نیز جناب آقای استیون کلمنت و تمام همکارانشان، برای برگزاری فوق‌العاده سمینار نخست و نیز نقش عالی خود که نسبت به تحقق رویداد مهم امروز ما ایفا کرده‌اند.

## اخبار داخلی

# خط ارتباطی مردم با اطلاعات

**تلفن**
**۲۲۲۲۶۰۹۰**

**ایمیل خط ارتباطی :**
**ertebat@ettelaat.com**

**چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی**

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:

- موضوع پیام‌ها حتماً‌های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نباشند.
- پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
- چاپ پیام با براساس نوبت است.

**با تشکر- سرویس ارتباطات مردمی**

**لغوهایش‌ها به نفع زلزله‌زدگان**

در خیرها خوانند که در روزهای دوم و سوم آذرماه قرار است یک همایش بین‌المللی با شرکت نمایندگان ۵۰ کشور جهان در مورد گروه‌های تکفیری در تهران تشکیل شود. با توجه به زلزله اخیر در غرب کشور و هزینه‌های زیاد و نتایج کم اینکه‌ونه همایش‌ها، درخواست می‌کنیم آن را لغو کنند و هزینه همایش را به زلزله‌زدگان اختصاص دهند.

**تلفن به خط ارتباطی**

**جلوگیری از ساخت‌وسازهای گسل‌های زلزله**

از قوه قضائیه و شورای شهر تهران می‌خواهیم عوامل صدور مجوز به ساخت‌وساز روی گسل‌های زلزله در تهران را مورد تعقیب قرار دهند و هر چه زودتر از ادامه این ساخت‌وسازها، جلوگیری به‌عمل آورند.

**شهربندی از تهران**

**توصیه به مسئولان**

به مسئولان دولت‌های فعلی و قبلی توصیه می‌کنم به‌جای منهن‌کردن یکدیگر، با کمک‌های همه‌جانبه یکدیگر به تسکین آلام مردم زلزله‌زده اقدام کنند. تنها در فضای آرام و همدلانه است که می‌توان ویرانه‌ها را آباد کرد و به رفع مشکلات پرداخت.

**یک هموطن**

**بیماتکاران متخلف تحت تعقیب قرار گیرند**

ضمن تسلیت به خانواده‌های که عزیزانشان را در زلزله غرب کشور از دست داده‌اند، بخوایم گوییم ساختمان‌های مسکن مهر مسئله آفرید و اگر این زلزله نبود هیچ‌کس متوجه نمی‌شد که در ساختن برخی از این ساختمان‌ها چه فاجعه‌ای رخ داده است؟ مسئولان قضایی و دولتی باید موضوع را به جد پیگیری کنند و سازندگان و پیمانکاران مربوطه را مورد تعقیب قانونی قرار دهند. اگر موضوع مشمول مرور زمان شود مثل مسائل دیگر به فراموشی سپرده خواهد شد.

**یک هموطن**

**استفاده از راه‌آهن هنگام بلایای طبیعی**

با توجه به گستردگی خطوط راه‌آهن در اغلب نقاط کشور پیشنهاد می‌کنم واگن‌های آلوپلاستی و مسکونی خریداری یا ساخته و به هنگام زلزله یا دیگر حوادث طبیعی، به به سرعت به مناطق یادشده اعزام شوند و مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

**یک هموطن**

**کتابخانه پارک شهر همچنان تعطیل است!**

حدود ۵ سال است که کتابخانه مرکزی پارک شهر تهران به بهانه بازسازی تعطیل است. این کتابخانه علاوه بر اینکه اعضای زیادی داشت و کتاب‌های بسیاری را به امانت می‌گذاشت، برای دانشجویران و دانش‌آموزان هم محلی برای مطالعه بود، بارها در همین ستون هم گفته شده است، ولی معلوم نیست به چه دلیلی از بازگشایی آن خودداری می‌کنند؟ از مراجعین به کتابخانه پارک‌شهر

**با «کار و تلاش» پاسخ دهید**

از خواندن مقاله پروفیسور صادق مسرت که در روزنامه‌اطلاعات ۲۳ آبان به چاپ رسید، لذت بردم. زیرا شعارهای بدون پشتوانه علمی می‌تواند به ملت را به خاک سپاه بشناسد. آمریکا در جنگ دوم جهانی شهرهای ژاپن را با بمب اتم مورد حمله قرارداد، ولی ژاپنی‌ها به‌جای انتقامجویی، جواب زورمندی آن‌ها را با کار و تلاش دادند. از انتقامجویی کارساخته مراجعه به دشمن را جزئی نمی‌کند و خسارت‌های بیشتر می‌شوند. ما باید با کار و تلاش و آبادانی کشور دست استعمارگران را از کشور کوتاه کنیم.

**تعمیر روغن کنار ناتوایی!**

در فاز یک کوی فرهنگیان در کنار ناتوایی یک مغازه تعویض‌روغنی وجود دارد و همین امر خود باعث انتشار آلودگی و سرایت مواد شیمیایی به مواد غذایی می‌شود. از اداره‌بهاشت منطقه تقاضا داریم بازرسی‌انی خود را به این جا بفرستند و نگرانی اهالی را برطرف کنند.

**باتک مرکزی چه می‌کند؟**

افزایش قیمت ارز و خصوصاً افزایش قیمت دلار باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران از ایجاد واحدهای تولیدی و اشتغالزای خودداری کنند، در این میان باتک مرکزی که وظیفه اصلیش حفظ ارزش پول ملی است، چه می‌کند؟

**پیشنهاد به صدا و سیما**

پیشنهاد می‌کنم صدا و سیما یکی از کانال‌ها را به بخش برنامه‌های دینی و مذهبی و سخنرانی و روضه‌خوانی اختصاص دهد و دیگر شبکه‌های موظف شوند که برنامه‌های جذاب و سرگرم‌کننده تهیه و به رؤیت مردم برسانند. به این ترتیب هرکس می‌خواهد مراسم مذهبی را نگاه کند، به آراشده مراجعه کند و هر کس سلیقه دیگری دارد، شبکه مورد علاقه خود را ببیند، در حال حاضر برنامه‌های صدا و سیما خیلی ضعیف و کسل‌کننده است.

**پیشنهاد به معنای فروش گاه‌آمام خمینی**

فروده‌گاه امام‌خیمینی به‌مدیران بزرگترین فروده‌گاه‌رومیان متأسفانه از مدیریت قوی و کارآمد برخوردار نیست و ناهماهنگی، بی‌نظمی و عدم نظافت و این فروده‌گاه کاملاً مشهود است. پارکینگ فروده‌گاه کثیف و بدون برنامه است و رانندگان بسیاری از خودروها بیرون از آنجا پارک می‌کنند. از مسئولان ذی‌ربط می‌خواهیم برای آراستگی و نظم این فروده‌گاه اقدام کنند.

**تشکر از وزیر بهداشت**

از آقای قاضی‌زاده هاشمی وزیر محترم بهداشت و درمان کشور برای تلاشی که در جهت رسیدگی پزشکی به زلزله‌زدگان غرب کشور کرده‌اند، تشکر می‌کنیم. همچنین از بیمارستان طرفه و دکتر فقیهی به دلیل خدماتی که به بیماران ارائه می‌دهند، تقدیر و تشکر می‌کنم، خداوند رفعتگان حاج‌مهدی طرفه را قرین رحمت خود قرار دهد.

**این تپه‌ها را گلکاری کنند**

شاید بنیاد مستضعفان تواناد انبوه املای مصداوه‌ای را اداره کند ولی چمن‌کاری و گلکاری تپه‌های شرقی شرق میدان آژانسین که ساختمان مرکزی بنیاد در آن واقع است که کاری ندارد . با تبدیل این تپه‌ها به فضای سبز زیبای خودی در این نقطه از تهران به خودی خواهد آمد.

**برای اداره شهر چه باید کرد؟**

آقای فتح‌الله آملی در یادداشتش خیرشان اصرار دارند که دیگر با شهرفروشی امکان اداره پایتخت وجود ندارد. سوال من این است که چرا ایشان و دیگر مسئولان در ابتدا با اینکه‌ونه مدیریت شهر مخالتف نکردند؟ آیا درست است که حالا مردم و شهروندان تهرانی تاوان مدیریت غلط و سودجویی عدلای را بدهند؟ در ضمن اگر قرار است از جیب مردم هزینه‌های شهرداری تأمین شود، مطمئناً باید به طریقی آن را از جبران خواهند کرد و این تسلسل باطل ادامه خواهد داشت. برای این موضوع باید فکر عملی و علمی شود.

**پیشنهادی به مسجد سعادت آباد**

سال گذشته چند تن از کارتن‌خواه‌ها به دلیل سرما در میدان‌کاج سعادت‌آباد بیمار شدند یا فوت کردند. پیشنهاد می‌کنم مسجدالرسول که دارای امکانات خوبی است، درمانگاه و تعاونی و ستون‌مان مجلد دارد، گرمخانه‌ای در نظر بگیرد تا این بندگان خدا شب‌ها را در آنجا بگذرانند و از سرما و آسیب‌ها در امان بمانند.

از نمازگزاران مسجدالرسول









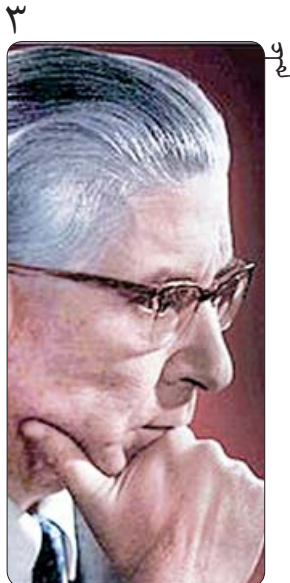
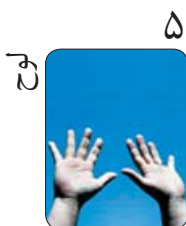






# فرهنگ

چهارشنبه یکم آذر ۱۳۹۶ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال نود و دوم - شماره ۲۶۸۷۳


مدخلی بر منطق «عمومی کردن ریاضیات»  
«واژه» باید شاعر باشد

در کوچه باغ اندیشه  
دست تسلیم روی دست تقدیر

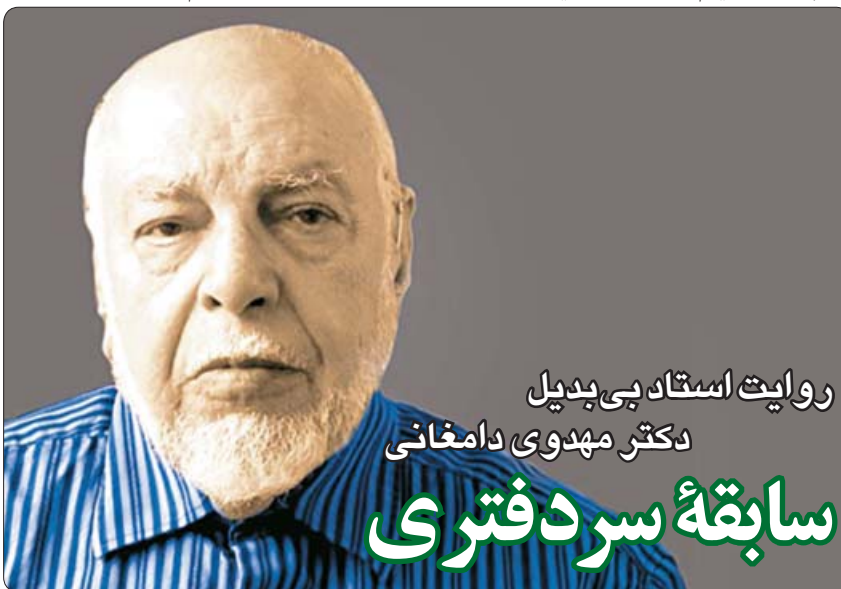
۴-۵


نوشتاری از دکتر رضادوری اردکانی  
«علم» را بازاری نکنیم

زندگی خودنوشت  
بازگشت به اصفهان

۷


به یاد  
مسعود هدایت

«در باغ معنا»  
گل بابونه

روایت استاد پی‌بدیل  
دکتر مهدوی دامغانی  
سابقه سردفتری

با همان بیماری به تهران مراجعت فرمودند و در سال ۱۳۳۳ به رحمت الهی واصل شدند و در حرم مطهر قم مدفون گشتند؛ (آن بزرگوار پدر مرحوم عبدالحمید آشتیانی سردفتر...؟) تهران بودند.

باری، در مهر ماه یا آذر ماه سال ۱۳۲۸ یک روز بنده برای عبادت به حضور محترم حضرت آقای حاج میرزا مهدی آشتیانی به منزلشان مشرف شدم. منزل ایشان در اول خیابان عین الدوله بازارچه عباس آباد استیجاری از آن مرد محتشم شریف دیندار پرهیزگار مرحوم مغفور سپهبد مرتضی زاهدی معاون دائمی وزارت جنگ بود. این مسئله را مخصوصاً می‌نویسم که بدانید که مرحوم آقای حاج میرزا مهدی آشتیانی، نوۀ دختری مرحوم میرور آقای حاج میرزا حسن آشتیانی (مرجع و مجتهد عالم بسیار دانشمند دوران ناصرالدین‌شاه) دانشمندی که مرحومان وثوق‌الدوله و مرحوم محمدعلی فروغی (ذکاءالملک دوم) دو تن از فضایی مشهور و سیاستمداران معروف، به شاگردی و استفاضه از محضر او یعنی مرحوم آقای حاج میرزا مهدی آشتیانی افتخار کرده‌اند و مرحوم فروغی کتاب شیخ‌الرئیس «فن سماع طبیعی» را با استمداد و کمک مرحوم آقای حاج میرزا مهدی چاپ کرده است. آری، این مرحوم تا آخر عمر خانه‌ای ملکی نداشت با آنکه آن مرحوم سالها عضو عالی‌مرتبه عدلیه و از اعضای محکمه انتظامی قضات بود، و و اسفا و و اسفا!...

باری، من بنده در محضر مبارک ایشان نشسته بودم که برادر مادری ایشان، مرحوم مغفور آقای دکتر سید محمد سجادی (وزیر اسبق راه و عدلیه و آخرین رئیس مجلس سنای ایران) به دیدار ایشان آمد و در آن هنگام، آقای دکتر سجادی وزیر دادگستری بودند. پس از گذشت دقایقی که احوالپرسی میان دو برادر رحمه‌الله علیهما شد و چون در آن اتاق فقط آقای حاج میرزا مهدی که بر بستر بودند و آقای دکتر سجادی و این ناچیز کس دیگری نبود آقای دکتر سجادی توجهی به من بنده کرد و فرمود: «شما از شاگردان آقا هستید؟» و من عرض کردم: «بلی، من این سعادت و افتخار را دارم» حضرت آقای میرزا به دکتر سجادی فرمودند که: «این جوان همچین و همچنین است و طلبه درس خوانی است... و لیسانسیه منقول است و فعلاً دفتریار است، اگر لطف فرمائید و او را به سردفتری منصوب فرمائید، من خیلی خوشحال می‌شوم»

مرحوم دکتر سجادی گفت: «میان سردفتران و دفتریاران تهران چند تا لیسانسیه وجود دارد؟» عرض کردم: «نمی‌دانم» فرمودند: «بگو ببینم این ماده ۳۳ و ۳۴ قانون ثبت را خوب می‌دانی یا نه؟» در سه چهار دقیقه آن دو ماده را خلاصه به عرضش رساندم.

ادامه در صفحه ۲

مرحوم والد از اینکه به شغلی دولتی اشتغال یابم، منع فرموده بوده‌اند و لذا در مشهد مقدس در همان ایام طلبگی به دفترکاری دفترخانه ۳ مشهد به سردفتری مرحوم آقا سید محمدتقی نوری‌زاده منصوب شده بودم و در حدی که متکفل هزینه‌های خودم باشم، درآمدی داشتم و پس از آنکه در شهریور ماه ۱۳۲۴ شمسی برای تحصیل به تهران آمدم و در دفتر ۲۲ که تحت تصدی عالمانه مرحوم مغفور آقای حاج شیخ محمدصادق شاه‌آبادی (اخوی‌زاده مرحوم میرور آیت‌الله آقای آقا میرزا محمدعلی شاه‌آبادی اطاب الله ثراه) بود، دفتریار شدم. دفتر ۲۲ دفتر خیلی پرکاری نبود و بسیار اوقات حقوق دفترکاری بنده به حد نصاب یک صد و پنجاه و هفت تومانی آن نمی‌رسید و با این مبلغ و به ضمیمه کمکی که مرحوم پدرم (ماهیاره بیست تومان می‌فرمود) و نیز کمکی که توسط مرحوم مغفور استاد علامه بدیع‌الزمان فروزانفر (که به قرار ماهی سی تومان برای دانشجویان معینی مقرر بود) به من می‌شد و باتوجه به اینکه ازدواج هم کرده بودم، زندگانی متوسطی را داشتم و خدا را هم شکر می‌کردم و شکر می‌کنم و به هر حال با توجه به اینکه هر روز در آن سالها هم در دانشکده و هم در حوزه علمیه تهران (مدرسه مروی و مدرسه سپهسالار قدیم که پیش از تأهل در آن مدرسه سکونت داشتم) و قتم می‌گذشت، خیلی توقع بیشتری از روزگار نداشتم.

و باز به هر حال، از جمله دروسی که در محضر پر فیض استاد بزرگوار و نام بردار آن حاضر می‌شدم، درس «شرح منظومه» حاج ملاهادی سبزواری - تعفده الله بغفرانه - بود، که آن را مرحوم مغفور حضرت آقای حاج میرزا مهدی آشتیانی - قدس الله روحه - افاضه می‌فرمود و بنده در مشهد شرح منظومه حکمت را در خدمت و مرافقت حضرت بندگان آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدعلی آقای سیستانی - مع الله المسلمین بطول بقائه و آدم ظلّه و اعلی کلمته - در محضر مرحوم آقای حاج شیخ سیف‌الله ایسی تلمذ کرده بودم؛ ولی برکات افاضات مرحوم آقای آقا میرزا مهدی آشتیانی رضوان‌الله علیه «چیز دیگری» بود. در این درس با مرحوم مغفور حضرت استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی حشر‌الله مع اجداده الطاهرین و جناب آقای استاد دکتر مهدی محقق دامت افاضاته و ادیمت آیامه و دو سه تن دیگر «همشاگردی» و با بعضی «هم‌مباحثه» بودیم.

در اوایل پائیز سال ۱۳۲۸ مرحوم آقای حاج میرزا مهدی آشتیانی به خونریزی شدید معده مبتلی شدند و مدتی در بیمارستان رضانور و پس از آن در منزل بستری بودند و این بیماری ایشان موجب تعطیل آن درس شد و پس از بهبود هم معظم‌له به مشهد مقدس مشرف شدند و در آنجا به افاضه پرداختند و اواخر عمر هم باز

آموزه

کسی را که این اندیشه آید  
و این عتاب بر وی فرود آید  
که: آه، در چیستیم و چرا چنین  
می‌کنیم؟ این دلیل دوستی و  
عنایت است



مولانا

قلم‌انداز

## روانشناسی اینترنت

فرزندان اینترنت، زمانی در نسبت با این رابطه دیده می‌شوند و قابل کشفند که سایه اینترنت به دلیلی، به مدتی کم یا زیاد از سر آنها کوتاه شده باشد. با کنار رفتن جریان پیوسته اینترنت، شما از نوع واکنش‌های ظاهری و غیرظاهری اشخاص می‌توانید به راحتی دریابید که آنها تا چه حد زیادی به پدیده اینترنت و فرایندهای مختلف آن تن در داده‌اند و در مسیر آن استقرار یافته‌اند.

آنچه می‌گوییم، صرفاً یک نمونه است ولی دریچه‌ای که از روزه‌های متعدد آن به آسانی می‌توان حقیقت مطلب را کشف کرد. هر اندازه ناآرامی و اصرار برای ارتباط دوباره با اینترنت و تلاش و جستجو برای رسیدن به جایگاه مدنظر زیاد باشد، به همان اندازه تعلق خاطر به آن بیشتر است و برعکس.

اما با فرض اثبات موضوع، موضوعات قهری طرح می‌شود که باید به صورتی جدی به آنها اندیشید. شاید یکی از اصلی‌ترین موضوعات، روانشناسی فرزندان اینترنت باشد. سؤال این است که انسان اینترنتی چه نوع روانشناسی دارد؟

بعد از شناخت روان اینترنتی با تمام مختصات که برای آن قابل تصور است موضوع بعدی این است که: انسان اینترنتی، آیا جامعه‌شناسی متمایزی دارد؟ به عبارت دیگر: بعد از فردیت که در قالب روانشناسی شخص اینترنت آمیزه قابل مطالعه است، افراد اینترنتی در ارتباط با هم چه نوع رفتارهایی دارند و چه نوع مکانیسم رفتاری و اخلاقی برای آنها حاکم است: آنها در ارتباط با هم چگونه برخورد می‌کنند و نوع برخوردشان با موضوعات مشترک و غیرمشترک و مرتبط و غیر مرتبط چگونه است؟ با توجه به اینکه مسئله ارتباط با عالم و ارتباط با دیگری و غیر از خود، یکی از اصلی‌ترین شئون و زمینه‌ها و رهاوردهای اینترنت است که در قالب‌هایی چون: ایمیل و چت و ایجاد وبلاگ‌های گوناگون نمایان می‌شود، می‌توان حدس زد که جامعه‌شناسی فرزندان اینترنت یا انسان اینترنتی، مهمتر از روانشناسی آن است.

شاید بتوان گفت که در بسیاری از موارد، نفس همین ارتباط، شکل‌دهنده روان خاص و دلیل اصلی اینترنت‌خواهی و گرایش افراطی به آن است، چرا که در مواردی که مسئله ارتباط با شخص خاص یا اشخاص دیگر مطرح نیست، میزان علاقه صورت افراطی ندارد و به حد وابستگی شدید یا فرزندخواندگی نمی‌رسد. نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که با راه بردن به دنیای اینترنت به طیف وسیعی از انسان‌های گردآمده حول این محور برخورد می‌کنیم که متأثر از بایسته‌ها و الزامات فضای مجازی، به نوع خاصی از اخلاق، رفتار، خواست، علاقه، گرایش و نمونه‌های آن تن درمی‌دهند. این موضوع در مرحله فردیت، روانشناسی اینترنتی و در مرحله فراتر از فردیت، جامعه‌شناسی اینترنتی را مطرح می‌کند.

حاصل این مطالعه هرچه باشد، ما را با نسل جدیدی آشنا خواهد کرد که اکنون، از مدت‌ها قبل در حال زیاد شدن هستند و نوعیت خاص آنها در حال تسری یافتن و تثبیت شدن است. سؤال اصلی این است که به‌عنوان انسان‌های امروزی، با این نسل و واقعیت آنها چقدر آشنایی داریم؟





## فرزانگان



دکتر مهدوی دامغانی

ادامه از صفحه اول

پرسید: «امتحان سردفتری را هم گذرانده‌ای؟» عرض کردم: «بلی، پنج سال پیش در مشهد و به همان دلیل هم در مشهد دفتریار شدم.» فرمود: «بردار یک نامه خطاب به من بنویس و تقاضایت را برای سردفتری بنویس» و فوراً اضافه کرد: «بینم متأهلی؟» عرض کردم: «بلی، متأهلم و یک پسر چند ماهه دارم.» من بنده قلم داشتم، ولی کاغذی که مناسب آن نامه یا تقاضانامه باشد، نداشتم. در خدمت حضرت آقای آقا میرزا مهدی هم هیچ یک از آقازادگان ایشان (مهندس جلال، جعفر، عبدالحمید) حاضر نبودند. حضرت میرزا به من فرمودند: «برخیز، بالای آن طاقچه چند ورق کاغذ هست، برخاستم و یک ورق کاغذ بزرگ برداشتم و شرحی خدمت جناب آقای وزیر دادگستری عرض کردم و به مرحوم آقای دکتر سجادی تقدیم داشتم. آن مرحوم خودنویسش را درآورد و در زیر عریضه‌ام مرقوم فرمود: «آقای مدیر کل ثبت» و تاریخ گذاشت و نامه را به من مرحمت فرمود و گفت: «خودت این را به آقای جوادی بده که اقدام کند» و من بنده با تشکر بسیار از جناب ایشان از حضرت آقای میرزا استعجازه مرخصی کردم و از خدمتشان مرخص شدم.

به دفترخانه ۲۲ که برگشتم و جریان را برای مرحوم آقای شاه‌آبادی نقل کردم. خدارحمتم کرده شاه‌آبادی فرمود: «خوب، ولی گمان نکنم آقای جوادی به تو دفتر بدهد؛ ولی به هر صورت فردا به ثبت اسناد برو این نامه را به ایشان تقدیم کن.»

\*\*\*

مرحوم مغفور حسن هوشمند یا به تعبیر مرحوم پدرم: میرزا حسن خان هوشمند - معاون ثبت کل - از طلاب قدیمی مشهد می‌بود و مدتی نزد مرحوم پدرم درس خوانده بود و همو بود که مرا وقتی که به تهران آمدم، به مرحوم شاه‌آبادی معرفی کرده بود؛ زیرا دفتریار آن زمان دفتر ۲۲ جناب آقای دکتر سید بهاء‌الدین طباطبائی (زیبای فعلی و آقای آقا بهاء‌الدین طباطبائی آن زمان) به اصطلاح آن ایام «دو دفتره» بود؛ چون شغل و محل کار دیگر او در دفترخانه مرحوم والد محترم و بسیار پرهیزگارش مرحوم آقای سید محمدتقی طباطبائی زیبا بود که به تازگی به سردفتری شماره ۱۱۲ تهران منصوب شده بود و شاه‌آبادی مرحوم در طلب دفتریار تمام وقت می‌بود. جناب آقای دکتر بهاء‌الدین طباطبائی از افاضل و کلای دادگستری و مدیر مجله حقوق امروز بود.

فردا صبح به ثبت اسناد رفتم و جریان دیروز را به ایشان گفتم و نامه جناب آقای وزیر دادگستری را خدمتشان دادم و آن مرحوم با خوشحالی گفت: «الآن اول وقت، سر جناب آقای مدیر کل شلوغ است. تو برو و فردا ظهر بیا اینجا پیش من، تا تو را به ایشان معرفی کنم و نامه‌ات را خدمتشان بدهی.» ابلاغ اولیه انتصاب من بنده برای دفترخانه ۳ مشهد به امضای مرحوم آقای محمود هدایت - مدیر کل وقت ثبت اسناد - بود و آقای جوادی در سال ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ (۴) جانشین ایشان شده بود و معروف بود که آقای جوادی مدیری بسیار مقتدر و وارد به امور و سختگیر و ضمناً خیلی هم مستبد و از خود راضی است. به هر حال فردا ظهر نزد آقای هوشمند آمدم و او با تلفن از آقای جوادی اجازه خواست که خدمتشان برویم، و پس از لحظه‌ای در خدمت آقای هوشمند به اتاق مدیر کل (اتاق انتهای

جنوب غربی) طبقه دوم ساختمان ثبت کل (حالا آن ساختمان در چه وضعی است؟) وارد شدیم و هوشمند همچنان ایستاده مرا با حسن ظن تمام و آنچنان که لازم می‌دانست، به ایشان معرفی فرمود و نامه محتوی تقاضای من بنده و دستور جناب آقای وزیر دادگستری را به ایشان تقدیم کرد و مرحوم جوادی نگاهی به من انداخت و مرا «وراندازی» کرد و به خواندن نامه مشغول شد و زنگ زد که «عباس خان‌ضاد» پیشخدمت مدیر کل (بسیار نجیب

## روایت استاد پی‌پیدل دکتر مهدوی دامغانی

## سابقه سردفتری



دکتر مهدوی دامغانی

هموست.» مرحوم غضبان به آقای جوادی با ادب و احترام تلفنی کرد و به آقای بلوهر گفت: «همین جا بنشینید تا جناب آقای مدیر کل حضارتان فرماید.» در این فاصله مرحوم غضبان به تفنّن یا به امتحان از من، چند بیت عربی (از جمله از قصیده فرزدق در مدح حضرت سجّاد) و بعضی ابیات شواهد نحوی را خواند و من دنباله آن را و یا علت استشهاده به آن را بیان کردم و آقای غضبان لحش با من بنده به کلی عوض شد و به عباس خان کذائی دستور داد برای ما چای آوردند، خدش بیمارزاد!

نمی‌دانید وقتی من این قیافه‌های نجیب و اشخاص فاضل و دینداری که در آن زمان بودند، به خاطر می‌آورم و در نظر مجسم می‌سازم و خود را در حضور آنان حس می‌کنم، چه حالتی به این بنده دست می‌دهد (خدا همه‌شان را رحمت کند). قریب یک ساعت گذشت. ما همچنان در اتاق آقای غضبان که وصل به اتاق مدیر کل بود، نشسته بودیم و مراجعان به مدیر کل از رؤسای ثبت اسناد یا دیگران مرتب به خدمت آقای جوادی می‌رفتند و بر می‌گشتند، که تلفن آقای غضبان زنگ زد و آقای غضبان بی آنکه مکالمه‌ای کند، گوشی را گذاشت و به ما گفت: «احضارتان فرمودند» و آقای بلوهر و من بنده به خدمت آقای جوادی رفتم و مرحوم جوادی به هر دوی ما اشاره کرد که بنشینید و رو به من کرد و گفت: «با جناب آقای وزیر دادگستری مذاکره کرده‌ام و با نظر خود جناب ایشان، برای تو یک دفتریری در نظر گرفته‌ام که فعلاً برایت از دفتر ۲۲ بهتر است و بهتر از این است که فرضاً سردفتری تازه‌کار و گمنام باشی. می‌خواهم تو را به دفتریری این فطن‌الدوله معین کنم» و بدون اینکه

منتظر جوابی از من باشد، به بلوهر گفت: «چند وقت است که مدت تعلیق فطن‌الدوله تمام شده است؟» بلوهر گفت: «قریبان، الآن دو ماه است که او منتظر ابلاغ رفع تعلیق و تحویل و تحول است.» آقای جوادی به آقای غضبان تلفن کرد که به «صارمی» بگو با فطن‌الدوله بیایند اینجا.

خوانندگان گرامی اجازه بفرمایید اینجا یک حاشیه‌ای بروم: الف) محمود قلی ملقب به حاج فطن‌الدوله، اصلاً متولد در فیلیه اهواز بود و از جوانی به خدمت مرحوم عبدالحسین میرزا فرمانفرما - شاهزاده و سیاستمدار بسیار متنفذ و ضمناً ممول آن زمان - درآمده بود و به برکت حسن خدمت و امانتی که به خرج داده بود، به مباشرت و منشی‌گری خاص فرمانفرما ارتقا پیدا کرده بود و در تمام مناصبی که فرمانفرما اشغال می‌کرد، همین سمتش را در خدمت فرمانفرما حفظ کرده بود و به علاوه یک نوع «لله‌گی» را برای بعضی از فرزندان فرمانفرما از جمله «مرحوم نصره‌الدوله فیروز» و «محمدولی میرزا فرمانفرمایان» نیز می‌داشته است (اگر خوانندگان علاقه‌مند باشند به کتابی که خانم مافی درباره فرمانفرما مرقوم فرموده است مراجعه فرمایند تا به خدمات فطن‌الدوله و اهمیتی که او در دستگاه فرمانفرما داشته است، و قوف یابند).

در کودتای ۱۲۹۹ فطن‌الدوله هم مثل اربابش فرمانفرما به زندان رضاخانسی (آن وقت هنوز رضاخان بود) می‌افتد و پس از استقرار سلطنت برای رضاشاه، کماکان در سمت مباشر و منشی فرمانفرما باقی می‌ماند و پس از آنکه دوره اقتدار و نفوذ فرمانفرما به سر می‌رسد، فطن‌الدوله به توصیه مرحوم فیروز میرزا نصره‌الدوله به مرحوم داور، به کارمندی ثبت اسناد و مدیریت بعضی ادارات آن منصوب می‌شود و سپس به سردفتری اسناد رسمی ۲۶ (یعنی محضر رسمی ۲۶) منصوب می‌شود و محضر ۲۶ که بعداً بر طبق قانون دفاتر اسناد رسمی شماره‌اش به ۲۵ تبدیل می‌شود، آن زمان دفتر مهم و معتبری بوده است و چون هنوز در سالهای ۱۳۱۲-۱۳۰۶ اداره ثبت شرکتها تأسیس نشده بوده است، اساسنامه و شرکت‌نامه‌های بسیاری از مؤسسات دولتی مثل شرکت نفت، شرکت فرش، بانک فلاحتی (کشاورزی بعدی) شرکت پارسیان، شرکت بیمه ایران در آن دفتر به ثبت می‌رسیده است و مرحوم فطن‌الدوله پس از مرحومان حسن بزرگان و سیدالشعراء سید کریم امیری فیروزکوهی رحمه‌الله علیهما سومین سردفتر آن دفترخانه است.

ب) آقای یوسف جوادی اصلاً متولد در شهر «خونسار» و طلبه در اصفهان و از اطرافیان مرحوم مبرور خلد آشیان سید شهید سعید، سید حسن مدرّس اسفهای اصفهانی رضوان الله علیه بوده و پس از انتقال مرحوم مدرّس به تهران و اشتغال او به سیاست، آقا شیخ یوسف جوادی به یک نوع منشی‌گری (و یا به قول مرحوم فطن‌الدوله: پیشخدمتی) مرحوم مدرّس در خدمت مرحوم مدرّس می‌بوده است و پس از کناره‌گیری و انزوای تحمیلی مرحوم مدرّس رضوان الله علیه، جوادی وارد عدلیه شده و مراحل و سلسله‌مراتب را در وزارت عدلیه طی کرده است و در سال ۱۳۲۵ در سمت دادیاری دیوان کشور به مدیریت کل ثبت اسناد و املاک منصوب شده است و تا اواسط سال ۱۳۳۱ در همین سمت باقی بود.

پس از جناب آقای دکتر احمدهاشمی - دامت عزّه و سلامته و سعادت - آقای جوادی بیشترین مدت رادر ریاست کل ثبت اسناد و املاک، متصدی بوده است و او رئیس آن شعبه دیوان کشور بود که پس از کودتای ۲۸ مرداد جمیع تصویب‌نامه‌های دولت دکتر مصدّق را ابطال کرد.

ادامه دارد





## علم

هادی سودبخش

چرا وقتی پای «دیفرانسیلیزاسیون» معنی به میان می‌آید، «توپولوژی»، هندسه بدون بُعد تعریف می‌شود؟ وقتی تعریف ذاتی هندسه در بستر تاریخی و در زبان محاوره‌ای، از «اندزه» و «اندازه» جدا نیست، هندسه دیفرانسیل در کجای این معنی قرار می‌گیرد؟ تضاد عام بُعد و بی‌بُعدی در هندسه چگونه جاری است؟ بطری کلاین چه می‌گوید؟ سطح موبیوس چیست؟ حجم «یک تویه» و سطح «یک رویه» به چه معنی است؟

وقتی در عصر مکانیک نسبیتی، ابعاد فضا از محدودیت ساختاری هندسه اقلیدسی خارج شد و هندسه کیهانی بوجود آمد، حوزه‌های دیگر اندیشه انسانی از این تحول شگرف، ضرورتاً، تأثیر زیربنایی پذیرفتند و «دیفرانسیلیزاسیون» کلام در ذهن، که از جابه‌جایی علیت‌برداری با علیت میدانی نیروهای طبیعی حاصل شده بود، ارکان فلسفه و ادبیات و هنر و تاریخ را دستخوش تغییرات جدی تاریخساز کرده است. فضای شعر، فضای قصه، فضای تابلوی نقاشی، فضای آهنگ موسیقی، فضای معماری و... و... و به‌طور کلی تفکر حجمی، تلقی دیرینه از «حقیقت» را وانهاده به «مجاز» می‌رسند. گرچه تصویر هر یک از این فضاها، فرم انتزاعی و ویژه خود را طرح و قانونمندی (توپولوژی) موضوعی خود را تعریف می‌کند، در یک تأویل بنیادی، آنطور که ذکری از آن رفت - مشترکات اندیشه‌ی بشری را می‌توان دریافت. «فضای مجازی» امروزه در عصر «ادغام سوژه در ابژه و ذهن در عین و ...» زمینه را برای جستجوی مبانی منطق عمومی کردن ریاضیات فراهم کرده است. از این منظر، منطق عمومی کردن ریاضیات و منطق عمومی کردن تاریخ یکی است؛ هر دو بر «سلول‌های بنیادی» اندیشه و خرد آدمی بنا شده‌اند.

- وقتی «هشترودی» می‌گوید: «ریاضیات یک علم بیشتر نیست، فصلی ندارد که آنرا طبقه‌بندی کنیم و به صورت هندسه و جبر درآوریم»، در واقع، با «دیفرانسیلیزه» کردن مفاهیم عنصری ریاضی در نگاه نسبیتی، «فاصله» را «نقص» فلسفی کرده است! و یا «علم و هنر هر دو محصول و زائیده‌ی ذهن بشری است و همان اندیشه که به بحث و تدقیق علمی می‌پردازد، خلاق آثار هنری نیز هست».

- و یا دانش، در جستجوی چیزی است که «هست» و هنر، در پی آفرینش چیزی است که «نیست»، در واقع، در یک (پکیج) نظری - فلسفی، «هست و نیست» وضعیت عالم امکان را تشریح می‌کند. این، همان اینهمانی سوژه و ابژه است که عالم و هنرمند امروز را به همدلی و همدمی می‌کشاند.

- و یا: وقتی می‌گوید: «تاریخ علوم از تاریخ ریاضیات شروع می‌شود و دانش‌های دیگر بشری در سایه‌ی پیشرفت دانش ریاضی توسعه یافته و ترقی کرده‌اند و اصولاً کمال هر علمی گرایش به صورت منطقی و قیاس دانش ریاضی است»، در واقع «ریاضیات [را] قاعده‌ی اندیشه و قانون تفکر انسان» می‌داند.

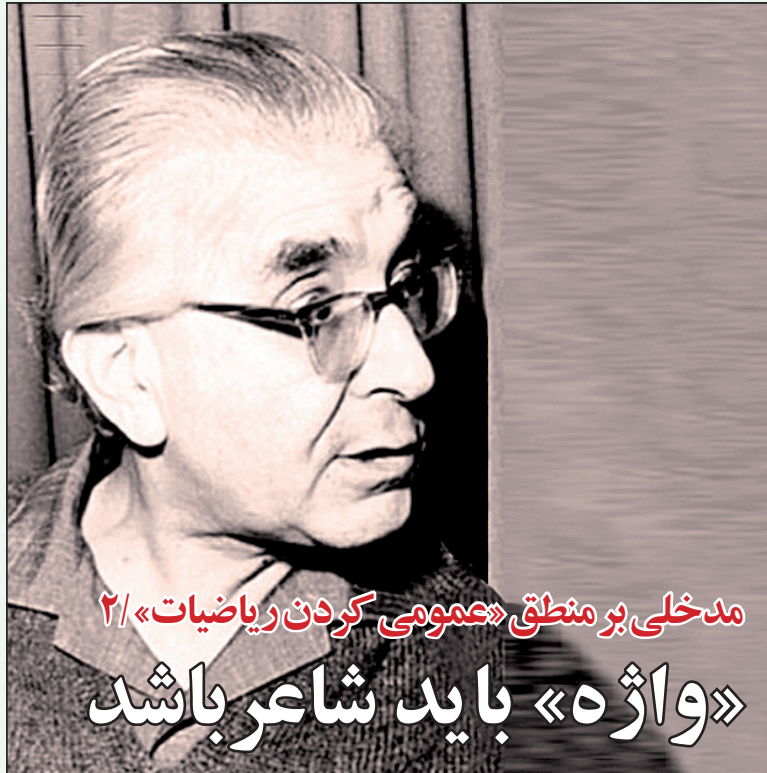
- و وقتی ابعاد عالم هستی گسترده می‌شود «تغییر مرکز عالم استمرار می‌یابد و تکرار می‌شود، سرعت‌های کیهانی قابل تصور می‌شوند و بردار نیرو در نگاه مکانیک نیوتونی جای خود را به «میدان نیرو» در مکانیک نسبیتی می‌دهد، ضرورتاً مفهوم فضا تعمیم می‌یابد و هندسه کیهانی تعریف می‌شود. اعتبار مطلق‌های قدیمی قرون وسطایی فرو می‌ریزد و منطق «دو ارزشی» جای خود را به «منطق چندارزشی» می‌دهد.

- وقتی هشترودی در سخنرانی‌های معمول خود، در چند جا تکرار کرده است که: «دکارت

می‌گوید: من می‌اندیشم، پس، هستم، من می‌گویم من هستم، پس، می‌اندیشم»، به ساحت پدر فلسفه و واضع هندسه تحلیلی و... جسارت! نکرده، که در همین جمله‌ی کوتاه، سه قرن تاریخ تحول اندیشه انسانی را خلاصه می‌کند و در نقد و تعریض و تعمیم «ایده آلیسم» دکارتی قرن هفدهم که حیات و «هستی» را از آثار تفکر معرفی می‌کند، «تفکر» را

از «دوباره کاری» باز می‌دارد. و از همین جاست که «دانش» همواره پیشرو صنعت است.

در مقدمه‌ای که «هشترودی» در سال ۱۳۴۷ بر یک کتاب فلسفی نگاشته است، گفته: «در معرفت و اطلاع از امور و حوادث جهان، چهار مسئله اساسی مطرح می‌شود که ذهن بنیانگذار و پی‌ریز دانش انسانی در حل این مسائل توانایی



## مدخلی بر منطق «عمومی کردن ریاضیات» ۲/ «واژه» باید شاعر باشد

کافی ندارد، یا لاف‌تاکتون نداشته است. مسئله‌ی اول کیفیت اموری است که انسان به آنان آشنایی پیدا می‌کند. آیا هر پدیده یا حادثه‌ای در جهان رخ می‌دهد، انسان به آن دسترسی پیدا می‌کند و از آن مطلع می‌گردد؟ یا امور و حوادثی وجود دارد که انسان از آن بی‌خبر می‌ماند؟ (مسئله‌ی دریافت) مسئله دوم، یقین و اطمینان علمی است. آیا آنچه که بشر دریافت کرده است یا درمی‌یابد، چگونه یقین و اعتقاد پیدا می‌کند که اشتباه یا خطائی در آن، رخ نداده است؟ (مسئله‌ی منطق)... مسئله سوم، مسئله مُدرکات و محسوسات است؛ یعنی تکوین مفاهیم در ذهن انسان (مسئله‌ی مفهوم‌سازی)... مسئله چهارم، انتقال مُدرکات است از فردی انسانی به فردی دیگر، مسئله افهام و تفهیم و سپس ایجاد تفاهیم یا مسئله «تعلیم و زبان» همه در چارچوب این مسئله چهارم طرح می‌شوند و هر چه دانشی از مقام استدلال و تجربه دورتر شده و به مشاهده و مطالعه بگراید، ایجاد مفاهیم و کلی کردن آنها در این دانش‌ها مشکل‌تر و گاهی ممتنع می‌گردد.

مفاهیم اجتماع و علوم انسانی (چه فردی و چه اجتماعی مانند معرفت النفس فردی و روانشناسی اجتماعی) بسیار از مفاهیم ریاضی یا علوم طبیعی و فیزیک، پیچیده‌تر و مختلط‌تر اند و و کوشش علمی دانشمندان در این قبیل علوم، منجر کردن این مفاهیم به مفاهیم عام قبلی است که انتقال و تعریف آنها سهل‌تر و ساده‌تر است ... مجموعه‌ی مشکلاتی که در اساس علوم در این چارچوب (چهار مسئله‌ی اساسی) مجتمع می‌شود، موجب پیدایش اندیشه‌ای مجرّد می‌گردد که به نام «فلسفه» مشهور است.

در این مرحله از اندیشه‌ی انسانی، بروشنی دیده می‌شود که بررسی علمی این مسائل، از تاریخ آنها جدا نیست.

وقتی «ایمره لاکاتوش» می‌گوید: «فلسفه علم بدون تاریخ علم تهی است، تاریخ علم بدون فلسفه‌ی علم نابیناست»، و هنگامی که در فرازی از

مقدمه‌ی کتاب «فلسفه علم» تألیف نیکلاس کاپالدی با ترجمه شیوای دکتر علی حقّی می‌خوانیم: «تاریخ علم در دست فیلسوف علم، مانند ماده‌ی خام در دست هنرمند است هنرمند براساس طرح‌های ذهنی خود، از ماده‌ای بی‌شکل، صورتی دلپذیر و چشم‌نواز می‌سازد. اگر این تمثیل را بپذیرید، می‌توان گفت تاریخ‌های علم، ماده‌های بی‌شکل‌اند و فلسفه‌های علم صورت‌هایی که این ماده پذیرد آنها می‌شوند. سرّ وابستگی شدید این دو رشته از دانش به یکدیگر نیز همین است.»

این، یعنی یگانگی شکل و محتوا، همان تجربه مفهوم ادغام سوژه در ابژه است. همان «ریاضی - فیزیک» است. مایه‌ی اصلی خاستگاه حوزه‌های «میان رشته‌ای» است. قبلاً گفته شد؛ درک این معنی با نگاه «پوزیتیویستی» میسر نیست. جور دیگر باید دید! یک تجربه‌ی «بینامتنی» است!

با نگاه «سیستمیک» و «ایستمولوژیک» و «فنومنولوژیک»، «حقیقت نسبی» از «واقعیت مطلق» تفکیک می‌شود. سیر تحول اندیشه بشری رسیدن از این حقیقت نسبی به آن واقعیت مطلق است. در این مسیر، همواره مرز مطلقیت اندیشه فراتر می‌رود. مسئله «جهان در حال انبساط» و فرضیه‌ی انفجار ناگهانی «مهبانگ» و خبرهائی که، جسته و گریخته، اخیراً در سایت‌های علمی - رسانه‌ها دایر بر برخورد «سیاهچاله»ها در فضای کیهانی در یک میلیون سال پیش منتشر شده. ۶ ناظر به همین معنی است. در این فضا، ذهن و خیال میراندار می‌شود. «هشترودی» این «کلیت تألیفی» را «عرفان علمی»، می‌نامد و مبتنی بر علم، و مافوق علم، می‌داند. با این نگاه، شاید، «علم در تاریخ»، بهتر از «تاریخ علم» افاده‌ی معنی می‌کند.

پشت دریا شهری است که در آن پنجره‌ها رو به تجلی باز است. برای سفر به این شهر و دیار، «فایقی باید ساخت، از جنس شور، احساس، تخیل، تصوّر و ادراک ... و شناخت. واژه باید خود باد، خود باران باشد. هنوز اول عشق است. این، منطق عمومی کردن ریاضیات» است.

گمان مبرّ که به پایان رسید کار مُغان

هزار باده‌ی ناخورده در رگِ تاک است!

۱- این مطلق شکنی نظری، از همان ابتدای کار، بنیان فلسفه‌های مطلق‌گرا و توتالیترا به چالش کشید به طوری که در سرزمین شوراها، تدریس نسبیت در دانشگاه‌ها در دهه‌های میانی قرن بیستم ممنوع شد. تاریخ علوم، پیر روسو، ترجمه‌ی حسن صفاری، چاپ دوم - مرداد ۱۳۳۵، امیرکبیر، صفحه...

۲- کتاب «فلسفه»: مسائل فلسفی - مکتب‌های فلسفی - مبانی علوم، تألیف دکتر علی شریعتمداری.

۳- نگارنده، قبلاً (در ۱۳۸۴) در مقاله‌ی نظریه‌پردازی و معرفت‌شناسی، میراث ماندگار «هشترودی» به مناسبت ۲۸ اردیبهشت روز ملی ریاضیات، توضیح مختصری درباره این نوع نگاه تحلیلی داده و اینک، با تلخیص مجدد این مقاله روشنتر، مسئله‌ی «عمومی کردن ریاضیات» را از نو مطرح می‌کند و اساساً مستند فرازهای سخنان استناد، صحبت‌های ضبط شده و مکتوب شده در کتاب‌های دانش و هنر و یادنامه و نوارهای «مرزهای دانش» است.

۴- ایمره لاکاتوش، (۱۹۷۴ - ۱۹۲۲)، فیلسوف علم مجارستانی الاصل.

۵- کتاب فلسفه علم - تکامل تاریخی مفاهیم علمی و پیامدهای فلسفی آنها - تألیف نیکلاس کاپالدی - ترجمه دکتر علی حقّی، چاپ سوم، انتشارات سروش.

۶- گزارش از یک خبر علمی برنامه‌ای از بی‌بی‌سی در (۲۳ بهمن ۹۴).





فرهنگ

چرا مشکل محیط زیست هر روز پیچیده‌تر می شود و هزار چسرای دیگر که اصلا مطرح نمی‌شود و کسی به فکر پاسخ دادن به آنها نمی‌افتد.
تقصیر این وضع را صرفاً به گردن دولت و حکومت نباید انداخت. دولت و حکومت ما هستیم یا لاقال حکومت و مردم حتی در جهان ناهم‌هنگ

توسعه یافته به کلی از هم جدا نیستند. حکومت مظهر زندگی عمومی است و زندگی عمومی انعکاس جان و اندیشه ما در جهان بیرون است. جهان و آدم‌هایش به هم پیوسته و باهم متناسند.

در این شرایط توقع این است که دانشگاه به مشکلاتی که در راه وجود دارد و به مسائل آینده توجه کند و به آنها بیندیشد یا لاقال بخشی از وقت و همش را صرف طرح مسائل مهم کشور و جهان کند و بکوشد بر آنچه می‌گذرد نوری بیفکند و اگر نکوشد و بدون طلب و پرسش صرفا در سودای افزایش آمار فارغ‌التحصیل‌ها و تولید انبوه مقالات باشد گرچه این هم لازم است اما شاید برای فردای کشور بهترین خدمت نباشد. دانشگاه در صورتی چراغ راه کشور و راه‌گشای زندگی مردم است که پروای درک امکان‌های آینده را داشته باشد. نشانه این توانایی نیز طلب و پرسشش و راه‌جویی برای آینده است.

ما که بیش از هشتاد سال است دانشگاه داشته‌ایم و داریم آیا مشکلاتمان را می‌شناسیم و می‌کوشیم آنها را با کمک دانشگاه حل و رفع کنیم و آیا دانشگاه کوشیده است و می‌تواند و نشانه نقص و فتوری در و مسائل کشور را بشناسد؟ ممکن است بگویند دانشگاه مرکز علم و آموزش و پژوهش است و وظیفه اصلاح امور ندارد پس تدبیر امور کشور را از دانشگاه نباید توقع داشت. این سخن تا حدودی و به اعتباری درست است و اما وقتی این سخن به صورت سطحی در مقابل این رأی قرار می‌گیرد که دانشگاه باید با کوچه و بازار و زندگی مردم پیوند داشته باشد ممکن است توجیهی برای ناتوانی دانشگاه تلقی شود.

به عبارت دیگر نمی‌توان دور دانشگاه دیار کشید و در حصار آن در پناه اشرافیت علم آسود. علم بخصوص علم جدید، علم حل مسائل دنیای مردمان و ساختن و پرداختن وسائل تکنیک رفع مشکلات و موانع زندگی عمومی است. دانشگاه اگر چشم از جهان زندگی و امکان‌ها و روابط آن بردارد، بود و نبودش تقریباً یکی است. اگر سود مختصری از بابت آموزش داشته باشد به تدریج این سود هم کاهش می‌یابد. اروپای غربی و ژاپن و ایالات متحده امریکا هم کم و بیش با مشکل جایگاه دانشگاه دست به گریباند و احیاناً این نگرانی را احساس می‌کنند که مبدا دانشگاه به کلی در بازار منحل شود و به این جهت حق دارند که بگویند دانشگاه‌ها باید به کار خود که دانش و پژوهش است بپردازند.

آنها نمی‌گویند دانش از تکنولوژی و مدیریت و سیاست جدا باشد بلکه می‌خواهند تعلق علم به حقیقت که از قرن هجدهم نگران آن بوده‌اند حفظ شود و علم به کالای مصرفی و وسیله گذران هر روزی مبدل نشود. امر مهمی که از آغاز تأسیس دانشگاه در اروپا مثلاً در اندیشه هومبولت موسس دانشگاه برلین و حتی در نزاع دانشکده‌های کانت بحث را راه می‌برد، ارتباط دانشگاه با فرهنگ و حفظ مقام معرفت فارغ از سودای سود بود.

از آن زمان تاکنون این نگرانی همواره ادامه داشته و صاحب‌نظران اروپایی و امریکایی درباره دانشگاه و راهی که در آن می‌رود و به آزادی دانشگاهی و به شرف علم می‌اندیشیده‌اند و هنوز هم می‌اندیشند. این نگرانی مغتنم را به طور کلی می‌توان بر استقلال علم

از سودای سود حمل کرد ولی چون سودمندی علم فرغ استقلال از سودای سود و زیان است و این معنی به آسانی درک نمی‌شود بهتر است که بحث آن را به عهده اهل نظر و فلسفه بگذارند. آنها با علمی آشنایی دارند که در آن ســودای سود و زیان وجود ندارد و می‌دانند که سود هر علمی چیست و در چه شرایطی علم سود می‌دهد و دانشمند از دانش طلبی سودای ســود بردن ندارد اما پژوهندگانی که پژوهش‌های تخصصی تکنولوژیــک می‌کنند نمی‌توانند و نباید بی‌مصرف بودن پژوهش‌های خود را به این عنوان که علم شرف ذاتی دارد، توجیه کنند.

اگر در اروپا و امریکا کسانی شعار حفظ حریم حرمت علم و آزادی دانشگاهی می‌دهند نگران دور شدن از فرهنگی هستند که علم و آموزش را زنده نگاه می‌دارند. آیا در این سوی جهان، که دانشگاه با زندگی بیگانه است و به گردش امور کشور کاری ندارد، باید عیناً شعار آنجا را تکرار کرد. آیا در اینجا باید دیوار موجود میان دانشگاه و بازار را بلندتر کرد تا دانشمندان صرفاً به پژوهش‌های انتزاعی مشغول باشند و برای بالا رفتن آمار و ارقام مقاله بنویسند؟ به نظر می‌رسد که این دیوار را باید برداشت. زیرا وجودش برای دانشگاه و بازار هر دو زیان‌ها دارد اما برداشتن این دیوار صرفاً به مدد فرهنگ میسر می‌شود. کسانی از عهده برداشتنش برمی‌آیند که صرفاً به نتایج و آثار سودمند علم نظر ندارند بلکه بیشتر به شرایط پیدایش و دوام علم می‌اندیشند.

چگونه می‌توان از فرهنگ اســتعداد کرد؟ آیا قاعده‌ای برای حل و رفع این‌چنین مسائل و مشکل‌ها وجود دارد؟ و آیا وجود دیوار میان دانشگاه و زندگی یک عارضه فرهنگی و نشانه نقص و فتوری در فرهنگ نیست؟ دانشگاه یکی جزیره جدا افتاده در نظم جهان تاریخی نیست بلکه در یک متن تاریخی فرهنگی پدید آمده است و لوازم تاریخی و فرهنگی دارد که باید با آنها ملازم باشد پس آن لوازم را باید شناخت و پسروی آنها رفت. این شناخت برای ما آسان نیست زیرا گرچه به جهان جدید مایل شده‌ایم، در آن ساکن نشده‌ایم.

در جهان‌های مختلف فهم‌ها متفاوتند و درک تفاوت میان فهم قدیم و جدید آسان نیست اما به‌طور کلی می‌توان گفت که شــرط درک و فهم امور، در شرایط کنونی جمع کلی و جزئی یا درج جزئی در کلی است. ولی چه کنیم که در مرحله پایانی تجدد با غلبه مطلق تکنیک، میان کلی و جزئی جدایی افتاده و تمیز میان آنها چندان دشوار شده است که کمتر به اطلاق قضایا بر موارد می‌اندیشند و مگر نمی‌بینیم که در مناطق توسعه‌یافته و در حال توسعه رسوم و دستورالعمل‌های جاری در جهان توسعه‌یافته بی‌چون و چرا اجرا می‌شود.

یعنی احکامی را که مربوط به اوضاع و زمان و متعلق به کشورهای معین است و هرچند درصورت ظاهر کلیت دارند به اوضاع و موارد خاص مربوطند مطلق و کلی می‌گیرند و به این ترتیب کلی و جزئی را بسا هم خلط می‌کنند و با کلی تلقی کردن احکام تاریخی در امور جزئی در پی جهان توسعه‌یافته می‌روند. درست است که دانشگاه‌ها از حیث ماهیت با هم تفاوت ندارند اما تحقق این ماهیت همیشه در همه جا به یک نحو نیست و در دانشگاهی شرایط و امکان‌های خــصاص دارد و برنامه‌ها و وظایفش با توجه به این شرایط و امکان‌ها معین و مدون می‌شود. دانشمــند نباید در بند فایده علم باشد. در همه جا برنامه دانشــگاه و نظام آموزش و پژوهش باید با گردش چرخ زندگی و زمان تناسب داشته باشد.

اگر ژاپن و آمریکا نگران باشند که مبدا دانشگاه در بازار منحل شود ما که دانشگاهمان پیوندی با بازار ندارد چه وجهی دارد که در آن نگرانی سهم باشیم و مثلاًشعار بدهیم که علم کالای بازار سوداگری نیست. اکنون در همه جهان و بخصوص در کشورهای در حال توسعه پیوند میان فکر و زندگی، قول و فعل،

کلی و جزئی و گذشته و اکنون و آینده گسیخته است. جهان توسعه‌یافته با غرور و تکبر و با غفلت از تقدیری که برای علم و تفکر رقم می‌خورد در کار ساختن و تولید و انباشتن زرادخانه‌ها است. جهان در حال توسعه هم بی‌خبر از ناتوانی و فقر خود مدام حرف می‌زند و هرچه می‌تواند مصرف می‌کند و در هنگام حرمان از مصرف با حسرت روز را به شب می‌آورد. تفاوت میان جهان‌های توسعه‌یافته و در حال توسعه در نسبتشان با فرهنگ غربی که

آینده باشد (و این را با منحل شدن دانشگاه در بازار و نگاه سوداگرانه به علم نباید اشتباه کرد). دانشگاهی که به آموزش اکتفا کند یا به حکم شهرت و رسم مقرر در جهان توسعه‌یافته به پژوهش در مسائلی بپردازد که مسائل اینجا و اکنون نیست جایگاهی که شایسته نام دانشگاه باشد پیدا نمی‌کند.

البته دانشمندانی که در مرز علم، پژوهش می‌کنند آزادند که در هر چه می‌خواهد پژوهش کنند. آنان بی‌مدد فرهنگ به آنجا نرسیده‌اند اما همه پژوهشگران

نوشتاری از دکتر رضا داوری اردکانی-۳-

## «علم» را بازاری نکنیم



فرهنگ کل جهان شده است و با علم و تکنولوژی است اما وجه مشترکشان این است که در هیچیک از این دو منطقه فرهنگی چشم‌انداز آینده روشن نیست. یعنی جهان توسعه‌یافته دیگر غایات دور ندارد و غایت بخش توسعه‌یافته نیز رسیدن به مرحله‌ای از توسعه است. اگر اروپا از ابتدا کم و بیش به نسبت میان علم و فرهنگ توجه داشته است و هنوز هم تا حدودی دارد (در اینجا فرهنگ به معنی آداب و عادات و رسوم نیست بلکه نیروی طلب و دانایی لازم برای جستجوی حقیقت و نزدیک شدن به کمال انسانی است)، آسیای‌ها و آفریقایی‌ها فکر می‌کنند خــود صاحب فرهنگند و تنها به علم و تکنولوژی غرب نیاز دارند.

اینها دانشگاه را مستقل از فرهنگش می‌خواهند و گاهی می‌گویند آن را باید براساس فرهنگ خودمان استوار کنیم. اگر این سخن را از روی تأمل گفته باشند، در راهی قرار می‌گیرند که با توجه به فرهنگ خاص دانشگاه در جهان متجدد غربی می‌توانند فرهنگ را نیز پــشتوانه علم و تحقیق قرار دهند. دانشگاه در هر جا که هست نباید بی‌پناه و غریب باشد و در مناطق توسعه‌یافته و در حال توسعه درخش که ریشه در زمین نداشته باشد پژمرده می‌شود. در نسبت با فرهنگ است که هر علمی در جای خود می‌نشیند و مردمان از آن بهره می‌برند. علم جدید در جهان در حال توسعه نسبتی با فرهنگ ندارد و دانشمندان و اهل نظر در این جهان هم نگران این نسبت نبوده و به آن نیندیشیده‌اند.

اما به نظر می‌رسد که این وضع نمی‌تواند دوام داشته باشد زیرا علم بی‌فرهنگ نه علم پیش‌بینی آینده و علم قدرت است، این علم از حد اکنون نمی‌تواند بگذرد و به آینده تعلق پیدا نمی‌کند. دانشگاه اگر نگران علم و آینده آن است باید نگران فرهنگ و زندگی

فرهنگ و اعتقادات ارتباطی ندارند. البته کوشش‌هایی شده است و هم‌اکنون نیز می‌شود که این پیوند برقرار شود و خدا کند که مؤثر و کارساز باشد. اینها که گفتیم نه عیب‌جویی بلکه تذکری از سر درد و دردمندی است به امید فراهم شدن مقدمات نیل دانشگاه به جایگاه شایسته‌اش. دانشگاه باید چشم‌انداز آینده را بیابد و راه رسیدن به آن را نشان دهد.

مگوییبد علم جهانی است و ما هم همان کاری را می‌کنیم که دانشمندان و عقلای جهان می‌کنند. پیروی از عقلای جهان خوب است اما چرا ما نکوشیم که خود در عداد عقلای جهان باشیم. خردمندان و عاقلان آنانند که می‌دانند در هر وقت و هر جا چه باید بکنند و البته به خرد دیگران هم احترام می‌گذارند.

یکی از اشتباهاتی که در کار دانشگاه ما رخ داده است اشتباه میان علم و سیاست علمی است یعنی سیاست علم را هم مثل علم جهانی انگاشته‌اند درست است که علم جهانی است اما سیاست علم جهانی نیست بلکه دانشگاه و بازار را باید معین کند که چگونه می‌توان مسیر علم و پژوهش را با تاریخ و امکان‌های تاریخی و روحی آنجا هماهنگ کرد. آموزش و پژوهش وظیفه هر دانشگاهی است اما آموزش باید مدام تازه شود. پژوهش هم به علم جان ببخشد. نوشتن مقاله خوب است و فضیلت دارد، ولی وقتی مقاله را برای ادای وظیفه اداری و موفقیّت در مسابقه مرتبه و مقام علمی می‌نویسند، شاید مقاله‌نویسی قدر شایسته خود را از دست بدهد و کار به جایی برسد که مقاله را از بازار بخرند و صرف گرفتن مدرک تحصیلی و ارتقاء مرتبه دانشگاهی کنند. پس اگر گفته شد که دانشگاه جایی نیست که در آن فقط درس بخوانند و مقاله بنویسند مراد انکار لزوم و اهمیت آموزش و مقاله نوشتن نیست بلکه تأکیدی است بر اینکه پژوهش باید زنده باشد و با تعلق خاطر به علم برای حل مسائلی که علم کشور با آنها مواجه است، صورت گیرد. اگر مقاله‌هایی که نوشته می‌شود ارتباطی با صنعت و کشاورزی و مدیریت و آموزش و اخلاق و روح و جان و رفتار مردم کشور نداشته باشند و صرفاً به درد بالا بردن آمار و ارتقاء شغلی و دانشگاهی بخورد، مایه پیشرفت علم نمی‌شود. ما باید از دانشگاه مقاله‌نویس بگذریم و به دانشگاه مسئله‌اندیش برسیم به در این صورت صاحب مقالات بهتری می‌خواهیم بود. تکرار کنیم که حساب کسانی که در مرزهای علم پژوهش می‌کنند جداســت و آنها را نمی‌توان تابع برنامه علم کشور کرد. در کشور ما هم دانشمندان ممتاز وجود دارند ولی آن اندازه که ما در دانشمندی پیشرفت کرده‌ایم در دانش پیشرفت‌ناشته‌ایم.

تکرار می‌کنم علم را بازاری نکنیم اما آن را از زندگی هم جدا نینگاریم بلکه بیندیشیم که بهترین راه ارتباط علم و زندگی در شرایط کنونی چیست؟ شاید این مهم رایج سازمانی را جز دانشگاه نتواند به عهده گیرد و انجام دهد. دانشگاه محل تامل، تفکر و تحقیق در عین پاســداری از فرهنگ و دانش و پژوهش است و در این میان دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی وظیفه‌ای بزرگ برعهده دارند که متأسفانه بیشتر به صورت علم و علم و ادب صوری مشغولند.دیگران هم قدر علم را نمی‌شناسند و حق و وظیفه‌ای برایشان قائل نیستند و این نشانه رکود و سکون است. دانشگاه‌ها در غرب از دویست سال پیش تحول‌ها را از سر گذراندند و در دهه‌های اخیر سیرتحولشان ســرعت پیدا کرده است. ما هم باید دانشگاه‌های خود را با زمان هماهنگ کنیم و راه این هماهنگ کردن اینست که ببینیم نیازها و امکان‌های دانشگاه ما چیست؟ دانشگاه باید بتواند در مورد مسائل مورد نیاز زمان تحقیق کند و نوری در افق آینده زندگی بتاباند. اگر بگویند(و گفته‌اند) کسی که، آثار و آراء، ارسطو و ابن سینا و ملاصدرا و دکارت و کانت و هگل و هوسرل و هایدگر و جیمز و فوکو و... و تا حدودی با شعر و عرفان آشناست چگونه

می‌تواند به دانشگاه نگاهی پراگماتیست یا نزدیک به آن داشته باشد، این سوء تفاهم عجیبی است. شاید معترضان نمی‌دانند فلسفه چیست و پراگماتیسم چه می‌گوید و علم با فرهنگ و فلسفه چه نسبت دارد. من هرگز به دانشگاه نظر پراگماتیستی نداشته‌ام و اگر داشتم از مقام تاریخی آن و لزوم نسبتش با گذشته و مسئولیتش در قبال آینده نمی‌گفتم. مسئله، مسئله پراگماتیسم نیست بلکه ماهیت تاریخی علم و دانشگاه و آینده زندگی در میان است. رعایت مصلحت و تعیین جــای و وقت امور و کارها را با پراگماتیسم اشتباه نباید کرد. مصلحت اندیشی اگر در جای خود باشد نه فقط مذموم نیست بلکه ضروری و شرط عقل است و البته غفلت از گردش چرخ زمان را با یقین و اتقان اشتباه نباید کرد. اگر آموزگاران بزرگ بشــر در جایی که نظر به ساحت‌های الوالی وجود بشر داشته، مصلحت اندیشی را ناروا و بی وجه دانسته‌اند معنیش این نیست که همه در همه جا باید مصالح زندگی را فرو گذارند.

زندگی عادی و نظام معیشت عمومی را عقل مصلحت بین راه می‌برد و نگاه می‌دارد. پیداست که این عقل در راهی که به دین و هنر و فلسفه و بنیانگذاری تاریخ می‌رسد و البته در تشخیص غایات وجود بشر راهبر نمی‌تواند باشد اما وقتی به کار و بار موسسات و سازمان‌ها می‌اندیشیم چگونه شأن اثرگذاری و کارآموزی و کارسازی و سودمندیش را از نظر دور برداریم؟ و بالاخره از پراگماتیسم طوری حرف زنیم که گویی فسادش مسلم و محرز شده است.

خلاصه کنم علم جدید و دانشگاه شأن و مقامی در زندگی جدید دارند که آن را با مقام علم و مدرسه قدیم قیاس نباید کرد. دانشگاه امروز باید جان نقاد و چشمم باز مردمی باشد که راه توسعه اجتماعی، اقتصادی، تکنیکی را می‌پویند و اگر از عهده این کار برنآید از ادای رسالت و مأموریت خود بازمانده است. ما از نقد بسیار حرف می‌زنیم اما حتی روشنفکران وقتی از نقد می‌گویند مرادشان مخالفت و موافقت با این یا آن سیاست است یعنی به جای نقد، حکم ـ و البته حکم سیاسی ـ می‌کنند.

اینجا نقد علم و عمل و فرهنگ و وضع اداری و اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی و آموزشی کشور به چیزی گرفته نمی‌شود و طالب و خریدار ندارد و اشتغال خاطر به سیاست و صدور حکم سیاسی کمتر مجال تامل و تحقق در اینکه جهان به کجا می‌رود و کشور چه گرفتاری‌هایی داردو با آنها چه می‌تواند بکند و آینده‌اش چه می‌شود باقی می‌گذارد.

اکنون هیچکس به درستی نمی‌داند که این جهان دارد به کجا می‌رود و چه برسر سر آن می‌آید آنچه می‌دانیم این است که آدمی به قدرتی دست یافته است که می‌تواند جهان موجود را در زمان اندک بسوزاند و نابود کند و متأسفانه نمی‌دانیم این قدرت بشری در دست کیست. مع هذا باید امیدوار بود که هنوز خردک خردی مانده باشد و خدای مهربان این بلا و مصیبت بزرگ که جهان قدرتمند اما بی‌اختیار را تهدید می‌کند، بگرداند. دانشگاه هم با این امید باید به آینده نظر داشته باشد و چراغی در راه توسعه کشور بدارد.

البته اگر بشر کنونی می‌توانست از راه توسعه منصرف شود،دانشگاه هم شأن دیگری پیدا می‌کرد. اما دانشگاه کنونی هرچند که کارگزار توسعه نیست باید راهنما و ناظر دلسوزش باشد. علم تکنولوژیک علم خاصی است که ما کمتر به ماهیت آن فکر کرده‌ایم. این علم هم جایگاه و حریم الوالی علم آزاد و از ســودای سود را می‌خواهد و هم با کارسازی ملازمه دارد. دانشگاه به مدد فرهنگ می‌تواند و باید این دو میل و کشش مخالف را تا حد ممکن سازگار و هماهنگ سازد.

پایان

چهارشنبه یکم آذر ۱۳۹۶
سال نودودوم
– شماره ۲۶۸۷۳

*اخباریات*
ویژه فرهنگ‌تاریخ و تمدن ایران وجهان ۳۳۴

لوح/کریم فیضی

در کوچه باغ اندیشه – ۶۰

## دست تسلیم روی دست تقدیر

انسانها در هیچ چیزی و در هیچ حکمی به اندازه «حکم رفتن» اشــتراک و تساوی ندارند. رفتن تنها امری است که انسانها را از همه جهات به هم پیوند می‌دهد.

ما در زندگی ستاره‌ها حضور نداریم ولی ستاره‌ها در زندگی ما حضوری تمام دارند با طلوع و درخشش و خم شدنشان به طرف زندگی ما.

پول را اگر بتوان – به‌سختی – جزو ثروتها به شمار آورد، بدون شک جزو نعمتها نیست. نعمت امری حقیقی است که بخواند می‌دهد در حالی که پول امری اعتباری است که در دست قدرتمندان و حاکمان و متولیان قرار دارد.

پول که امروزه عده ای با آن العیاذلله «خدا» را هم خرید و فروش می‌کنند و خدا را هم می‌خرند و می‌فروشند، اساساً مخلوق انسانهاست نه خدا. خدا در بین مخلوقاتش موجودی به نام پول نیافریده است.

به تجربه ثابت شده است اهل کینه و کینه ورزان، دینداران خوبی نمی‌شوند و خدمتی به دین نمی‌کنند. آنچه از اهل کینه به دین می‌رسد، چیزی بیش از بدنام کردن دین نیست.

دین متعال است و منعطف، چون از خداست اما منتقم هم هست، چون از خداست. دینی که نتواند انتقام خودش را از راهزنانش بکشد و سوء استفاده کنندگانش را مفتضح کند، چه دینی است؟

میرداماد در آثارش از ابن سینا با عنوان «شریک ســالف ما» یاد می‌کند که تعبیر قابل تاملی است. در جذوات که از مهات آثار میر است این تعبیر به چشمم می‌خورد: شریک سالف ما در الهیات شفا چنین فرماید...

در خدمت سیاست قرار گرفتن زهد و عبادت می‌تواند ملت و ملیت و مدنیت و تمدنی را تا یاد دچار زوال و خدشه سازد و این اتفاقی است سهمگین.

وقتی کینه بر اوج نشیند و حقارت بر صدر تکیه دهد، باید منتظر شیوع بداخلاقی در جامعه بود.

سقوط یک جامعه از جایی شروع می‌شود که اخلاق در سیاست گم شود. آنجا که اخلاق گم شود، چیزی پیدا نمی‌شود.

انسان از طبیعت خارج نمی‌شود. اگر درست تامل کنیم، خواهیم دید که طبیعت از انسان خالی و خارج نمی‌شود.

گذر از طبیعت مساوی دخول به متن متافیزیک است. پایان فیزیک، آغاز متافیزیک است.

زمان در برابر حقیقت دچار فروپاشی می‌شود به دلیل استیلاي حقیقت بر همه چیز و فقر وجودی زمان در برابر امر متعالی.

این جهان و آنچه در این جهان است، از زمان تا مکان، سایه ای بیش نیست که از جسم و جسد حقیقت منعکس شده است. خورشیدی وجود دارد که نور و سایه از اوست و آن نورالانوار یا خداســت.





فرهنگ

چرا مشکل محیط زیست هر روز پیچیده‌تر می شود و هزار چسرای دیگر که اصلا مطرح نمی‌شود و کسی به فکر پاسخ دادن به آنها نمی‌افتد.
تقصیر این وضع را صرفاً به گردن دولت و حکومت نباید انداخت. دولت و حکومت ما هستیم یا لاقال حکومت و مردم حتی در جهان ناهم‌هنگ

توسعه یافته به کلی از هم جدا نیستند. حکومت مظهر زندگی عمومی است و زندگی عمومی انعکاس جان و اندیشه ما در جهان بیرون است. جهان و آدم‌هایش به هم پیوسته و باهم متناسند.

در این شرایط توقع این است که دانشگاه به مشکلاتی که در راه وجود دارد و به مسائل آینده توجه کند و به آنها بیندیشد یا لاقال بخشی از وقت و همش را صرف طرح مسائل مهم کشور و جهان کند و بکوشد بر آنچه می‌گذرد نوری بیفکند و اگر نکوشد و بدون طلب و پرسش صرفا در سودای افزایش آمار فارغ‌التحصیل‌ها و تولید انبوه مقالات باشد گرچه این هم لازم است اما شاید برای فردای کشور بهترین خدمت نباشد. دانشگاه در صورتی چراغ راه کشور و راه‌گشای زندگی مردم است که پروای درک امکان‌های آینده را نداشته باشد. نشانه این توانایی نیز طلب و پرسشش و راه‌جویی برای آینده است.

ما که بیش از هشتاد سال است دانشگاه داشته‌ایم و داریم آیا مشکلاتمان را می‌شناسیم و می‌کوشیم آنها را با کمک دانشگاه حل و رفع کنیم و آیا دانشگاه کوشیده است و می‌تواند و نشانه نقص و فتوری در فرهنگ نیست؟ دانشگاه یکی جزیره جداافتاده در مسائل کشور را بشناسد؟ ممکن است بگویند دانشگاه مرکز علم و آموزش و پژوهش است و وظیفه اصلاح امور ندارد پس تدبیر امور کشور را از دانشگاه نباید توقع داشت. این سخن تا حدودی و به اعتباری درست است و اما وقتی این سخن به صورت سطحی در مقابل این رأی قرار می‌گیرد که دانشگاه باید با کوچه و بازار و زندگی مردم پیوند داشته باشد ممکن است توجیهی برای ناتوانی دانشگاه تلقی شود.

به عبارت دیگر نمی‌توان دور دانشگاه دیار کشید و در حصار آن در پناه اشرافیت علم آسود. علم بخصوص علم جدید، علم حل مسائل دنیای مردمان و ساختن و پرداختن وسائل تکنیک رفع مشکلات و موانع زندگی عمومی است. دانشگاه اگر چشم از جهان زندگی و امکان‌ها و روابط آن بردارد، بود و نبودش تقریباً یکی است. اگر سود مختصری از بابت آموزش داشته باشد به تدریج این سود هم کاهش می‌یابد. اروپای غربی و ژاپن و ایالات متحده امریکا هم کم و بیش با مشکل جایگاه دانشگاه دست به گریباند و احیاناً این نگرانی را احساس می‌کنند که مبدا دانشگاه به کلی در بازار منحل شود و به این جهت حق دارند که بگویند دانشگاه‌ها باید به کار خود که دانش و پژوهش است بپردازند.

آنها نمی‌گویند دانش از تکنولوژی و مدیریت و سیاست جدا باشد بلکه می‌خواهند تعلق علم به حقیقت که از قرن هجدهم نگران آن بوده‌اند حفظ شود و علم به کالای مصرفی و وسیله گذران هر روزی مبدل نشود. امر مهمی که از آغاز تأسیس دانشگاه در اروپا مثلاً در اندیشه هومبولت موسس دانشگاه برلین و حتی در نزاع دانشکده‌های کانت بحث را راه می‌برد، ارتباط دانشگاه با فرهنگ و حفظ مقام معرفت فارغ از سودای سود بود.

از آن زمان تاکنون این نگرانی همواره ادامه داشته و صاحب‌نظران اروپایی و آمریکایی درباره دانشگاه و راهی که در آن می‌رود و به آزادی دانشگاهی و به شرف علم می‌اندیشیده‌اند و هنوز هم می‌اندیشند. این نگرانی مغتنم را به طور کلی می‌توان بر استقلال علم

از سودای سود حمل کرد ولی چون سودمندی علم فرغ استقلال از سودای سود و زیان است و این معنی به آسانی درک نمی‌شود بهتر است که بحث آن را به عهده اهل نظر و فلسفه بگذارند. آنها با علمی آشنایی دارند که در آن ســودای سود و زیان وجود ندارد و می‌دانند که سود هر علمی چیست و در چه شرایطی علم سود می‌دهد و دانشمند از دانش‌طلبی سودای ســود بردن ندارد اما پژوهندگانی که پژوهش‌های تخصصی تکنولوژیــک می‌کنند نمی‌توانند و نباید بی‌مصرف بودن پژوهش‌های خود را به این عنوان که علم شرف ذاتی دارد، توجیه کنند.

اگر در اروپا و آمریکا کسانی شعار حفظ حریم حرمت علم و آزادی دانشگاهی می‌دهند نگران دور شدن از فرهنگی هستند که علم و آموزش را زنده نگاه می‌دارند. آیا در این سوی جهان، که دانشگاه با زندگی بیگانه است و به گردش امور کشور کاری ندارد، باید عیناً شعار آنجا را تکرار کرد. آیا در اینجا باید دیوار موجود میان دانشگاه و بازار را بلندتر کرد تا دانشمندان صرفاً به پژوهش‌های انتزاعی مشغول باشند و برای بالا رفتن آمار و ارقام مقاله بنویسند؟ به نظر می‌رسد که این دیوار را باید برداشت. زیرا وجودش برای دانشگاه و بازار هر دو زیان‌ها دارد اما برداشتن این دیوار صرفاً به مدد فرهنگ میسر می‌شود. کسانی از عهده برداشتنش برمی‌آیند که صرفاً به نتایج و آثار سودمند علم نظر ندارند بلکه بیشتر به شرایط پیدایش و دوام علم می‌اندیشند.

چگونه می‌توان از فرهنگ اســتعداد کرد؟ آیا قاعده‌ای برای حل و رفع این‌چنین مسائل و مشکل‌ها وجود دارد؟ و آیا وجود دیوار میان دانشگاه و زندگی یک عارضه فرهنگی و نشانه نقص و فتوری در فرهنگ نیست؟ دانشگاه یکی جزیره جداافتاده در نظم جهان تاریخی نیست بلکه در یک متن تاریخی فرهنگی پدید آمده است و لوازم تاریخی و فرهنگی دارد که باید با آنها ملازم باشد پس آن لوازم را باید شناخت و پــســوی آنها رفت. این شناخت برای ما آسان نیست زیرا گرچه به جهان جدید مایل شده‌ایم، در آن ساکن نشده‌ایم.

در جهان‌های مختلف فهم‌ها متفاوتند و درک تفاوت میان فهم قدیم و جدید آسان نیست اما به‌طور کلی می‌توان گفت که شــرط درک و فهم امور، در شرایط کنونی جمع کلی و جزئی یا درج جزئی در کلی است. ولی چه کنیم که در مرحله پایانی تجدد با غلبه مطلق تکنیک، میان کلی و جزئی جدایی افتاده و تمیز میان آنها چندان دشوار شده است که کمتر به اطلاق قضایا بر موارد می‌اندیشند و مگر نمی‌بینیم که در مناطق توسعه‌یافته و در حال توسعه رسوم و دستورالعمل‌های جاری در جهان توسعه‌یافته بی‌چون و چرا اجرا می‌شود.

یعنی احکامی را که مربوط به اوضاع و زمان و متعلق به کشورهای معین است و هرچند درصورت ظاهر کلیت دارند به اوضاع و موارد خاص مربوطند مطلق و کلی می‌گیرند و به این ترتیب کلی و جزئی را بسا هم خلط می‌کنند و با کلی تلقی کردن احکام تاریخی در امور جزئی در پی جهان توسعه‌یافته می‌روند. درست است که دانشگاه‌ها از حیث ماهیت با هم تفاوت ندارند اما تحقق این ماهیت همیشه در همه جا به یک نحو نیست و در دانشگاهی شرایط و امکان‌های خــصاص دارد و برنامه‌ها و وظایفش با توجه به این شرایط و امکان‌ها معین و مدون می‌شود. دانشمــند نباید در بند فایده علم باشد. در همه جا برنامه دانشــگاه و نظام آموزش و پژوهش باید با گردش چرخ زندگی و زمان تناسب داشته باشد.

اگر ژاپن و آمریکا نگران باشند که مبدا دانشگاه در بازار منحل شود ما که دانشگاهمان پیوندی با بازار ندارد چه وجهی دارد که در آن نگرانی سهم باشیم و مثلاًشعار بدهیم که علم کالای بازار سوداگری نیست. اکنون در همه جهان و بخصوص در کشورهای در حال توسعه پیوند میان فکر و زندگی، قول و فعل،

کلی و جزئی و گذشته و اکنون و آینده گسیخته است. جهان توسعه‌یافته با غرور و تکبر و با غفلت از تقدیری که برای علم و تفکر رقم می‌خورد در کار ساختن و تولید و انباشتن زرادخانه‌ها است. جهان در حال توسعه هم بی‌خبر از ناتوانی و فقر خود مدام حرف می‌زند و هرچه می‌تواند مصرف می‌کند و در هنگام حرمان از مصرف با حسرت روز را به شب می‌آورد. تفاوت میان جهان‌های توسعه‌یافته و در حال توسعه در نسبتشان با فرهنگ غربی که

آینده باشد (و این را با منحل شدن دانشگاه در بازار و نگاه سوداگرانه به علم نباید اشتباه کرد). دانشگاهی که به آموزش اکتفا کند یا به حکم شهرت و رسم مقرر در جهان توسعه‌یافته به پژوهش در مسائلی بپردازد که مسائل اینجا و اکنون نیست جایگاهی که شایسته نام دانشگاه باشد پیدا نمی‌کند.

البته دانشمندانی که در مرز علم، پژوهش می‌کنند آزادند که در هر چه می‌خواهد پژوهش کنند. آنان بی‌مدد فرهنگ به آنجا نرسیده‌اند اما همه پژوهشگران

نوشتاری از دکتر رضا داوری اردکانی-۳-

## «علم» را بازاری نکنیم



فرهنگ کل جهان شده است و با علم و تکنولوژی است اما وجه مشترکشان این است که در هیچیک از این دو منطقه فرهنگی چشم‌انداز آینده روشن نیست. یعنی جهان توسعه‌یافته دیگر غایات دور ندارد و غایت بخش توسعه‌یافته نیز رسیدن به مرحله‌ای از توسعه است. اگر اروپا از ابتدا کم و بیش به نسبت میان علم و فرهنگ توجه داشته است و هنوز هم تا حدودی دارد (در اینجا فرهنگ به معنی آداب و عادات و رسوم نیست بلکه نیروی طلب و دانایی لازم برای جستجوی حقیقت و نزدیک شدن به کمال انسانی است)، آسیای‌ها و آفریقایی‌ها فکر می‌کنند خــود صاحب فرهنگند و تنها به علم و تکنولوژی غرب نیاز دارند.

اینها دانشگاه را مستقل از فرهنگش می‌خواهند و گاهی می‌گویند آن را باید براساس فرهنگ خودمان استوار کنیم. اگر این سخن را از روی تأمل گفته باشند، در راهی قرار می‌گیرند که با توجه به فرهنگ خاص دانشگاه در جهان متجدد غربی می‌توانند فرهنگ را نیز پــســتوانه علم و تحقیق قرار دهند. دانشگاه در هر جا که هست نباید بی‌پناه و غریب باشد و در مناطق توسعه‌یافته و در حال توسعه درخش که ریشه در زمین نداشته باشد پژمرده می‌شود. در نسبت با فرهنگ است که هر علمی در جای خود می‌نشیند و مردمان از آن بهره می‌برند. علم جدید در جهان در حال توسعه نسبتی با فرهنگ ندارد و دانشمندان و اهل نظر در این جهان هم نگران این نسبت نبوده و به آن نیندیشیده‌اند.

اما به نظر می‌رسد که این وضع نمی‌تواند دوام داشته باشد زیرا علم بی‌فرهنگ نه علم پیش‌بینی آینده و علم قدرت است، این علم از حد اکنون نمی‌تواند بگذرد و به آینده تعلق پیدا نمی‌کند. دانشگاه اگر نگران علم و آینده آن است باید نگران فرهنگ و زندگی

فرهنگ و اعتقادات ارتباطی ندارند. البته کوشش‌هایی شده است و هم‌اکنون نیز می‌شود که این پیوند برقرار شود و خدا کند که مؤثر و کارساز باشد. اینها که گفتیم نه عیب‌جویی بلکه تذکری از سر درد و دردمندی است به امید فراهم شدن مقدمات نیل دانشگاه به جایگاه شایسته‌اش. دانشگاه باید چشم‌انداز آینده را بیابد و راه رسیدن به آن را نشان دهد.

مگوییبد علم جهانی است و ما هم همان کاری را می‌کنیم که دانشمندان و عقلای جهان می‌کنند. پیروی از عقلای جهان خوب است اما چرا ما نکوشیم که خود در عداد عقلای جهان باشیم. خردمندان و عاقلان آنانند که می‌دانند در هر وقت و هر جا چه باید بکنند و البته به خرد دیگران هم احترام می‌گذارند.

یکی از اشتباهاتی که در کار دانشگاه ما رخ داده است اشتباه میان علم و سیاست علمی است یعنی سیاست علم را هم مثل علم جهانی انگاشته‌اند درست است که علم جهانی است اما سیاست علم جهانی نیست بلکه دانشگاه و بازار را باید معین کند که چگونه می‌توان مسیر علم و پژوهش را با تاریخ و امکان‌های تاریخی و روحی آنجا هماهنگ کرد. آموزش و پژوهش وظیفه هر دانشگاهی است اما آموزش باید مدام تازه شود. پژوهش هم به علم جان ببخشد. نوشتن مقاله خوب است و فضیلت دارد، ولی وقتی مقاله را برای ادای وظیفه اداری و موفقیّت در مسابقه مرتبه و مقام علمی می‌نویسند، شاید مقاله‌نویسی قدر شایسته خود را از دست بدهد و کار به جایی برسد که مقاله را از بازار بخرند و صرف گرفتن مدرک تحصیلی و ارتقاء مرتبه دانشگاهی کنند. پس اگر گفته شد که دانشگاه جایی نیست که در

آن فقط درس بخوانند و مقاله بنویسند مراد انکار لزوم و اهمیت آموزش و مقاله نوشتن نیست بلکه تأکیدی است بر اینکه پژوهش باید زنده باشد و با تعلق خاطر به علم برای حل مسائلی که علم کشور با آنها مواجه است، صورت گیرد. اگر مقاله‌هایی که نوشته می‌شود ارتباطی با صنعت و کشاورزی و مدیریت و آموزش و اخلاق و روح و جان و رفتار مردم کشور نداشته باشند و صرفاً به درد بالا بردن آمار و ارتقاء شغلی و دانشگاهی بخورد، مایه پیشرفت علم نمی‌شود. ما باید از دانشگاه مقاله‌نویس بگذریم و به دانشگاه مسئله‌اندیش برسیم به در این صورت صاحب مقالات بهتری می‌خواهیم بود. تکرار کنیم که حساب کسانی که در مرزهای علم پژوهش می‌کنند جداســت و آنها را نمی‌توان تابع برنامه علم کشور کرد. در کشور ما هم دانشمندان ممتاز وجود دارند ولی آن اندازه که ما در دانشمندی پیشرفت کرده‌ایم در دانش پیشرفت‌ناشناهیم.

تکرار می‌کنم علم را بازاری نکنیم اما آن را از زندگی هم جدا نینگاریم بلکه بیندیشیم که بهترین راه ارتباط علم و زندگی در شرایط کنونی چیست؟ شاید این مهم رایج سازمانی را جز دانشگاه نتواند به عهده گیرد و انجام دهد. دانشگاه محل تامل، تفکر و تحقیق در عین پاســداری از فرهنگ و دانش و پژوهش است و در این میان دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی وظیفه‌ای بزرگ برعهده دارند که متأسفانه بیشتر به صورت علم و علم و ادب صوری مشغولند.دیگران هم قدر علم را نمی‌شناسند و حق و وظیفه‌ای برایشان قائل نیستند و این نشانه رکود و سکون است. دانشگاه‌ها در غرب از دویست سال پیش تحول‌ها را از سر گذراندند و در دهه‌های اخیر سیرتحولشان ســرعت پیدا کرده است. ما هم باید دانشگاه‌های خود را با زمان هماهنگ کنیم و راه این هماهنگ کردن اینست که ببینیم نیازها و امکان‌های دانشگاه ما چیست؟ دانشگاه باید بتواند در مورد مسائل مورد نیاز زمان تحقیق کند و نوری در افق آینده زندگی بتاباند. اگر بگویند(و گفته‌اند) کسی که، آثار و آراء، ارسطو و ابن سینا و ملاصدرا و دکارت و کانت و هگل و هوسرل و هایدگر و جیمز و فوکو و... و تا حدودی با شعر و عرفان آشناست چگونه

می‌تواند به دانشگاه نگاهی پراگماتیست یا نزدیک به آن داشته باشد، این سوء تفاهم عجیبی است. شاید معترضان نمی‌دانند فلسفه چیست و پراگماتیسم چه می‌گوید و علم با فرهنگ و فلسفه چه نسبت دارد. من هرگز به دانشگاه نظر پراگماتیستی نداشته‌ام و اگر داشتم از مقام تاریخی آن و لزوم نسبتش با گذشته و مسئولیتش در قبال آینده نمی‌گفتم. مسئله، مسئله پراگماتیسم نیست بلکه ماهیت تاریخی علم و دانشگاه و آینده زندگی در میان است. رعایت مصلحت و تعیین جــای و وقت امور و کارها را با پراگماتیسم اشتباه نباید کرد. مصلحت اندیشی اگر در جای خود باشد نه فقط مذموم نیست بلکه ضروری و شرط عقل است و البته غفلت از گردش چرخ زمان را با یقین و اتقان اشتباه نباید کرد. اگر آموزگاران بزرگ بشــر در جایی که نظر به ساحت‌های الوالی وجود بشر داشته، مصلحت اندیشی را ناروا و بی وجه دانسته‌اند معنیش این نیست که همه در همه جا باید مصالح زندگی را فرو گذارند.

زندگی عادی و نظام معیشت عمومی را عقل مصلحت بین راه می‌برد و نگاه می‌دارد. پیداست که این عقل در راهی که به دین و هنر و فلسفه و بنیانگذاری تاریخ می‌رسد و البته در تشخیص غایات وجود بشر راهبر نمی‌تواند باشد اما وقتی به کار و بار موسسات و سازمان‌ها می‌اندیشیم چگونه شأن اثرگذاری و کارآموزی و کارسازی و سودمندیش را از نظر دور برداریم؟ و بالاخره از پراگماتیسم طوری حرف نزنیم که گویی فسادش مسلم و محرز شده است.

خلاصه کنیم علم جدید و دانشگاه شأن و مقامی در زندگی جدید دارند که آن را با مقام علم و مدرسه قدیم قیاس نباید کرد. دانشگاه امروز باید جان نقاد و چشمش باز مردمی باشد که راه توسعه اجتماعی، اقتصادی، تکنیکی را می‌پویند و اگر از عهده این کار برنآید از ادای رسالت و مأموریت خود بازمانده است. ما از نقد بسیار حرف می‌زنیم اما حتی روشنفکران وقتی از نقد می‌گویند مرادشان مخالفت و موافقت با این یا آن سیاست است یعنی به جای نقد، حکم ـ و البته حکم سیاسی ـ می‌کنند.

اینجا نقد علم و عمل و فرهنگ و وضع اداری و اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی و آموزشی کشور به چیزی گرفته نمی‌شود و طالب و خریدار ندارد و اشتغال خاطر به سیاست و صدور حکم سیاسی کمتر مجال تامل و تحقق در اینکه جهان به کجا می‌رود و کشور چه گرفتاری‌هایی داردو با آنها چه می‌تواند بکند و آینده‌اش چه می‌شود باقی می‌گذارد.

اکنون هیچکس به درستی نمی‌داند که این جهان دارد به کجا می‌رود و چه برسر سر آن می‌آید آنچه می‌دانیم این است که آدمی به قدرتی دست یافته است که می‌تواند جهان موجود را در زمان اندک بسوزاند و نابود کند و متأسفانه نمی‌دانیم این قدرت بشری در دست کیست. مع هذا باید امیدوار بود که هنوز خردک خردی مانده باشد و خدای مهربان این بلا و مصیبت بزرگ که جهان قدرتمند اما بی‌اختیار را تهدید می‌کند، بگرداند. دانشگاه هم با این امید باید به آینده نظر داشته باشد و چراغی در راه توسعه کشور بدارد.

البته اگر بشر کنونی می‌توانست از راه توسعه منصرف شود،دانشگاه هم شأن دیگری پیدا می‌کرد. اما دانشگاه کنونی هرچند که کارگزار توسعه نیست باید راهنما و ناظر دلسوزش باشد. علم تکنولوژیک علم خاصی است که ما کمتر به ماهیت آن فکر کرده‌ایم. این علم هم جایگاه و حریم الوالی علم آزاد و از سودای سود را می‌خواهد و هم با کارسازی ملازمه دارد. دانشگاه به مدد فرهنگ می‌تواند و باید این دو میل و کشش مخالف را تا حد ممکن سازگار و هماهنگ سازد.

پایان

چهارشنبه یکم آذر ۱۳۹۶
سال نودودوم
– شماره ۲۶۸۷۳

*اخباریات*

لوح/کریم فیضی

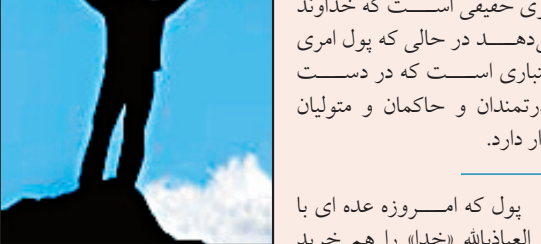
در کوچه باغ اندیشه – ۶۰

## دست تسلیم روی دست تقدیر

انسانها در هیچ چیزی و در هیچ حکمی به اندازه «حکم رفتن» اشــتراک و تساوی ندارند. رفتن تنها امری است که انسانها را از همه جهات به هم پیوند می‌دهد.

ما در زندگی ستاره‌ها حضور نداریم ولی ستاره‌ها در زندگی ما حضوری تمام دارند با طلوع و درخشش و خم شدنشان به طرف زندگی ما.

پول را اگر بتوان – به‌سختی – جزو ثروتها به شمار آورد، بدون شک جزو نعمتها نیست. نعمت امری حقیقی است که بخواند می‌دهد در حالی که پول امری اعتباری است که در دست قدرتمندان و حاکمان و متولیان قرار دارد.



پول که امروزه عده ای با آن العیاذبالله «خدا» را هم خرید و فروش می‌کنند و خدا را هم می‌خرند و می‌فروشند، اساساً مخلوق انسانهاست نه خدا. خدا در بین مخلوقاتش موجودی به نام پول نیافریده است.

عاشقی مرد و معشوقی بر او نماز گذارد و گفت: از او خوبی ندیدیم؛ این وصف حال سیاست در روزگار ماست.

اگر کسی بجای طول جاده طبیعت، عرض آن را طی کند، به ماورا طبیعت می‌رسد و چنین است سخن درباب زندگی و مرگ.

اگر کسی طول زندگی را رها کند و از عرض جاده حیات عبور کند، چیزی بسـه نام «مرگ» را احساس نخواهد کرد.

قدر مسلم این است که هر کس درباب معارف و حتی عقلیات حرفی زده، رنگ خودش را روی این دو گوهر جوهری افزوده است. تفکیک این جواهر از آن عوارض بسیار سخت است.

در فرهنگی کــه بی خبر از جوهر، عرض را مقدس می‌شمارد، تراشیدن رنگ و دست کشیدن و چشم دوختن بر حقیقت مستور، دشوارترین کار عالم است.

آنکه اسلحه بردارد عارف نیست. اسلحه عارف توحید است و تسلیم.

اهل قدرت ظاهری با اسلحه و شمشیرشان در مشیت تصرف می‌کنند در حالی که اهل قدرت باطنیه دست روی دست می‌گذارند تا این نیز بگذرد، دست تسلیم روی دست تقدیر.

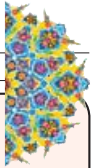
مـلّاک توحید و معرفت در خود مستور شدن است. آنکه مستور نیست، جهانگیر است نه جهاندار.

وقتی شهر می‌رود و شهروند زودتر از او، چه اعتبار است به شهردار؟

### فرهنگی

ویژه فرهنگ‌تاریخ وتمدن ایران وجهان ۳۳۴





روایت



شبی شاپور و عسکر نبودند و من به تنهایی هوس خیابان گردی کردم. خسود را به دیوار جنوبی کالج رساندم، سر این دیوار تیز بود، آن بالا جای درنگ نبود، و باید به چُستی پایین پرید. من بر فراز دیوار حس کردم زیر پایم شلوغ است، ولی دیگر کار از کار گذشته بود. به محض تماس با زمین، ضربه‌ای به سرم وارد آمد، سپس مثنی به شکم و ضربه‌های پی‌درپی به تمام پیکر. دیگر چیزی نفهمیدم. وقتی به خود آمدم در اتوموبیل پلیس بودم. از سر و روی من و زنی در کنارم خون می‌آمد. ما را به کلانتری بردند و بازجویی شروع شد. من چیزی نداشتم بگویم، جز این که شاگرد شبانه‌روزی‌ام و قاجاقی از دیوار کالج پایین پریدم به سینما بروم، ولی پایم به زمین نرسیده ضربه خوردم و از حال رفتم. زن گفت سه سرباز هندی او را به زور از خیابان به داخل کوچه کشیدند و قصد تجاوز به او داشتند، اما او دست و پایم زد که ناگهان فرشته نجاتی از آسمان فرود آمد و با دست مرا نشان داد و مانع عمل آن‌ها شد. (سربازان هندی اشغالگر آن زمان را شاه‌رخ مسکوب چنین توصیف کرده است: «سربازهای چرب هندی که مثل خودمان هم آلت فعل دیگران بودند هم گرفتار فعل خود»، خواب و خاموشی، لندن، ۱۹۹۴، ص ۵۷).

سربازها گریختند و پاسبان‌ها سر رسیدند. سال‌های جنگ جهانی دوم بود و سربازان اشغالگر انگلیسی و هندی و بعداً آمریکایی در خیابان‌های شهر ولو بودند، اما روس‌ها شب‌ها به ندرت در ملاعام دیده می‌شدند. به رغم توضیحات زن، «فرشته نجات» را آن شب در کلانتری نگه داشتند و صبح روز بعد خدمت آقای دکتر مجتهدی بردند. توبیخ و گوشمال شدید بود و بعد مقرر شد یک هفته در شبانه‌روزی بازداشت شوم. روز دوم دیگر طاقت نیاوردم. عسکر و شاپور را قانع کردم که تهران به درد من نمی‌خورد. وسایل ضروری‌ام را در کیف دستی کوچکی جا دادم و نیمه شب در تاریکی، درازای میدان فوتبال را پی‌میدیم، پای «دیوار ندبه» که رسیدیم، آن دو زیر بغلم را گرفتند و به آن سوی دیوار فرستادند، کیف‌دستی هم به دنبالم آمد. قرار شد بقیه بند و بساطم را دوستان بعداً با خود بیاورند. در تاریکی رهسپار خیابان ناصر خسرو و گاراژ قم شدم و صبح بعد دست از پا درازتر در اصفهان بودم.

بازگشت به اصفهان

به خانه که رسیدم دروغ‌هایی درباره برگشتم سرهم کردم. به این حرف‌ها نیازی نبود، پدرم مرتب می‌گفت «من از اول گفتم تهران جای تو نیست». مادرم از شادی در پوست نمی‌گنجید. از واکنش خانواده واهمه‌ای نداشتم. نگرانیم نام‌نویسی در مدرسه بود. یکی دو ماهی از سال تحصیلی می‌گذشت و اصفهان فقط یک رشته ادبی در سال ششم متوسطه داشت: دبیرستان صارمیه، که مدیرش آقای مهابادی مردی سخت‌گیر بود، و حتماً می‌خواست بداند من تا حالا کجا بوده‌ام و چه می‌کرده‌ام! کاشف به عمل آمد که مهابادی دوست خان‌دایی است و به زودی مشکلات برطرف شد و من به کلاس ادبی پیوستم.

اصرار من برای رفتن به رشته ادبی بدان سبب بود که آرزو داشتم - شاید به پیروی از خان‌دایی - روزی روزنامه‌نگار شوم. این هوس بی‌سابقه نبود. در سال‌های دبیرستان من و هفت هشت تن از دوستان روزهای جمعه به اطراف اصفهان و بیشه‌های کرانه زاینده‌رود «پیک‌نیک» می‌رفتیم. ابتدا اوقات‌مان

بیش‌تر به ورق‌بازی و شیطنت می‌گذشت. کم‌کم به فکر افتادیم قدری هم به معنویات بپردازیم. قرار شد «نشریه»‌ای هفتگی بیرون دهیم. نام نشریه‌مان را گذاشتیم «داستان دوستان»، سردبیری آن به عهده من گذاشته شد. دوستان هر هفته مقالات و مطالبی تهیه می‌کردند، من آن‌ها را در دفترچه‌ای باز می‌نوشتم و روز جمعه هرکس قطعه خود را برای دیگران می‌خواند. ده شماره از این نشریه در میان کاغذهایم

هنگام زنگ تفریح در حیاط مدرسه، کسی از پشت دستی به شانه‌ام زد. برگشتم، شاه‌رخ بود. بی‌مقدمه و بی‌رودربایستی گفت «این مهملات چیست روی کاغذ می‌آوری و نشخوارهای قلابی و بی‌ارزش رمانتیک‌های فرانسوی را به خورد معلم بی‌خبر و شاگردان کلاس می‌دهی. چرا به جای این‌ها کتاب حسابی نمی‌خوانی؟» من که نمی‌خواستم خود را از تک و تابندازم،

زندگی خودنوشت: دکتر حسیع کاشف - بخشی پهلانی

بازگشت به اصفهان



گفتم «مثلاً» گفت «بهت می‌گویم... اول به من بگو پول نقد چه قدر داری؟» با تعجب ولی صادقانه گفتم «پنج ریال». گفت «همین؟» «یک تومان هم در خانه دارم.» گفت «فردا همه را همراهت بیا.»

و رفت سراغ یکی از بچه‌های کلاس که پدرش مردی فاضل، مشهور و صاحب امتیاز و سردبیر مجله معروفی در اصفهان بود. حرف‌های آن‌ها را نشنیدم، ولی فردا با ۱۵ ریال وجه نقد آمدم. شاه‌رخ آن را گرفت و به پسرک داد و کتابی با خود آورد: تاریخ بیهقی، و به من گفت «تو پنج ریال دیگر بابت این کتاب به این آقا بدهکاری. هر وقت پول پیدا کردی به او بده.» این کتاب را من هنوز دارم، در نخستین صفحه‌ای مهر کتابخانه سردبیر نامدار به چشم می‌خورد.

عصر رفتیم منزل شاه‌رخ: سرچویشاه. مرا به مادر و دو خواهرش معرفی کرد و نشستیم به خواندن تاریخ بیهقی که معلوم بود شاه‌رخ با آن آشناست، چون اشکالات مرا به سادگی رفع و رجوع می‌کرد. سپس پول بیش‌تری به پسر ناخلف و دریافت سیاست‌نامه، شاهنامه، خمسه نظامی و امثالهم از کتابخانه ابوی. بعضی روزها هم می‌رفتیم خانه ما و آن‌جا سرگرم خواندن و درس و فحش می‌شدیم. و به این ترتیب ما شدیم دوست نزدیک.

مرگ مادر

چند ماه بعد مادرم که هنوز چهل ساله نشده بود درگذشت. از مادرم چندان حرفی ندارم بگویم، علتش آن است که به هنگام مرگ او بسیار جوان بودم و خاطرات کودکی‌ام از او تیره و مبهم است. یک تصویر او که هیچ‌گاه از ذهنم محو نمی‌شود منظره‌ای روزی است، در اوایل کشف حجاب بانوان، که پاسبانی در بازگشت مادرم از حمام محل، جلو او را گرفته چادر نمازش را از هم دریده بود. مادرم شرمگین و سرافکنده، بی‌حجاب همه راه را تا خانه دویده بود.

وقتی وارد شد چهره‌اش گل انداخته، موهایش

بر شانه ریخته بود. بی‌اختیار می‌لرزید و اشک می‌ریخت. گویی مرتکب گناهی نابخشودنی شده است. نمی‌دانم چرا من هم می‌گریستم و مدتی گذشت تا هر دو آرام گرفتیم. به هر حال، آن چه به یادمانده مادرم زنی مهربان، به‌راستی زیبا، خوش‌اندام و شیرین‌سخن بود. در میان هفت دختر میرزا فتح‌الله به چشم می‌آمد و همه جا و همه وقت مجلس آرای می‌کرد. حاج سیدعلی‌آقا عاشق و سرسپرده او بود، به ویژه که سه پسر و یک دختر مامانی برایش به دنیا آورده بود. (من در کودکی و جوانی بسیار به مادرم شباهت داشتم ولی هر چه پا به سن گذاشتم بیش‌تر شبیه پدرم شدم).

مادرم مبتلا به سرطان شده بود. البته ما بچه‌ها خبر نداشتم، ولی می‌دیدیم که این اواخر اغلب بستری است و گاه دور از چشم ما می‌نالد. ماه‌های آخر او را به خانه باباجان بردند. مادر بزرگ و چند خواهر سر خانه، از عهده پرستاری‌اش بهتر برمی‌آمدند. هر بامداد، پیش از رفتن به مدرسه با دو چرخه، سری به او می‌زدیم. زیر کرسی دراز کشیده بود. یک‌راست در بغل او جا می‌گرفتم. مدتی بوس و نوازش می‌کرد و روانه مدرسه می‌شدم. یک روز طبق معمول به سراغش رفتم و بی‌درنگ او را در آغوش کشیدم. سرد بود و از بوس و نوازش اثری نبود. چشم‌هایش بسته بود و تکان نمی‌خورد. فریاد زدم، و همه اهل خانه در اتاق گرد آمدند. مادرم جان سپرده بود. چند روز بعد، من و برادر کوچکم

مجید، در کنار پدر و دیگر خویشان نزدیک، در مسجد رحیم‌خان در صف صاحبان عزا ایستاده بودیم. صدای قاری‌ها زیر گنبد پیچیده بود، و مردم دسته‌دسته می‌آمدند و می‌رفتند. بهتم زده بود، انگار هنوز نمی‌فهمیدم چه اتفاق افتاده است. ناگهان صفی دراز از شاگردان کلاس شش متوسطه دبیرستان صارمیه، دویده، شاه‌رخ و علی‌میراد در جلو، وارد صحن مسجد شد و من بی‌اختیار زار زدم.

پس از رفتن مادر، محیط خانه ما دگرگون شد. پدر از امور خانه و خانواده کاملاً بی‌اطلاع بود. دو برادر و خواهر کوچک‌ترم هنوز به سرپرستی نیاز داشتند. پدرم نسبتاً جوان بود، و با آن همه تقوا و پرهیزگاری، نمی‌توانست مجرد به سر برد. زمزمه‌ها و نام‌نمزدانی از نزدیکان جسته گریخته شنیده می‌شد که هیچ‌کدام‌شان طبعاً جای مادر را نمی‌گرفتند.

این روزها رفت و آمد من به خانه شاه‌رخ خیلی بیش‌تر شده بود. مادر و دو خواهر مهربان او بی‌اندازه محبت می‌کردند و دل‌داری‌ام می‌دادند. پدر شاه‌رخ دو سال پیش درگذشته بود. با این خانواده چنان اخت شده بودم که در عالم نوجوانی پیش خود فکر می‌کردم چه خوب می‌شد اگر مادر شاه‌رخ و پدر من با هم وصلت می‌کردند، خواهر من به نامزدی شاه‌رخ درمی‌آمد و دو خواهر شاه‌رخ به نامزدی من و برادرم! خیال‌پردازی‌ام را روزی با شاه‌رخ در میان گذاشتم. پس از اندکی تأمل گفت هیچ فکرش را کرده‌ای که من و تو چه نسبت‌هایی با هم پیدا می‌کنیم. ضمناً این می‌شود زنا‌ی با محارم به توان هشت! معامله سر نگرفت. پدر من با دختر نوجوان یکی از خویشان ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر تازه شد.

در سال ششم ادبی به تشویق و راهنمایی شاه‌رخ، به خواندن کتاب‌های جدی پرداختم. هر چه به دست می‌آوردم می‌خواندم. کتابخانه دایی جان منبع بی‌کرانی بود. نخستین ترجمه خود را در همین روزها انجام دادم. دایی کتابی دریافت کرده بود حاوی مقالاتی که در دوران جنگ، نخست وزیران اروپایی تبعیدی در لندن درباره آینده کشورشان پس از جنگ نوشته بودند. این کتاب کوچک را به پیشنهاد او به تدریج ترجمه کردم و دایی جان آن را در روزنامه‌اش به چاپ رساند. امتحان دیپلم ادبی به راحتی برگزار شد.





استاد و پیشکسوت ما مسعودخان هدایت هم در دهم مهرماه ۱۳۹۶ در نود و هفت سالگی در تهران آهسته و آرام این دنیای پرشور و شور و بی‌وفا را وداع گفت. او از ارکان عدلیه، سال‌ها «معاون ثابت» وزارت دادگستری، بزرگ خاندان هدایت و متولی

او دوست آقا جمال اخوی (وزیر دادگستری و از اعضای موثر خیریه شمال شرق تهران و پرورشگاه مرتبط با آن) بود که پدر من نیز عضو آن بود. من او را دو سه بار همراه آقا جمال اخوی و مخبر هنرمند و عیسی تاجبخش دیدم. در ۱۳۵۱ که به عنوان جوان‌ترین داوطلب پس از کنکور قضاوت در جلسه اختبار شرکت کردم. این هدایت بود که سالیان دراز ریاست آن کمیسیون را

## به یاد مسعود هدایت



نشسته از چپ: مسعود هدایت، دکتر محمدرضا جلالی نائینی، یحیی صادق وزیری، مهندس کریم معتمدی، فضل‌الله کاسمی، سید حسن امین، هادی توفیقی، حسن رهبر، دکتر سیفالله وحیدنیا، احمد ناظمی، رضا سجادی (از این دوره فقط کریم معتمدی و حسن امین در قید حیات‌اند)

بخشی از موقوفات مخبرالدوله هدایت از جمله مسجد هدایت در خیابان اسلامبول بود.

راست می‌گویم که:

گفت یکی خواجه [هدایت] بمرد

مرگ چنین خواجه نه کاری‌ست خرد خاندان هدایت که مسعود خان در دو سه دهه اخیر، بزرگ این خاندان بزرگ بود، به این کشور چهره‌های درخشانی ارمغان کرده است. بعضی مثل مخبرالدوله و مخبرالسلطنه، صدراعظم، نخست‌وزیر و سیاستمدار بوده‌اند. بعضی مثل صادق هدایت (نویسنده بوف کور...) و رضاقلی خان هدایت (مولف مجمع الفصحا و ریاض العارفین و...) اهل قلم و فرهنگ بوده‌اند. بعضی هم امیر ارتش بودند مثل ارتشبد عبدالله هدایت و سرلشکر عیسی هدایت، بعضی هم از مفاخر و ارکان عدلیه بودند مثل تیرالملک (رئیس دیوان عالی کشور)، محمود هدایت و مسعود هدایت.

مسعود هدایت یکی از محبوبترین چهره‌های وزارت دادگستری در طول تاریخ عدلیه نوین ایران از زمان علی اکبر داور تا زمان بازنشستگی‌اش در مرداد ۱۳۵۸ بود. او در ۱۵ اسفند ۱۲۹۹ متولد شد. به دلیل ماموریت‌های قضایی و اداری پدرش، بخشی از تحصیلات ابتدایی‌اش را در مشهد و بخشی از تحصیلات متوسطه‌اش را در شیراز گذراند.

پس از اخذ لیسانس حقوق از دانشگاه تهران و انجام خدمت سربازی با رتبه قضایی وارد کادر مدیریت وزارت دادگستری شد. در سال ۱۳۲۶ رئیس اداره کل دفتر وزارت دادگستری، در ۱۳۳۰ رئیس اداره دفتر دیوان عالی کشور، در ۱۳۳۶ مدیر کل اداری وزارت دادگستری بود.

هدایت از ۱۳۳۷ پس از تصویب «قانون معاونین ثابت وزارتخانه‌ها» به سمت معاون ثابت وزارت دادگستری به خدمت پرداخت. وی هم‌زمان رتبه‌های قضایی خود را نیز حفظ کرد و از سال ۱۳۳۸ با پایه ۱۱ قضایی سمت مستشار دیوان عالی کشور را داشت.

من مسعود هدایت را از سال ۱۳۴۵ یعنی در دست از پنجاه سال پیش می‌شناختم.

امام جماعت مسجد صالح نمی‌دانم. اما اگر که برای حضرات مسئول امنیت، امامت مسجد موقوفه خانوادگی ما این قدر حساس است، تنها کاری که می‌توانم بکنم این است که خودم از تولیت مسجد استعفا بدهم تا بدون درگیر شدن من با پیشنهاد و نمازگزاران، هر اقدامی را که به صلاح مسجد و نمازگزاران و مصالح ملک و ملت می‌دانید، خودتان اقدام کنید. با این فرمول مرحوم هدایت خود را از این مشکل رها کنید. از تولیت، استعفا کرد. سازمان اوقاف تهران، در نبود متولی، تصدی و اداره مسجد را به عهده گرفت و مدتی مسجد را نیمه تعطیل کرد. هرچند پس از مدتی، مرحوم استاد محمدتقی شریعتی آنجا کلاس تفسیر قرآن گذاشت.

۲- ما با مسعود هدایت سه «دوره» داشتیم که به نوبت هریک از اعضا ماهی یکبار میزبان ما می‌شدند. روزی در دوره ماهانه که با قضات قدیمی دادگستری داشتیم، صحبت از سوابق خاندان هدایت شد. یکی از حاضران (شاید استاد حسین شهسورانی معاون وزارت دادگستری بعد از انقلاب که اکنون مقیم مازندران است و خداهش در سن بالای نود به سلامت دارد) به اعتبار کتابی راجع به تاریخ ادبیات مازندران این شعر را که در حق رضا قلی خان هدایت سروده شده بود، خواند.

تا که شعر ایجاد شد، آمد دو شاعر در وجود

امروالقیس از عرب، خان هدایت از عجم در آن جلسه علاوه بر بنده که از جوانی به خلاف مقتضای تحصیلات حقوق و فلسفه، ارتکاب شعر هم می‌کنم، مرحومان دکتر علی صدارت (قاضی سابق دیوان عالی کشور) و ادیب برومند (وکیل دادگستری و رئیس شورای مرکزی جبهه ملی) هم حضور داشتند. آن دو شاعر از این داوری، بسیار ناراحت شدند و از من خواستند که به دفاع بپردازم. گفتم: عیبی ندارد. وقتی که حافظ و سعدی و فردوسی و مولانا به حساب نیامده‌اند، دیگر بقیه شعرا تکلیفشان معین است.

۳- مسعود هدایت، کهنه قباله وزارت عدلیه بود. بنده و دیگران مدت‌ها از این شخصیت بزرگ با آن همه خاطرات درخواست می‌کردیم که آنها را بنویسند و به دست چاپ بسپارند. ایشان به این کار علاقه‌ای نشان نمی‌دادند. با این همه بخشی از خاطرات ایشان در مجله حافظ چاپ شده است. گاهی با نام مستعار، چه علاقه‌ای نداشتند که به قول خودشان با خیل منتقدان قلم به دست، «دهن به دهن» شوند. این بود که یکبار، ایشان به دفتر مجله آمدند و مطلبی راجع به ارتشبد هدایت به من دادند که من برای حفظ امانت آن را با نام دیگری که نام خود ایشان را مقدم و موخر می‌داشت، یعنی «هادی سعادت» (به جای مسعود هدایت) چاپ کردم.

در گذشت این بزرگ بی سروصدا با یک مجلس یادبود خصوصی در خانه‌اش برگزار شد که به دعوت تنها فرزندش پریسا هدایت که از آن سوی آب‌ها برای مراسم پدرش به تهران آمده بود، همگی اعضای خاندان بزرگ هدایت در آن شرکت داشتند. گمان کنم تنها دو نفر خارج از فامیل در این جمع بودند. یکی مهندس کریم معتمدی (وزیر اسبق پست و تلگراف در کابینه‌های هویدا، آموزگار، شریف امامی و ازهارری) و دیگری بنده حقیر.

به هدایت زده‌ای طعنه که [صوفی] شده‌ای همه را پیرمغان، کاش هدایت می‌کرد

### «درباغ معنا» / شکوفه رحیم زاده-۵

## گل بابونه

درخت نارنج آرام یا خود زمزمه کرد: «گنجشک قهوه‌ای، می‌خواستم بگویم این اتفاقات ملال‌آور نیستند. من در یک‌جا ساکنم و تو همیشه در پرواز. فرق من و تو در این است که من صبورانه به همه چیز پیروانم می‌نگرم و متوجه همه این تفاوت‌ها می‌شوم و تو با شتاب پرواز می‌کنی و به هیچ چیز توجهی نداری، تو حتی نمی‌بینی که خودت چقدر هر روز بزرگ و بزرگ‌تر می‌شوی و رنگ پرهایت قهوه‌ای‌تر می‌شود. تو حتی از پروازت هم لذت نمی‌بری».

✱

در یک باغچه کوچک ولی مرتب و آراسته، دو بوته گل رز در میان چمن‌های تازه کوتاه شده با فاصله کمی از یکدیگر کاشته شده بودند. یکی با برگ‌های سبز روشن که پر از گل‌های سپید و غنچه‌های فراوان بود که هر روز دانه‌دانه می‌شکفتند و با سپیدی درخشان‌شان بوته را زینت می‌دادند و دیگری اما با برگ‌های سبز تیره، صاحب گل‌های سرخ رنگی بود که مغرورانه بر روی شاخه‌های صاف و بلندشان نشسته و به باغچه، جلوه خاصی بخشیده بودند.

باغبان هر روز به آنها سر می‌زد. گلبرگ‌های خشکیده را از روی بوته‌هایشان می‌چید، شاخه‌های خمیده و کج را هرس می‌کرد و با آبیاش، غبار را از رویشان می‌سُرد. سپس در مقابلشان می‌ایستاد و با لذت و شغف به آنها می‌نگریست که در میان چمن‌های سبز باغچه مانند دو نگین مروراید و یا قوت می‌درخشیدند.

زنبرهای کوچک طلایی هم هر روز به آنها سر می‌زدند و خود را در میان گلبرگ‌های لطیف سپید و سرخشان پنهان کرده و از گرده‌های زرد رنگ آنها تحفه‌ای با خود به کندوهایی که در کنار باغچه قرار داشت می‌بردند. پروانه‌های قهوه‌ای و زرد و سنجاقل‌های سبز و آبی ساعت‌ها از روی این بوته به روی آن بوته می‌پریدند و شادمانه به بازی می‌پرداختند. در این میان، یک پروانه کوچک آبی هم گاهی به آنها سر می‌زد. هر چند از زیبایی آنها لذت می‌برد، اما همیشه احساس می‌کرد که بوته‌های گل رز با همه زیبایی‌شان چیزی کم دارند. آراستگی، درخشندگی رنگ‌ها و طراوت و تازگی آنها کامل بود، اما در این میان چیزی کم بود که پروانه کوچک آبی نمی‌دانست آن چه چیزی است.

✱✱✱

یک روز صبح زود که پروانه کوچک آبی به طرف بوته گل سرخ پرواز می‌کرد، چشمش به گیاه کوچک و نحیف افتاد که به دور از چشم باغبان در زیر بوته گل سرخ سر از خاک بیرون آورده بود و با برگ‌های دندانه‌دارش به باغچه سُرک می‌کشید. در میان آن برگ‌ها غنچه‌ای قرار داشت که نوک آنها به سپیدی می‌زد. پروانه کوچک آبی با کنجکاوی بر روی غنچه نورس نشست. عطر ملایمی که از آن می‌تراوید، چقدر برایش آشنا می‌آمد؛ بوی عطر آشنایی که پروانه کوچک نمی‌توانست به خاطر بیاورد آن را قبلاً کجا احساس کرده بود، اما از بوییدن آن احساس خوب و لذت بخشی به او دست می‌داد. وجودش از آن بوی خوش، سرشار از نشاط شد و از شادی خاطره‌ای گنگ به خود لرزید. پروانه کوچک آبی آرزو می‌کرد که باغبان متوجه آن گیاه نشود، مبادا که آن را از ریشه در آورد، و تمام روز را منتظر ماند تا غنچه‌اش بشکفت، اما آن روز غنچه کوچک نشکفت.

روز بعد، قبل از طلوع خورشید، پروانه کوچک آبی با شتاب خود را به گیاه رساند. اینکه به جای آن غنچه، گلی سپید و کوچک که زردی وسط آن مثل خورشید می‌درخشید، خودنمایی می‌کرد؛ یک گل بابونه که صورت طلایی‌اش را به آفتاب سپرده و به دور از چشم باغبان در باغچه متولد شده بود. پروانه کوچک آبی، عطر تندی را که از گل بابونه می‌تراوید، با تمام وجودش بلعید. ناگهان به خاطر آورد؛ همه چیز را به خاطر آورد... بوی گل بابونه، و جنگ و دشت و کوهستان را یک جا با خود داشت؛ بوی بکر طبیعت را؛ عطری که رُزهای آراسته باغ از آن بی‌بهره بودند. پروانه کوچک آبی تازه متوجه شد که چرا همیشه حس می‌کرد این دو بوته با وجود زیبایی و آراستگی‌شان چیزی کم دارند.

کوه

ماشین بزرگ، غُرش‌کنان، سینه کوه را می‌درید و پیش می‌رفت. آدم‌ها می‌خواستند جاده‌ای در میان کوه بسازند و دهکده کوچک زیبا و آرامی را که تقریباً نزدیک قله آرمیده بود، به شهری که پایین کوه قرار داشت، متصل کنند تا راحت‌تر بتوانند تابستان داغ را در خنکای دهکده کوهستانی سپری کنند. کوه زخمی ناله می‌کرد. در مقابل دیدگانش درختچه‌های زرشک وحشی و درختان بادام کوهی که همدم سال‌ها و هم‌صحبت روزها و شب‌هایش بودند، با چنگال‌های تیز و غُرش مهیب ماشین جاده‌سازی از ریشه کنده شده و سنگ‌های ریز و درشت به همراه انبوهی از گیاهان وحشی به درون دره پرتاب می‌شدند.



### امروز در تاریخ

### ز لاله شهر تاریخی نشانوار او بران کرد

۲۲ نوامبر سال ۱۲۶۷ میلادی یک زمین لرزه شدید، شهر تاریخی نیشابور خراسان را ویران کرد و هزاران تن را مقتول و مجروح ساخت. این شهر سه سال بعد به هزینه دولت وقت تجدید بنا شد. نیشابور که در جهان به شهر «عمر خیام» معروف است در دوران ساسانیان به صورت شهری بزرگ در آمد و یک بار هم پایتخت ایران شد. این شهر در ردیف بلخ، بخارا، هرات، سمرقند و مرو یکی از شهرهای باستان، خراسان بزرگت ششمار می رود.

## آغاز یا پایان ماه‌های توفانی

یکم آذر ماه سال ۱۲۸۸ هجری در پی فروکش کردن توفان سیاسی پنج ماهه «عبدالملک» بزرگ وقت ایل معول تبار قاجار به عنوان نایب السلطنه ایران در مجلس سوگند وفاداری به قانون اساسی یاد کرد. وی از ۲۶ تیر ماه به تصمیم شورای عالی مشروطیت ایران نایب السلطنه شاه خردسال شده بود. این شورا همان روز محمدعلی شاه را به اتهام نقض سوگند وفاداری به قانون اساسی، بی اعتنایی به مشروطیت و نیز پناهنده شدن به سفارتخانه بیگانه در خاک وطن خود، از پادشاهی برکنار و پسر ۱۳ ساله اش را به عنوان سلطان احمدشاه به جای او انتخاب و برادر ۹ ساله وی را هم ولیعهد قرار داده بود.

## «جک لندن» و نقد مشکل جامعه

«جک لندن» نویسنده و روزنامه‌نگار سوسیالیست آمریکایی که ۱۲ ژانویه ۱۸۷۶ میلادی در سانفرانسیسکو به دنیا آمده بود ۲۲ نوامبر (یکم آذرماه) در سال ۱۹۱۶ و در ۴۰ سالگی از بیماری کلیه درگذشت. از وی ۵۰ کتاب و عدداً زیادی داستان و داستان کوتاه و ده‌ها رساله به جای مانده است. داستان‌های جک لندن آکنده از انتقادهای اجتماعی هستند که در هر کدام کوشیده است یک مشکل جامعه را نقد کند. بر ضد استثمار و جوامع طبقاتی نوشته، داستان‌های فئران و ستمدیدگان شده و راه‌پیشه‌کنی، علل فقر را به دست داده است.

## حملات نظامی ژاين به چين

ارتش ژاپن که به قصد تصرف شمال شرقی چین و جنوب شرقی سیبری روسیه از مرز کره گذشته و وارد چین شده بود ۲۱ نوامبر سال ۱۸۹۴ بندر لوشونکو را که غربی همان را پورت آرتور می نامند، تصرف و شصت هزار سکنه اش را قتل عام کرد. ژاپنی ها تنها ۳۶ نفر از جمعیت این شهر بندری را باقی گذارده بودند تا اسلحه ها را بکنند.

## سوڊوڪو

|   |   |   |   |  |   |   |   |   |
|---|---|---|---|--|---|---|---|---|
|   |   | 1 |   |  |   | 7 | 3 |   |
| 7 | 3 |   |   |  |   |   | 9 |   |
|   |   |   |   |  | 6 | 4 |   | 1 |
|   | 4 | 8 |   |  | 2 |   |   |   |
|   | 2 |   | 1 |  | 3 |   | 6 |   |
|   |   |   | 8 |  |   | 1 | 4 |   |
| 3 |   | 4 | 9 |  |   |   |   |   |
|   | 7 |   |   |  |   |   | 5 | 9 |
|   | 5 | 9 |   |  |   | 8 |   |   |

|   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۴ | ۳ | ۶ | ۹ | ۵ | ۸ | ۷ | ۱ | ۲ |
| ۷ | ۱ | ۲ | ۴ | ۳ | ۶ | ۹ | ۵ | ۸ |
| ۹ | ۵ | ۸ | ۷ | ۱ | ۲ | ۴ | ۳ | ۶ |
| ۶ | ۴ | ۳ | ۸ | ۲ | ۹ | ۵ | ۷ | ۱ |
| ۵ | ۹ | ۷ | ۶ | ۴ | ۱ | ۸ | ۲ | ۳ |
| ۸ | ۲ | ۱ | ۳ | ۷ | ۵ | ۶ | ۴ | ۹ |
| ۱ | ۶ | ۴ | ۵ | ۸ | ۳ | ۲ | ۹ | ۷ |
| ۳ | ۷ | ۹ | ۲ | ۶ | ۴ | ۱ | ۸ | ۵ |
| ۲ | ۸ | ۵ | ۱ | ۹ | ۷ | ۳ | ۶ | ۴ |

حل ۲۰۵۷

امروز



ارائه خدمات درمانی مصدومان زلزله در بیمارستان صحرایی سرپل ذهاب / عکس از: احمد معینی جم

## سرایه

آنسی تو که در صومعه مستم داری  
در کعبه نشسته بت پرستم داری  
بر نیک و بد تو مرا دستی نیست  
در دست تو ام تا به چه دستم داری

مولوی

پندبزرگان

- زندگی را هر گونه که نگاه می کنی زیباست.

یوهان ولفگانگ فون گوته

- فقیر برای سیر کردن شکمش در عذاب است و ثروتمند برای معالجه ناراحتی.

بنجامین فرانکلین

جدول شرح در متن ۴۵۷۱

[illegible]

چهل سال پیش...

روز سه شنبه یکم آذرماه ۱۳۵۶ برابر با عید قربان (۱۰ ذیحجه ۱۳۹۷)  
تعطیل بود و روزنامه اطلاعات منتشر نشد.

## چاقی و درمان های غیر علمی

اولین روش موثر در درمان چاقی به گفته پزشکان، اصلاح سبک زندگی شامل رعایت رژیم غذایی سالم و انجام فعالیت بدنی است اما برخی بیماران چاق ممکن است با این روش ها درمان نشده یا با بازگشت وزن اولیه مواجه شوند؛ این مساله سبب داغ شدن بازار درمان های غیر علمي شده است.

به گزارش ایرنا و به گفته پزشکان، چاقی عوارض زیادی دارد و بر کیفیت زندگی تاثیر مستقیم می‌گذارد؛ آرتروز زانو، دردهای کمری، آرتروز مهره‌های کمری، دیابت نوع ۲، اختلالات چربی خون، کم‌چندپر، مشکلات گوارشی و برخی انواع سرطان‌ها، بیماری‌های قلبی عروقی و کم‌های ناگهانی در خواب در اثر آینه تنفسی از جمله این عوارض است. تغییر شیوه زندگی با اصلاح سبک تغذیه و مصرف غذاهای با حجم بیشتر و کالری کمتر، انجام فعالیت‌های بدنی مناسب و روانه و همچنین استفاده از روش دارودرمانی اولین راه درمان چاقی به شمار می‌رود. اما برخی افراد امکان است با استفاده از این روش‌ها، نتیجه لازم را نگیرند یا با شکست در درمان چاقی و بازگشت وزن اولیه مواجه شوند؛ بیماران مبتلا به چاقی مرضی از جمله این بیماران هستند که پزشکان برای آنها روش‌های جراحی کم‌تهاجمی (لاپاراسکوپی) را توصیه می‌کنند.

اما در کنار روش های علمی ذکر شده، امروزه شاهد رشد قارچ گونه تبلیغاتی در سطح شهر هستیم که روش های غیر علمی برای رفع چاقی را به بیماران توصیه می کنند؛ با گفته پزشکان و متخصصان این حوزه، این روش ها نه تنها بیاموزی و اضافه وزن بیماران را برطرف نمی کند، بلکه می تواند عوارض شدید و گاه جبران ناپذیری را به همراه داشته باشد.

دکتر عبدالرضا پازوکی رئیس مرکز تحقیقات جراحی های کم تهاجمی دانشگاه علوم پزشکی ایران گفت: داروهایی که عطاری ها به این منظور به بیماران پیشنهاد می کنند حاوی موادی از گروه اعتاقین ها هستند که عوارض داروهای روان گردان است و در دراز مدت موجب جدی ایجاد می کنند. تنها دارویی که مورد تایید مجامع علمی است و در ایران نیز تایید شده است، داروی زینکال است؛ این دارو سبب پیشگیری از جذب چربی می شود و عوارض کوتاه مدت و دراز مدت دارد اما باید تحت نظر پزشک تجویز شود. وی در مورد طب سوزنی و تاثیر آن در درمان چاقی نیز گفت: طب سوزنی از جمله روش های سنتی است که در درمان چاقی مورد استفاده قرار می گیرد اما این روش می تواند تنها در چاقی های غیر مرضی موثر باشد. این روش برای افراد با توده بدنی پایین مناسب است اما برای افرادی که توده بدنی بالایی دارند، مناسب نیست. در مورد توده بدنی پایین نیز تاکید می شود که باید با مراجعه به مراجع علمی و مورد تایید از روش طب سوزنی استفاده شود.

پازوکی در خصوص درمان بیماران چاق مفرط از طریق جراحی توضیح داد: بیماران چاق ابتدا باید تغییر رفتار و سبک زندگی را در پیش گیرند البته این تغییر رفتار را به بسیاری سخت و مشکلی است و در مورد برخی ها به تنهایی جوابگو نیست همچنین بسیاری از بیماران ممکن است موادغذایی زیاد و پر کالری مصرف نکنند و فعالیت بدنی خوبی نیز داشته باشند اما به دلیل استعداد ژنتیکی، چاق شوند. این بیماران و بیماران مبتلا به چاقی مرزی کاندید جراحی می‌شوند. روش درمانی جراحی برای ۱۵ تا ۲۰ درصد بیماران چاق موثر استفاده خواهد کرد.

پازوکی در خصوص عوارض جراحی کم  
تهاجمی درمان چاقی گفت: جراحی های لاپاراسکوپی  
رفع چاقی مرضی مانند هر عمل جراحی دیگری با  
عوارضی روبه روست. چاقی و عوارض چاقی و  
جراحی و عوارض جراحی از دو کفه ترازو هستند؛ در  
یک کفه چاقی مرضی و عوارض آن است که کیفیت  
زندگی و حیات بیمار را تهدید می کند مانند دیابت یا  
آرتروزهای شدید همراه است. در کفه دیگر، عوارض  
جراحی است که بیمار را تهدید می کند: عوارض شایع  
جراحی کم تهاجمی رفع چاقی به غیر از خونریزی  
و عفونت، آمبولی ریه است که تیم جراحی باید  
تیمهذات لازم را برای پیشگیری از آن تدارک ببیند.  
در درازمدت نیز به دلیل اینکه این جراحی به صورت  
لاپاراسکوپی انجام می شود، احتمال بروز چسبندگی  
و انسداد روده ها وجود دارد. دوی به کمبو و ویتامین ها  
به عنوان عوارض درازمدت این جراحی اشاره کرد و  
گفت: بیماران باید حداقل سالی یک بار به تیم پزشکی  
معالج خود مراجعه کنند.